

انجمن مدیران صنایع

کار آفرین

ماهنامه

شماره ۱۵۷ - بهمن ۱۴۰۲ - ۶۴ صفحه

گروه کارخانجات مهندس
Grand Maghsoud Group
+98-513-5152000
CONTACT US
WWW.GRANDMAGHSOUD.COM

تلاقی
لذت
و خرید

چشم انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴ از نگاه ولز فارگو

اقتصاد ۲۰۲۴: توفان در راه است

2024

جهان

اندیشکده شورای آتلانتیک
پیش بینی کرد

جهان اندوهگین
در سال ۲۰۲۴

گزارش کارشناسی

جایگاه بخش خصوصی

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳
کل کشور و تاثیر آن بر تولید

اقتصاد ایران

نخستین نشست از سلسله نشست های
بررسی نقشه راه بردی صنعتی کشور

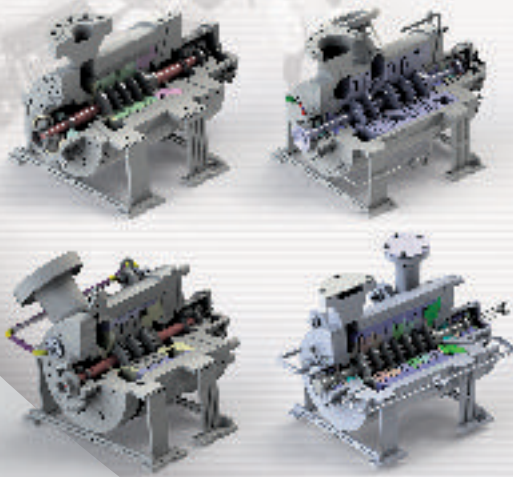
صنعت
در بیراهه



OTCE

شرکت تجهیزات توربو کمپرسور نفت

Empowered Knowledge | Sustainable Services



طراحی، ساخت و تأمین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی



تأمین قطعات



اجرا و راه اندازی



طراحی مهندسی



office@otce-co.com

021-88604735-36-38

021-88604739

- خدمات ماشینکاری سنگین و نیمه سنگین با انواع ماشین آلات CNC کاروسل، بورینگ، فرز دروازه ای، و فرز ۵ محور
- خدمات بالانس دور پایین، دور بالا در خلاء برای انواع روتور ها و قطعات دوار
- خدمات اسپین تست برای انواع پره ها (Impellers)
- خدمات حرارتی و لحیم کاری در خلاء (Vacuum Brazing)
- ارائه خدمات فنی و مهندسی (مشاوره، خدمات بازرگانی، خدمات مدیریت پروژه)
- ساخت و تأمین انواع توربو ژنراتور جهت نیروگاه های کوچک و متوسط تا ظرفیت ۵۰ مگاوات

- طراحی، ساخت و تأمین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ جهت استفاده در ایستگاه های اکسپورت، خطوط انتقال گاز، واحد های Crack-Gas و بازیابی اتان.
- طراحی، ساخت و تأمین انواع الکترو کمپرسورهای سانتریفیوژ فرآیندی، گازهای اسیدی، مبرد و اتیلین
- طراحی، ساخت و تأمین انواع الکترو کمپرسورهای سانتریفیوژ Over-Hang و Integrally Geared
- تست مکانیکال و پرفورمنس کمپرسور
- تعمیرات اساسی کمپرسورهای سانتریفیوژ گاز
- تأمین و ساخت قطعات یدکی انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و ماشین های دوار

تھلپیں

حال خوب زندگی

صنایع الکتریکی ناسیونال ایران (سہامی خاص)

National Electric Industrial Co.,(IRAN)Ltd.



tulips

Ideas for Happiness



www.nelco-electric.com



فتوحنی
Fettuccine
 یا اورد سمولینا
 غنی شده با ویتامین های
B3 B2 B1
 ۵۰۰ گرم



www.takmakaron.com

☎ 1648



C.I.CO. Group

شرکت کیمیا پالایش شکوهیه
(مجازی خاص)

شرکت کیمیا پالایش شکوهیه

تولید کننده برتر مواد و افزودنیهای پلیمری با کیفیت مشابه خارجی

۱- روغن پلاستی سایزر (DOA) بدون فتالات و با حداقل فراریت جهت استفاده صنایع غذایی و

بهداشتی

۲- روغن پلاستی سایزر ویژه با پایه گیاهی (AMG) با عملکرد مشابه (DOA) و با قیمت اقتصادی

۳- روغن پلاستی سایزر (DOTP) و (DOP) شفاف و بدون بو، مشابه نمونه های کره ای و ترک

۴- استایلایزر زینک-کلسیم مایع و خمیری کاملاً بهداشتی مناسب برای صنایع بهداشتی و غذایی

۵- استایلایزر باریم-کلسیم-روی مایع و خمیری برای مصارف عمومی

۶- اکتوات روی و اکتوات کلسیم با بالاترین خلوص

۷- کاتالیست K15 پایه پتاسیم و کاسموس پایه قلع برای صنایع پلی یورتان

آدرس دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۸۹۶، طبقه سوم

آدرس کارخانه: قم، شهرک صنعتی شکوهیه، فاز یک

راههای ارتباطی با شرکت:

تلفن دفتر: ۰۲۱) ۶۶۷۰۵۳۱۳ و ۰۲۱) ۶۶۷۰۱۷۴۱ فکس: ۰۲۱) ۶۶۷۰۲۴۳۷

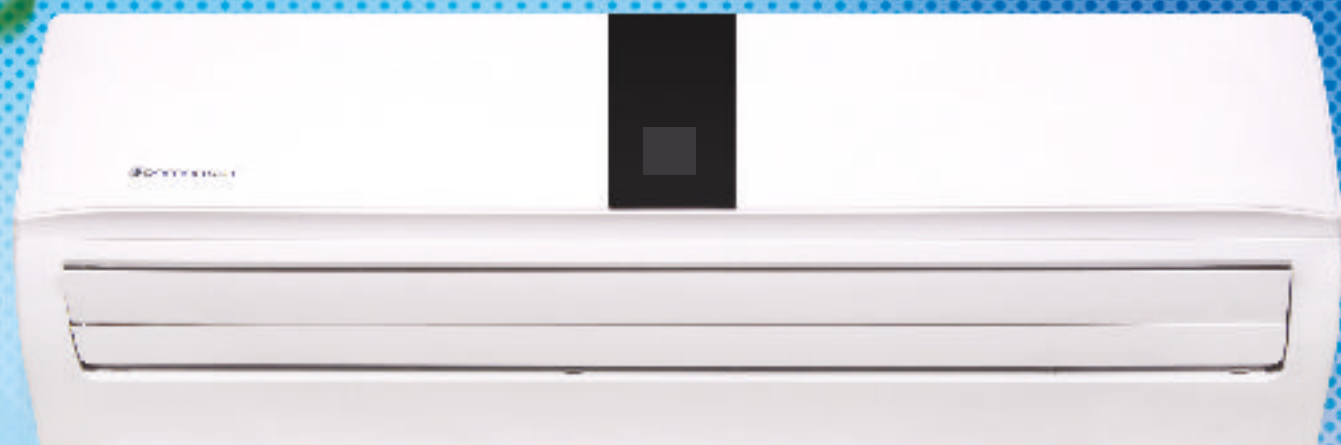
واحد فروش: خانم ربیع (شماره همراه - واتساپ و تلگرام: ۰۹۱۲۰۳۸۷۲۲۱)

مدیریت: مهندس ترابی (شماره همراه - واتساپ - تلگرام: ۰۹۱۲۳۰۲۷۰۶۵)

www.chemico.ir

info@chemico.ir

AIR CONDITIONER SPLIT UNIT



 **دمنده**
DAMANDEH
بادمنده نفس بکشید

*Breathe with
Damandeh*



صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رضاعلی رویایی

سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

اعضای تحریریه: شیما ستوده- احسان جنان صفت

فریدون اسعدی

مدیر اجرایی و صفحه آرایی:

علی صائمی

ویراستار:

فاطمه ابراهیمیان

حروفچین:

حمیدرضا خدابخش

نشانی: تهران، خیابان استادمطهری، روبه روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

نمابر: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر ماخذ آزاد است

نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه ها

لزوما نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است

نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است

مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود

مقالات رسیده پس داده نخواهد شد

متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود

مقالات روی یکطرف برگ A4 نوشته وفاصله بین سطرها رعایت شود

برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.ocm مراجعه کنید

چاپخانه:

پیمان نواندیش

اندیشه‌های



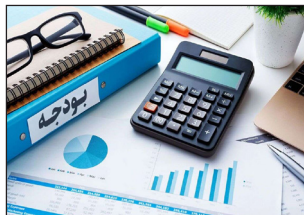
اندیشه‌های آمریکایی و رصد ایران



پژوهشکده و اندیشه‌کده‌ها از ابزارهای راهبردی دولت آمریکا محسوب می‌شوند که منویات و اهداف سیاسی مد نظر آنها را در قالب پوشش‌های مختلف علمی و آکادمیک میسر می‌کند. یکی از کارویژه‌های این موسسات، شناسایی دولت‌های رقیب و دشمن آمریکا و احصای نقاط ضعف و آسیب‌پذیر آنها برای اعمال فشار است تا بدین ترتیب به عنوان بازوی مطالعاتی و مشورتی آمریکا فعالیت کنند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از پرچمداران مقابله با سلطه‌گری آمریکا، همواره یکی از اهداف ثابت این مراکز بوده است و واشنگتن با استخدام نیروهای ایرانی معاند، سعی دارد با استفاده از گزارش‌های این خائنان وطن عرصه را بر ملت ایران تنگ کند...

◀ صفحه ۵

جایگاه بخش خصوصی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور و تاثیر آن بر تولید



• بودجه کل کشور معادل ۶۴۷۸ هزار میلیارد تومان متشکل از دو بخش بودجه دولت بالغ بر ۳۷۴۱ هزار میلیارد تومان و بودجه شرکت‌ها ۳۷۴۱ هزار میلیارد تومان.

• لایحه بودجه ۱۴۰۳ برای مهار تورم، انقباضی بسته شده است، رشد ۱۸٫۲ درصدی بودجه عمومی

دولت در شرایطی که تورم نزدیک به ۴۰ درصد است، گویای این موضوع است که دولت در کنار ترازنامه بانک‌ها، سیاست انقباض بودجه‌ای را نیز دنبال کرده است.

• اتکای بودجه دولت به فروش نفت کاهش یافته است. سهم نفت از منابع عمومی دولت از ۳۰ درصد در قانون بودجه ۱۴۰۲ به ۲۴ درصد در لایحه بودجه ۱۴۰۳ کاهش یافته است. برنامه دولت، کسب درآمد از محل مالیات است...

◀ صفحه ۲۳

پنج چالش اصلی جهان در نشست داووس



جمع جهانی اقتصاد (WEF) در نشست سالانه خود در داووس سوئیس با موضوع همکاری در یک جهان از هم پاشیده، ۵ بحران کلیدی جهان را بررسی می‌کند. این موضوعات چه هستند؟ جمع جهانی اقتصاد (WEF) در نشست سالانه خود در داووس سوئیس با موضوع همکاری در یک جهان از

هم پاشیده، ۵ بحران کلیدی جهان را بررسی می‌کنند. بیش از ۵۰ سال است که هر ژانویه، رهبران سیاسی، روسای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و تعداد زیادی از افراد سرشناس برای شرکت در مجمع جهانی اقتصاد که بیشتر آن را به نام نشست داووس می‌شناسند دور هم جمع می‌شوند تا درباره مسائل مهم جهان صحبت کنند. امسال در حالی این نشست با حضور سران کشورها و نخبگان تجاری جهان برگزار می‌شود که پیامدهای اقتصادی ناشی از جنگ در اوکراین و خطر قحطی بر این گردهمایی سایه افکنده است...

◀ صفحه ۴۷

صنعت در تله اقتصاد کلان



محمدصادق جنان صفت

سر دبیر

در دهه‌های تازه سپری شده کوشش بسیاری شد تا فعالیت‌های صنعت و معدن محور توسعه اقتصاد ایران شوند. این کوشش به کمک برخی از چهره‌های شاخص در دولت‌ها و نیز در بخش خصوصی به بار نشست و سهم تولید صنعتی از تولید ناخالص داخلی روند فزاینده‌ای را تجربه کرد. سهم ارزش افزوده بخش صنعت در ارزش افزوده کل اقتصاد ایران به بیش از ۲۰ درصد رسیده بود. بخش صنعت در دوره برنامه سوم توسعه به میانگین رشد ۱۰ درصد در سال رسیده بود و انتظار می‌رفت در برنامه‌های چهارم به بعد تولید صنعتی به با پیوند به دنیای صنعتی کیفیت تولید را بهبود بخشیده و به جایی برسد که بشود به صادرات فزاینده آن امیدوار شد تا جای درآمد ارزی را بگیرد. شوربختانه اما دولت‌های احمدی‌نژاد با تکیه بر درآمدهای به دست آمده از صادرات نفت خام که رویایی بود به روند توسعه صنعتی در همان اندازه اجرای برنامه سوم آسیب رساند. روند توسعه و رشد تولید صنعتی ایران در دوره احمدی‌نژاد در اوایل دهه ۱۳۹۰ اما با اعمال رژیم تحریم‌های اقتصادی از سوی دولت باراک اوباما به بدترین روزهای خود رسید. در سال ۱۳۹۷ و با رفتار بسیار سخت‌گیرانه دولت دونالد ترامپ علیه ایران تولید صنعتی نیز همانند کل اقتصاد روندی کاهنده را تجربه کرد. این وضعیت متأسفانه در دولت فعلی ادامه دارد و به رغم ادعای رشد تولید صنعتی در اندازه ۴,۷ درصد برای ایران اما بخش واقعی اقتصاد ایران یعنی تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری و بخش تولید آسیب دیده‌اند. راهبردهای دولت مستقر نیز گونه‌ای است که رشد تولید صنعتی را به محاق برده است.

بررسی‌های از سر اشاره نشان می‌دهد تولید صنعتی ایران در تله اقتصاد کلان افتاده است و نیز سیاست داخلی و سیاست خارجی نیز این وضعیت نامساعد را بدتر می‌کنند.

در ادامه برخی از گرفتاری‌های پدیدار شده از سوی اقتصاد کلان بر بخش صنعت را به طور خلاصه یاد آور می‌شویم:

قیمت‌گذاری دولتی

دولت سیزدهم بیش از هر دولت دیگری در سال‌های پس از جنگ وعده مهار تورم را داده است. با این همه این اتفاق نیفتاده و دولت برای کنترل قیمت‌ها به راهبرد شکست خورده قیمت‌گذاری دستوری رفته است. قیمت‌گذاری دستوری در اقتصاد ایران از سیر و پیاز تا فولاد و گندله و خودرو را در برمی‌گیرد. بدیهی است این راهبرد تفاوت بین کارآمدها و ناکارآمدها را زایل کرده و دلسردی گسترده‌ای برای بخش تولید به همراه دارد. مگر می‌شود بنگاهی اختیار مهمترین بخش از کار خود را به این دلیل که دولت می‌خواهد به شهروندان بگوید به فکر آنها است را از دست بدهد. تورم دولت ساخته

دولت سیزدهم نیز برخلاف وعده‌ها بودجه‌ریزی با کسری بودجه را در دستور کار قرار داده است. این راهبرد به پایداری تورم ۴۰ درصدی کمک کرده است و به همین دلیل می‌بینیم که این پدیده ویرانگر بر همه فعالیت‌های اقتصادی از جمله بخش صنعت اثر منفی بر جای گذاشته است. بنگاه‌ها در شرایط تورم ۴۵ درصدی قدرت رقابت با بنگاه‌های خارجی را از دست داده و نمی‌توانند در بازارهای خارجی حاضر باشند و حتی توان نگهداری بازار داخلی را نیز از دست داده‌اند.

سیاست‌های ارزی

بنگاه‌های تولیدی و صنعتی با سیاست‌های ارزی عجیب دولت رو به رو هستند. دولت سیزدهم راه را باز کرد تا قیمت هر دلار با شتاب به ۵۰ هزار تومان برسد و سپس قیمت را در اندازه‌ای زیر این قیمت تثبیت کرد. یک پژوهش انجام شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ نرخ ارز در اقتصاد اثر گذار بوده‌اند. بنگاه‌های صنعتی علاوه بر اینکه از نظر دریافت ارز مورد نیاز برای واردات مواد اولیه با دشواری روبه‌رو هستند باید دلارهای صادراتی خود را نیز در اختیار بانک مرکزی با قیمتی زیر قیمت بازار قرار دهند. علاوه بر این دولت و بانک مرکزی با اختصاص دلار ارزان برای واردات به برخی از فعالیت‌های اقتصادی صنعت را زیر تیغ قرارداده است تا دنبال رانتهای ارزی باشند.

تثبیت نرخ بهره و سرکوب اعتباردهی بر اساس گفته‌ای مدیران پولی کشور بیش از ۹۰ درصد سرمایه مورد نیاز برای گردش بنگاه‌ها از منابع بانکی به دست می‌آید. دولت با ارزان‌سازی قیمت پول یا همان نرخ بهره راه تقاضای بیش از اندازه را برای منابع بانکی باز گذاشته است. گالیه‌های پرشمار مدیران بنگاه‌های دولتی از کمبود اعتبارات شاید بیشترین ناراحتی بخش تولید را به همراه داشته است. آمارهای ارایه شده نشان می‌دهد بیشترین اعتبارات بانکی در اختیار بنگاه‌های دولتی و سپس بنگاه‌های وابسته به بانک‌ها و سپس بخش تجارت قرار گرفته است. دولت بانک‌ها را موظف کرده است به نهضت ملی مسکن، به شرکت‌های مشهور به شرکت‌های مورد سفارش دولت و... اعتبار دهند. در این صورت برای بخش تولید منابع بانکی از دسترس خارج شده است.

سیاست‌های مالی

دولت سیزدهم با استفاده از برخی واژه‌ها و نیز راهبردهایی برای تامین مالی بودجه سیاست‌های مالی را با محوریت سیاست‌های مالیاتی تولید را زیر فشار قرار دهد. سیاست‌های مالیاتی در بیشتر کشورها به سوی کاهنده شدن می‌روند اما در ایران این وضعیت نابسامان است. ارزش افزوده ده درصدی بر مصرف که از سوی دولت اعمال می‌شود بیش از هر بخشی تولید را زیر فشار قرار داده است زیرا قیمت فروش آنها را تا ۹ درصد افزایش داده است. این وضعیت به گسترش فقر منجر شده و قدرت خرید مصرف‌کنندگان را کاهش داده است.

گسترش فقر و کاهش قدرت خرید

در حالی که تورم در کشور به طور متوسط به ۴۵ درصد در سال رسیده است نرخ رشد مزدها کمتر از این بوده و نیز قدرت خرید شهروندان تحت تاثیر این نابرابری به شدت به تنگنا افتاده است. دولت سیزدهم نیک می‌داند گسترش فقر و روزافزون شدن شمار تهیدستان بیشترین فشار را بر بخش تولید می‌آورد. در پرسش‌های صورت پذیرفته از بنگاه‌های صنعتی برای بازگویی مشکلات خود بیشترین گلایه از روند کاهنده فروش بوده وهست.

سیاست خارجی

شاید سیاست خارجی را در این بخش نتوان جای داد و با تاکید بر گرفتاری‌های صنعت از سوی اقتصاد کلان باید آن را در دسته بندی دیگری جای داد اما واقعیت این است که تحریم اقتصادی بربنگاه‌های تولیدی از ابعاد گوناگون فشار آورده و می‌آورد.



صنعت در پیراهه

در کشور دچار تورم سیاستی هستیم و شمار بالای مصوبه‌های دولت و مجلس در ایران با هیچ کشوری قابل مقایسه نیست. پس تا زمانی که خود را زیر تلنباری از این سیاست‌ها و برنامه‌ها مخفی می‌کنیم، راهی برای نفس کشیدن، توسعه و پیشرفت نداریم.

وقتی صادرات چین از ایران کمتر بود

در ادامه این نشست، اصغر ابراهیمی اصل، معاون امور بین‌الملل و همکاری‌های منطقه‌ای معاون اول ریاست‌جمهوری گفت: «کشور چین با سرمایه‌گذاری ۱.۲ میلیارد دلاری و کمک از شرکت‌های مشاوره‌ای داخلی و معتبر دنیا توانست سند توسعه صنعتی خود را تدوین کند. این کشور در اوایل سال‌های انقلاب اسلامی هشت میلیارد دلار صادرات داشت و ایران ۱۲.۳ میلیارد دلار، اما در حال حاضر این کشور دومین اقتصاد بزرگ جهان است و وضعیت ایران هم مشخص است. این گزارش بیشتر از اسناد بالادستی و سوابقی که بوده استفاده کرده است و از اطلاعات و آمار سال ۹۵ استفاده شده و هفت سال از آن آمار گذشته است. این در حالی است که ما باید سندی را تدوین کنیم که برای ۵۰ سال از آن استفاده کنیم. در این سند، راهکار وجود ندارد و انشایی است و به واقعیت‌ها توجهی نشده است؛ درست مانند خطایی است که در برنامه ۲۰ساله نوشتیم». روح‌الله ایزدخواه، عضو کمیسیون صنایع مجلس از دیگر سخنرانان این جلسه بود. او در این

نخستین نشست از سلسله نشست‌های بررسی نقشه راهبردی صنعتی کشور، با همکاری مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری و مجمع کارآفرینان ایران برگزار شد و در این نشست شماری از سیاست‌گذاران، صنعتگران و کارشناسان به نقد و آسیب‌شناسی این سند پرداختند. در ابتدای این نشست، مصطفی زمانیان، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری گفت: «تدوین سند سیاست صنعتی سابقه نسبتاً طولانی دارد و امروز که بیش از دو سال از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد، این سند به‌عنوان یک محصول در مسیر تصویب در صحن دولت است. تا آنجایی که بنده اطلاع دارم، مسیر آن در کمیسیون طی شده و به دولت تحویل داده شده است. از همین رو به همت همکاران‌مان در مرکز بررسی‌های استراتژیک و مجمع کارآفرینان ایران مقرر شد تا پس از برگزاری سلسله نشست‌هایی، گزارشی در این زمینه تهیه و خدمت آقای رئیس‌جمهور ارائه شود. البته از آنجایی که کمی فرصت‌های پیش‌روی ما در زنجیره اقتصاد جهانی با فرصت‌هایی مانند بریکس و شانگهای، تعاملات با عربستان و چین بیشتر شده، باید به این فرصت‌های جدید توجه ویژه شود». او در ادامه تأکید کرد: «چندین سال قبل که سند سیاست صنعتی را تهیه کردیم، کشور از دو مزیت راهبردی دسترسی به انرژی و نیروی انسانی ارزان برخوردار بود، اما نمی‌دانم امروز در این دو زمینه چه جایگاهی داریم. ما در حال حاضر



دارد». علیرضا گرشاسبی، مدیر کل برنامه‌ریزی و پایش وزارت صنعت در ادامه گفت: «در حال حاضر ما دیگر از مسئله تدوین سیاست صنعتی گذر کرده‌ایم و باید درباره چگونگی و نحوه اجرای آن رایزنی کنیم. با توجه به اهمیتی که بحث تولید فناوری دارد ما باید قلمرو اصلی‌مان را بحث تولید قرار دهیم؛ هرچند موضوعات مرتبط به آن از سایر ارکان حوزه صنعت نیز متأثر است».

گرشاسبی گفت: «از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۴۰۱ وقتی به سهم تولید در صنعت توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که در سه دهه اخیر سهم صنعت به زیر ۲۰ درصد رسیده و درجا می‌زند. به‌طور کلی یعنی صنعت نتوانسته است جایگاه رو به رشد خود در اقتصاد ملی را ادامه دهد و مواهب ناشی از توسعه صنعتی به نوعی سرریز به اقتصاد ملی نداشته باشد».

لزوم جلب مشارکت اجتماعی

مهدی قاسمی‌علی‌آبادی، دبیر کمیسیون زیربنایی دولت نیز در ادامه این نشست گفت: «آن چیزی که به دولت ارائه شد، یک پیش‌درآمد از این سند است که مؤسسه آموزش عالی تهیه کرده است. رئیس‌جمهور و معاون اول هم تأکید دارند که این موضوع در کمیسیون دولت مطرح شود تا ما بتوانیم یک هم‌گرایی را میان دستگاه‌ها به وجود آورده و از ظرفیت‌های بخش خصوصی استفاده کنیم تا این سند نوعی تدوین شود که قابل اجرا باشد».

عیسی منصوری، کارشناس حوزه کسب‌وکار هم در این جلسه گفت: «به نظر می‌رسد انتظار این است که این سند و خروجی نهایی آن بالاتر از سیاست‌های دولت‌ها که تاکنون نوشته شده و حتی بالاتر از قوانین موجود قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که دولت‌ها وقتی بر سر کار می‌آیند، بتوانند سیاست‌های خود را بر اساس این چارچوب کلی اجرایی کنند. بنابراین به‌طور کلی نیاز داریم تا این سند به قانون تبدیل شود و قوانین جدید بر اساس آن تدوین و تهیه شود و چنین اقدامی بدون مشارکت بخش خصوصی، دولت و دانشگاه ممکن نیست؛ زیرا در غیر این صورت اجماع ملی صورت نمی‌گیرد و سرمایه اجتماعی برای اجرای آن وجود نخواهد داشت».

از آرزو تا راهکار علینقی مشایخی، صاحب‌نظر و استاد مدیریت دانشگاه صنعتی شریف، از دیگر سخنرانان این نشست بود. او در این نشست اعلام کرد: «ما پیش از عمل به فکر کردن نیاز داریم. در بیشتر سندهای تهیه‌شده از مشکلات و آرزوها گفته می‌شود و از راهکارها صحبت نمی‌شود. در سند مذکور نیز شرایط به همین گونه است. برای تحول شرایط و صنعت، نتیجه تلاش آحاد مردم از جمله کارآفرینان، صنعتگران، شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی و... است و تلاش افراد تحت تأثیر سیاست‌هایی است که اجرا می‌شود. اما سؤال مورد نظر این است که کدام سیاست اشتباه اجرا شده که وضع فعلی و نامطلوب رقم خورده است. باید به دو دسته سیاست توجه شود که دسته نخست سیاست‌های اقتصاد کلان و دسته دوم رانت‌ها و فساد است». او تأکید کرد: «بدون تنظیم سند روشن و اهداف قابل دسترس و همچنین انزوای جهانی و تداوم رانت و فساد هیچ اتفاقی مثبتی نخواهد افتاد». جواد نوری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه صنعتی شریف نیز با بیان اینکه سند در محتوا و در فرایند رسیدن به محتوا به اصلاحات زیادی نیاز دارد، گفت: «در گزارشی که توسط دیوان محاسبات ارائه شده، اعدادی درخور توجه وجود دارد. در بخشی از این گزارش‌ها آمده است که فقط ۲۶ درصد سیاست‌ها در حوزه ساخت داخل اجرا شده و ۷۴ درصد از این سیاست‌ها در اجرا نشده است. سیاست‌گذار باید کاری انجام دهد که رفتار بازبگر تغییر پیدا کند که در اینجا بازبگر همان بخش خصوصی، گمرک، هلدینگ و... است. بنابراین سیاست‌گذاری که به تقنین متصل نشود و تقنینی که به قانون‌گذاری متصل نشود و در نهایت به اجرا وصل نشوند، در واقع محل چالش است».



نشست گفت: «وضعیت محیطی حاکم بر صنعت که شامل تحریم، ناترازی‌ها و کسری بودجه، کاهش ارزش پول ملی، تورم و... است، موجب شده تا بسیاری از ظرفیت‌های داخلی مانند معدن، دریا، انرژی خورشیدی و... مغفول باقی بماند. علاوه بر این، فقدان اراده و فرماندهی سیاست صنعتی از دیگر مشکلات است. با وجود سابقه ۲۰ ساله مطالعات و تدوین شبه‌اسناد توسعه صنعتی که از دوره دولت اصلاحات آغاز شده، هنوز دولت یا وزیری اراده منسجمی بر سیاست توسعه صنعتی به خرج نداده است. ما در اقتصاد کلان درگیر تنظیم‌گری شده‌ایم. بودجه و برنامه مبتنی بر تنظیم‌گری است».

به گفته ایزدخواه، «نکته دیگر بحث حکمرانی در سطح زنجیره‌های و منطقه‌ای است. همان‌طور که در سطح کلان و ملی صحبت می‌شود، به همان نسبت در سطح زنجیره‌ها و مناطق انجام می‌شود. توسعه منطقه‌ای مبتنی بر صنعت و توسعه زنجیره‌های صنعتی به‌شدت در ادبیات علمی پررنگ است. ما در کشور فقدان مسئول زنجیره‌ها را داریم».

حمیدرضا فولادگر، مشاور کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در ادامه توضیح داد: «در این سند نیاز به برخی زیرساخت‌هاست. ضمن اینکه ما عقب‌ماندگی‌های تجاری داریم که هشدارهایی است برای اقتصاد کشور و تا زمانی که این موارد و موضوع سرمایه‌گذاری در کشور حل نشود، اگر این سند نهایی و ابلاغ شود باز نمی‌توان به تغییری جدی امیدوار بود و مشکل اصلی ما وجود مانع برای سرمایه‌گذاری مردم است».

درج‌ازدن تولید صنعتی

مسعود سزاوار، عضو شورای راهبردی مجمع کارآفرینان، در این نشست گفت: «اکنون در دنیا با عددی معادل ۱۰۷ هزار میلیارد دلار GDP مواجه هستیم؛ در صورتی که تنها چهاردهم درصد این سهم به ایران اختصاص دارد. ما قرار است در بخش صنعتی به چه جایگاهی در دنیا دست یابیم؟ کشور ایران یک درصد جمعیت دنیا را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین اگر بخواهیم با سهم جمعیتی به این موضوع نگاه کنیم، قطعاً سهم ما بیش از این میزان فعلی است؛ چرا که طبق آمارهای برآورد شده بین هفت تا هشت درصد منابع دنیا در اختیار کشور ما قرار



اندیشکده‌های آمریکایی و رصد ایران

دولت استکباری سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار برای «گسترش دموکراسی در ایران»، ۵۵ میلیون دلار برای «جنگ نرم با ایران» و میلیون‌ها دلار برای «نفوذ در ایران، مقابله با فیلترینگ سایت‌های ضدایرانی، تحریک قربانیان سانسور در ایران، آموزش الکترونیکی ایرانیان مخالف نظام برای براندازی نرم و شبکه‌سازی اینترنتی برای اغتشاش‌گران بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری، ارایه آموزش‌های لازم رسانه‌ای و کامپیوتری برای راه‌اندازی سایت‌ها جهت اطلاع‌رسانی» و مبالغ کلانی نیز به منظور بودجه تکمیلی «مبارزه با ایران از طریق فعالیت‌های اینترنتی» اختصاص داده است. با وجود اینکه مراکز مطالعات، بنیادها و نشریات غربی ادعا می‌کنند که مراکز کاملاً غیرانتفاعی هستند و به دولت‌ها وابستگی ندارند اما مرور فعالیت‌های آنها و سوگیری‌های‌شان نشانگر این است که در واقع نهادهایی کاملاً فرمایشی و وابسته هستند که منابع مالی بیشتر آنها از طرف دولت‌ها و سرمایه‌داران صهیونیست تامین می‌شود و عمده فعالیت‌های این مراکز به تحقق خواست و اراده این دولت‌ها متمرکز است و آنها موظفند اساس

پژوهشکده و اندیشکده‌ها از ابزارهای راهبردی دولت آمریکا محسوب می‌شوند که منویات و اهداف سیاسی مد نظر آنها را در قالب پوشش‌های مختلف علمی و آکادمیک میسر می‌کند. یکی از کارویژه‌های این موسسات، شناسایی دولت‌های رقیب و دشمن آمریکا و احصای نقاط ضعف و آسیب‌پذیر آنها برای اعمال فشار است تا بدین ترتیب به عنوان بازوی مطالعاتی و مشورتی آمریکا فعالیت کنند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از پرچمداران مقابله با سلطه‌گری آمریکا، همواره یکی از اهداف ثابت این مراکز بوده است و واشنگتن با استخدام نیروهای ایرانی معاند، سعی دارد با استفاده از گزارش‌های این خائن‌ان وطن عرصه را بر ملت ایران تنگ کند.

بودجه‌های کلان برای نفوذ

در نظر گرفتن بودجه‌های کلان برای مقابله و ضربه زدن به جمهوری اسلامی یکی از راهبردهای اتخاذ شده در این خصوص است. بودجه‌های مصوب سنای آمریکا در پنج سال گذشته گویای این حقیقت است که این





و فعالیت‌های‌شان را به بحث و بررسی مسائلی نظیر تحریم‌ها، مباحث حقوق بشری و سناریوهای جنگ نظامی متمرکز کرده‌اند. در این اتاق فکرها کشورهای هدف به‌صورت جداگانه مشخص شده و سیاست‌های داخلی و خارجی آنها جز به جز مورد بررسی قرار می‌گیرد تا همه ابعاد پیدا و پنهان آن موضوعات به‌طور شفاف تبیین شده و راهکارهایی برای عملیاتی شدن آنها ارائه شود. اتاق فکرهای آمریکایی نقشی اساسی در اعمال جنگ نرم علیه کشورهای چین، روسیه و همه رقبای دشمنان آمریکا دارند اما بر همگان مسجل شده که فراز و فرودهای نظام جمهوری اسلامی ایران با دقت نظر بیشتری مورد مطالعه قرار می‌گیرد به‌ویژه که اتفاقات منطقه بر نقش آفرینی بی‌بدیل ایران در ساماندهی شرایط دلالت دارد و همین مساله بر دشمنی آمریکا و اسرائیل افزوده است و آنها منتظر فرصتی هستند تا از ملت ایران زهرچشم گرفته و آنها را با ابزارهای مختلف به چالش کشیده و مجبور به تسلیم کنند.

تزریق خواسته‌های نامشروع

اندیشکده‌های بین‌المللی می‌کوشند با جهت‌دهی به افکار نخبگان موثر یک حوزه، آنها را با سیاست‌های مدنظر خود همراه کنند. این موسسه‌ها با همکاری رسانه‌های اثرگذار، خواسته‌های اصلی و اغلب نامشروع کشورهای سلطه‌گر را در صحنه نظام بین‌الملل به پیش می‌برند و می‌کوشند با تصویرسازی نامطلوب و جنگ اطلاعاتی و روانی علیه کشور ایران که منتقد وضعیت موجود نظام بین‌الملل و قواعد حاکم بر آن است، شرایط را مهیای اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران کنند و به این ترتیب مناسبات دوجانبه و چندجانبه کشورمان در سطح جهان را به بن‌بست ببرند و با این شیوه مزورانه، قدرت داخلی نظام جمهوری اسلامی را با فشار حداکثری متوقف کنند. از همین‌رو در گزارش‌های هفتگی خود می‌کوشیم با تقسیم‌بندی اندیشکده‌ها، افراد و اتاق فکرهای ضدایرانی به دو گروه اصلی و فرعی، آنها را اجمالا معرفی کرده و گزارشی از موضوعات مورد مطالعه آنها ارائه کنیم تا به این ترتیب لابی‌های کلیدی و قطب‌های پیش‌برنده اهداف ضدایرانی را که برنامه‌های آنها در جهت ایران‌هراسی و اعتبارزدایی از ایران است به مخاطبان معرفی کرده و از برنامه‌های آتی آنها در مناسبت‌های مختلف از جمله انتخابات مهم اسفند سال جاری پرده‌برداری کنیم.

امین صبحی - دبیر گروه سیاسی

تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی خود را با اهداف و رای و نظر این دولت‌ها تطبیق دهند. از همین‌رو از مراکز مطالعاتی و اندیشکده‌های ضدایرانی به عنوان یک بازوی بسیار مهم برای دولت‌های غربی یاد می‌شود و رد پای برنامه‌ها و ایده‌های آنها در همه آشوب‌ها و اغتشاشاتی که ماهیت وجودی و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی را زیر سوال می‌برد، دیده می‌شود.

وابسته به صهیونیسم

با این اوصاف جایگاه و اهمیت مراکز مطالعات بر کسی پوشیده نیست. این مراکز نه فقط به عنوان یک مرکز اندیشه‌ورز در کنار سیاست‌گذاران ایفای نقش می‌کنند بلکه در تصمیمات کلان نیز حضور دارند و مطالعات و خط مشی‌های خود را در این زمینه هدایت می‌کنند. آمریکا و انگلیس از بیشترین مراکز مطالعاتی و بنیادهای اندیشه‌ورز برخوردار هستند تا جایی که این مراکز و بنیادها، اسناد بالادستی کشورها و حتی معاهدات را به رشته تحریر درمی‌آورند. آمریکا در سند اخیر امنیت ملی خود موسوم به سند امنیت ۲۰۲۳ از چهار کشور چین، ایران، روسیه و کره شمالی به عنوان تهدید یاد می‌کند و خواستار بررسی میزان اثربخشی آنها در حوزه‌های مختلف است. ارزیابی محتوای این سند ۴۸ صفحه‌ای حاوی نکته قابل تاملی است، چرا که موارد ذکر شده در آن همان خروجی مراکز مطالعات و مقالات بنیادها در طول سال‌های اخیر است که علیه سه کشور ایران، روسیه و چین تدوین شده است. همچنین این مراکز با وجود ادعای استقلال اما به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به صهیونیسم وابسته هستند و ردیف بودجه مشخصی در سازمان و نهادهای آمریکایی و صهیونیستی دارند.

بهانه‌تراشی برای اعمال تحریم

استفاده از بهانه‌های حقوقی و سیاسی برای اعمال تحریم‌های حقوق بشری علیه ایران، شناسایی خال‌های اقتصادی برای تشدید تحریم‌های اقتصادی، بانکی و صنعتی، معرفی اهداف نظامی و امنیتی، تعیین خطوط عملیات روانی برای رسانه‌های معاند و شبکه‌سازی از طریق ارتباط با جریان‌های سیاسی و چهره‌های مشهور داخل کشور از مهم‌ترین کارویژه‌های این موسسات است. آمریکا بیش از ۲۷۰۰ اتاق فکر و اندیشکده به عنوان بازوی مطالعاتی و مشورتی دارد که هر کدام از آنها در جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل، بررسی و تطبیق موضوعات تخصصی مربوط به خود شهره هستند



بخش خصوصی را از تصمیم‌گیری‌ها نرانیم



محمود نجفی عرب حالا با واقعیت‌های اقتصاد ایران بیشتر از پیش آشنا شده است و نیک می‌داند باید در دنیای سخن و عمل باقی بماند. او همانند رییس پیشین اتاق تهران به‌طور مرتب می‌نویسد و سخن می‌گوید و تحلیل‌هایش را از مجاری گوناگون به اطلاع افکار عمومی می‌رساند. یک نوشته از وی را در ادامه می‌خوانید:

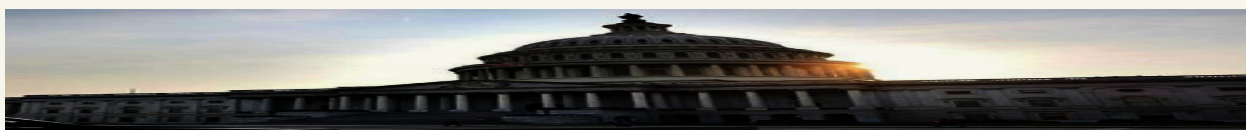
روزها در هر محفل و نشستی، صحبت از بحران در اقتصاد ایران و عبور از نقاط وخیم و تجربه عینی «اقتصاد تکیده» است. متأسفانه و حتی بدون اتکا به آمارهای رسمی هم تجربه ملموسی از شرایط نامطلوب اقتصادی برای عموم شهروندان وجود دارد. نمونه بارز اینکه گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد فقرای کشور را ۲۵ میلیون نفر نشان می‌دهد. بدتر اینکه طی یک‌دهه گذشته ۱۱ میلیون نفر به این جمعیت افزوده شده است.

البته همه این اعداد بر مبنای رقم درآمدی ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تا سال ۱۴۰۰ یا ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تا سال ۱۴۰۱ برای یک‌خانوار چهارنفره برآورد شده است که خود این رقم درآمدی مبنای دقیقی برای سنجش فقر در شهرهای بزرگی مانند تهران نیست. همین گزارش بر کاهش ۵۱ درصدی مصرف شیر یا کاهش ۲۸ درصدی مصرف برنج تأکید دارد. افت مصرف گوشت سفید و قرمز و جایگزینی کالاهای دیگری مانند تخم‌مرغ در سبد مصرفی خانوار، نمودهای دیگری از وضعیت نامطلوب درآمدی خانوارها به‌شمار می‌آیند. از همه اینها ناگوارتر اینکه بر مبنای اطلاعات گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، فاصله خانوارهای طبقه متوسط با خط فقر کاهش یافته و از طرف دیگر فاصله خانوارهای زیر خط فقر تا نقطه بهبود یا خروج از این وضعیت زیاد شده است. حالا اگر همه این اعداد در دسترس نباشد، باز هم درک بحران معیشت در میان مردم ممکن است. یعنی کسی نمی‌گوید: «چون خط

به نیروی کار ارزان و تحصیلکرده دسترسی گسترده دارد. در اغلب شهرک‌های صنعتی سوله‌های خالی، خاک‌گرفته و متروکه بسیار است. پنجره‌های شکسته و تار عنکبوت‌بسته، تصویر تعدادی از شهرک‌های صنعتی شده است. در برخی شهرک‌های صنعتی پرنده پر نمی‌زند. از چند کارخانه و سوله‌های کنار هم به‌ندرت یکی یا چندتا کار می‌کنند و بقیه تعطیل هستند. شهرک‌ها پر از ساختمان‌های نیمه‌ساز و سوله‌های نیمه‌کاره شده‌اند؛ آن هم نه در نقاط دورافتاده کشور، بلکه در همین شهرک‌های کنار گوش

فقر فلان عدد است، افزایش تعداد فقرا را درک می‌کنم.» با روابط عادی انسانی و حتی مشاهده عینی زندگی مردم هم می‌توان به تصویری از وضعیت فقر در هر کشوری از جمله ایران دست پیدا کرد.

همین قاعده برای صنعت هم وجود دارد. اینکه گفته می‌شود میزان استهلاک از سرمایه‌گذاری بیشتر شده، دلالتی رسمی و متکی بر آمار برای اثبات بحران اقتصادی دارد؛ آن‌هم در کشوری که از منابع سرشار نفتی و معدنی بهره‌مند است و تا همین چند سال قبل به این موضوع فخر می‌فروخت که





- جذب سرمایه‌های جدید خارجی و داخلی؛
 - پرهیز از اعمال خطا مانند استفاده بی‌فایده از مکانیزم اقتصاد دستوری؛
 - اصلاحات واقعی اقتصادی به معنای حذف قیمت‌گذاری دستوری، حذف ارز ترجیحی و چندنرخه.
 باید به سمتی حرکت کرد که مانع از رفتارهای سیاست‌زده در حوزه اقتصاد شود. هم‌زمان باید به فکر اصلاح روابط خارجی کشور و ایجاد امکان مراودات خارجی به‌دور از سایه سیاه تحریم‌ها بود. در این صورت امکان بهبود روابط بانکی خارجی و از سرگیری مبادلات بانکی با جهان هم ایجاد می‌شود. این گام‌ها می‌تواند مسیر اقتصاد ایران را به سمت بهبود تغییر دهد. در ایران به‌اندازه کافی نیروهای کارآزموده، دلسوز و صاحب دانش وجود دارد. با دعوت از آنها برای مشارکت در حل مسائل و مشارکت دادن بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها می‌توان با کمی صبر، از تنگناها عبور کرد. رهبری وقتی شعار سال را «مهار تورم، رونق تولید» قرار دادند، نگاه به همین موضوع داشتند. تحقق هر دوی اینها نشاط را به جامعه برمی‌گرداند. متأسفانه گاهی موضوعات اصلی و فرعی جابه‌جا می‌شود. اما اکنون تمرکز همه کشور باید بر حل مسائل اصلی باشد.

نامطلوب داخلی هم اوج گرفته و در نهایت نه سرمایه به کشور وارد می‌شود و نه سرمایه در کشور می‌تواند باقی بماند. همه اینها در حالی است که اقتصاد ایران به بهره‌مندی از منابع نفتی عادت داشت و همیشه عدم‌ورود سرمایه خارجی را با درآمدهای نفتی جایگزین می‌کرد، ولی حالا، هم خبری از درآمدهای نفتی نیست و هم اینکه سرمایه خارجی به کشور وارد نمی‌شود. اساساً سرمایه داخلی و خارجی در محیطی جذب و فعال می‌شود که آینده روشنی برای آن ترسیم شده باشد. در کنار اینها بروز فساد گسترده و از میان رفتن میدان رقابت و بی‌عدالتی در بازی اقتصاد را هم نباید از یاد برد. جای تأسف است که ناگهان در این اقتصاد، تورم‌های مزمن ۵۰ درصدی هم ظهور کرده است. چه فعالیت تولیدی و صنعتی را می‌شناسید که ۵۰ درصد بازدهی داشته و تازه پس از آن به نقطه سر به سر برسد؟ اما همه اینها باعث و پایه ناامیدی نیست. اینها حقیقت است، ولی نباید از حقیقت ترسید. برای هر دردی، درمانی وجود دارد. خوشبختانه همه مسائل اقتصادی با روش‌های علمی و نه شبه‌علمی قابل حل‌اند؛ به چند شرط:

- ایجاد عزم ملی برای بهبود؛
 - بازگشت به مدار کارشناسی؛
 - واگذاری امور اقتصادی به بخش خصوصی؛

پایتخت که روزگاری صنایع مهم برای در اختیار گرفتن زمین و احداث کارخانه در آنها سر و دست می‌شکستند. حالا چه شده است؟ همه اینها بیان شد برای اینکه حرف دیگری زده شود. آیا ما اولین کشور جهان به شمار می‌رویم که چنین بحرانی را تجربه می‌کند؟ ویتنام، سنگاپور، آفریقای جنوبی، مالزی، تایوان و حتی چین و هند از امروز ایران، شرایط بدتری داشتند، اما حالا اقتصاد پویایی دارند. ژاپن پس از جنگ جهانی دوم هم یک نمونه از ویرانی و ژاپن اکنون هم یک شمایل از کشوری پیشرفته است. در خاطرات معماران توسعه صنعتی ایران بارها ذکر شده که وقتی ایران فعالیت در زمینه خودروسازی یا لوازم‌خانگی را آغاز کرد، کره جنوبی حتی در اول راه توسعه هم نبود. حالا امروز از اشتراک ما و کره جنوبی فقط این باقی مانده که در سؤال نام خیابانی تهران و در تهران نام خیابانی سؤال است. البته برخی تندروی‌های چند سال قبل، خطر حذف این تنها اشتراک را هم ایجاد کرده بودند.

مساله کجاست؟ چرا آنها توانستند؟ طی چند دهه گذشته اقتصاد ایران سردرگم شده است و مدام خطاهای ساختاری را تکرار می‌کند. مثلاً در حالی که تحریم‌های خارجی باعث بروز انواع محدودیت‌ها شده، مدیریت

تجارت خارجی: چی صادر و چی وارد می کنیم



سال ۱۴۰۱ به رقم ۶۹ میلیارد و ۴۸۴ میلیون می‌رسد. همچنین در ۸ ماهه سال ۱۴۰۱ میزان وزنی صادرات غیرنفتی ۷۰ میلیون و ۴۰۲ هزار تن اعلام و میزان وزنی واردات ۲۳ میلیون و ۴۰۵ هزار تن گزارش شده بود.

در آماري که برای این عملکرد تجاری ایران در هشت ماهه منتهی به آذر سال ۱۴۰۲ منتشر شده است، جز تراز منفی ۱۰۱ میلیارد دلاری، دو نکته در همان نگاه نخست جلب نظر می‌کند؛ اولین مساله غیاب مقاصد و مبادی تجارت ایران و دوم فقدان آمار مربوط به کالاهای وارداتی و صادراتی. هر چند در هر دو مورد بعيد به نظر می‌رسد که از ماه گذشته تاکنون - و حتی از سال گذشته تا امروز - تغییر اساسی رخ داده باشد.

شرکای تجاری نخست ایران همواره مقاصد چین، عراق و امارات، ترکیه و هندوستان هستند که کالاهای ایرانی را خریداری می‌کنند، هر کدام به دلیلی که به سختی بتوان آن را به مزیت کالای ایرانی نسبت داد. چینی‌ها تحریم‌ها را رعایت نمی‌کنند و برخی شواهد حاکی از آن است که در مقابل کالای ایران را با تخفیف زیاد دریافت کرده و بخشی از آن را با تهاتر تسویه می‌کنند. بازار عراق به دلیل مرز مشترک طولانی و وجود حمایت سیاسی در این کشور از ایران همواره مقصد کالاهای ایرانی بوده است، هندوستان شرایطی مشابه چین دارد و ترکیه شرایطی مشابه عراق با این تفاوت که حمایت سیاسی که از ایران در عراق وجود دارد در ترکیه موجود نیست، اما احتمالاً همچنان بخشی مهم از کیک تجارت غیرنفتی ایران و ترکیه مربوط به صادرات گاز طبیعی ایران به این کشور باشد که باز به سختی بتوان آن را ناشی از مهارت تجاری ایران دانست. امارات قطعاً و بدون توسل به حدس و گمان بازار کالای ایرانی نیست، بلکه واسطه‌ای است میان کالای ایرانی و برخی مشتریان دیگر ایران. به احتمال همچنان عمده صادرات ایران مربوط به صدور کالاهای مشتق از نفت و فراورده‌های آن باشد. برآورد مقام‌های رسمی، از جمله وزیر نفت در ماه‌های گذشته حاکی از آن است که نیمی از ارزش صادرات ایران مربوط به کالاهای با پایه نفت، از جمله تولیدات پتروشیمی است. مبادی تجاری ایران نیز با وجود آنکه در آمار جدید نشانی از آن وجود ندارد، احتمالاً بدون تغییر مانده است و همان پنج کشور مقصد باشند به استثنای ترکیه که در کشورهای طرف واردات ایران، آلمان جای آن را پر کرده است.

تجارت خارجی از ارکان بخش واقعی اقتصاد به حساب می‌آید و تغییرات آن نشان دهنده کامیابی یا ناکامی اقتصادهای ملی به حساب می‌آید. دولت سیزدهم در حالی پی در پی از کامیابی اقتصاد ایران می‌گوید که در همین امسال و در ۹ ماه تازه سپری شده تراز تجارت خارجی ایران منفی شده است. تراز منفی تجاری به خودی خود برای تجارت کشور نقص محسوب نمی‌شود، اما اگر این نکته را در نظر بگیریم که در همین آمار هشت ماهه همچنان کالای صادراتی ایران یک پنجم قیمت کالای وارداتی را دارد، می‌توان آن را نقص به‌شمار آورد. بر مبنای آمار گمرک میانگین هر تن کالای وارداتی در ۸ ماهه سال ۱۴۰۲ رقمی معادل یک‌هزار و ۷۰۴ دلار دارد در حالی که کالای صادراتی ایران هر تن ۳۵۵٫۵ دلار ارزش دارد. اما سواي این ناترازی در قیمت کالای وارداتی و صادراتی، پیش از این اشاره شد که بخشی از افزایش واردات در ایران می‌تواند به دلیل افزایش درآمدهای نفتی کشور باشد که دست دولت را برای خرید خارجی بازتر کرده است. باز این مساله را می‌توان به شرایط ژئوپلیتیک جهانی نسبت داد تا بازاریابی مناسب نفت ایران. بازار شکننده نفت متعاقب درگیری‌های نظامی بین‌المللی عطش جهان برای نفت را افزایش داده است، اما این شرایط می‌تواند دائمی نباشد.

تراز تجارت ایران منفی تر از پیش شد و از منفی ۱۰ میلیارد دلار نیز عبور کرد. جدیدترین آمار عملکرد تجارت خارجی ایران در هشت ماهه منتهی به آذر ماه سال ۱۴۰۲ منتشر شد. آماري که همچنان در مسیر پیشین قرار دارد؛ صادرات با وزن بالا و ارزش اندک و واردات کالاهای با وزن اندک و قیمت بالا. تراز تجارت غیرنفتی کشور نیز دو رقمی شد و از منفی ۷۰۷ میلیارد دلار در هفت ماهه سال جاری به رقم کم‌سابقه منفی ۱۰۱ میلیارد دلار رسید؛ منفی‌ترین تراز تجاری ایران از سال ۱۳۹۸ به این سو هیچگاه به منفی ۵ میلیارد دلار نرسیده است. تراز منفی تجاری فی‌نفسه نقص به‌شمار نمی‌رود، اما با توجه به کمبود اطلاعات می‌توان برای علت‌یابی آن به گمانه‌زنی متوسل شد. جز قیمت پایین تناژ صادراتی به نسبت واردات ایران که به ترتیب ۳۵۵٫۵ دلار برای صادرات و یک‌هزار و ۷۰۴ دلار برای واردات است، احتمال دارد علت دیگر این امر روی آوردن دولت به واردات برای کنترل تورم اقلام اساسی به روش واردات باشد. این گمانه با توجه به آنکه عمده واردات کشور اقلام اساسی مورد نیاز جامعه و نهادهای تولید است قوت می‌گیرد، با این حال وزیر اقتصاد معتقد است اگر آمار عملکرد تجارت غیرنفتی ایران را با احتساب نفت محاسبه کنیم، تراز تجاری مثبت ۱۰ میلیارد دلار خواهد شد.

بر اساس آمار منتشر شده توسط گمرک ایران در هشت ماهه سال جاری مجموع واردات به کشور ارزشی معادل ۴۲۱ میلیارد دلار داشته است با وزن ۲۴۰۷ میلیون تن؛ همچنین مجموع صادرات غیرنفتی کشور برای هشت ماهه سال جاری رقمی معادل ۳۲ میلیارد دلار کالا با وزن ۹۰ میلیون تنی را ثبت کرده است. بر این اساس حجم کل مبادلات تجارت غیرنفتی ایران در ۸ ماهی که از سال جاری می‌گذرد به ۷۴۰۱ میلیارد دلار می‌رسد که تراز منفی ۱۰۱ میلیارد دلاری را نشان می‌دهد که نسبت به آمار مربوط به مدت مشابه در تمامی سال‌های پس از آغاز تحریم‌های سختگیرانه ترامپ، یعنی از سال ۱۳۹۸ تاکنون، نشان‌دهنده شکاف شدید میان صادرات و واردات است. این روند برای سال‌های گذشته به این صورت است: تراز تجاری ۸ ماهه سال ۱۳۹۸ رقمی معادل منفی یک میلیارد و ۷۲۱ میلیون دلار بود که در همین بازه سال ۱۳۹۹ به منفی ۴ میلیارد و ۵۵۲ میلیون دلار رسید. این رقم در سال ۱۴۰۰ بهبودی قابل ملاحظه‌ای یافت و با بازگشت به ریل قبلی در ۸ ماهه سال ۱۴۰۰ منفی یک میلیارد و ۲۲۴ میلیون دلار اعلام شد.

آمار مربوط به واردات ۸ ماهه سال ۱۴۰۱ از نظر ارزش نیز ۳۷ میلیارد و ۱۱۶ میلیون دلار گزارش شده و رقم صادرات ۲۲ میلیارد و ۳۶۸ میلیون دلار که تراز ۸ ماهه سال ۱۴۰۱ را به رقم منفی ۴ میلیارد و ۷۴۸ میلیون دلار می‌رساند. بر این اساس حجم تجارت خارجی



مالیات‌ستانی با مزه سیاست

بیشتری دارند. اگر بنا باشد بودجه‌ریزی مبنای اقتصادی داشته باشد و سبب بهبود خدمات عمومی شود، این نوع هزینه‌کردن باید تغییر کند.

لایحه بودجه ۱۴۰۳ قدمی عملی است که دولت در جهت جایگزین کردن مالیات‌ها با درآمدهای نفتی برداشته است. طبق این لایحه قرار است حدود ۶۰ درصد از بودجه عمومی از طریق آنچه درآمد نامیده می‌شود و به معنای درآمد غیرنفتی و غیر از فروش اوراق مالی است، تامین شود. این رقم در سال گذشته ۵۰ درصد بوده است. حدود ۷۵ درصد از این درآمد از طریق مالیات تامین می‌شود که در مقایسه با سهم ۷۱ درصدی سال قبل، هم از نظر عددی و هم به طور نسبی افزایش داشته است. رشد رقم مالیات نسبت به سال گذشته حدود ۵۰ درصد در نظر گرفته شده است که سوالات به‌جایی در مورد امکان وصول آن، نحوه توزیع آن بین افراد با درآمدهای مختلف و به‌خصوص نحوه برخورد با افراد با درآمدهای حاصل از امتیازات را به میان کشیده است. آیا دولت می‌خواهد و می‌تواند مردم را از اجرای عدالت مالیاتی مطمئن کند؟ برای این کار باید مردم اقناع شوند که هر کس به سهمی که از منابع جامعه می‌برد و درآمدی که دارد، مالیات می‌دهد. حقوق‌بگیرانی که مالیاتشان پیش از پرداخت کسر می‌شود، نباید حس کنند که صاحبان درآمدهای بالا، به‌خصوص وقتی که با مراکز قدرت و ثروت در ارتباط هستند، می‌توانند از پرداخت مالیات طفره ببرند.

اگر مردم به این نتیجه برسند که دولت هر جا که «بتواند» مالیات می‌گیرد و هر جا که «نتواند» (بخوانید زورش نرسد) مالیات نمی‌گیرد، بلافاصله به این نتیجه می‌رسند که مالیات وسیله‌ای برای تامین مالی خدمات عمومی نیست، بلکه گرفتن از ضعیفان و تقویت اقویاست. بندی در لایحه بودجه که دستگاه‌های دولتی را موظف می‌کند تمام پرداخت‌های قانونی را در قالب یک سند منتشر کنند، گامی در جهت درست است که باید با گام‌های متعدد دیگر تقویت شود تا این شائبه پیش نیاید که افرادی که از منابع عمومی بهره می‌برند، می‌توانند قانون را به نفع خود تفسیر کنند؛ به‌خصوص که بسیاری از درآمدهای افراد ذی‌نفوذ چکهایی نیست که از دولت می‌گیرند، بلکه انواع امتیازات درآمدی است که در اختیار عموم نیست.

موضوع دیگری که با این سوال مرتبط است، معافیت‌های مالیاتی است. معافیت‌های مالیاتی در واقع اعلام این امر است که هزینه‌های یک گروه را باید بقیه بدهند. با این دید، معافیت‌ها باید در شرایط کاملاً استثنایی و فقط برای مواردی که استدلال اقتصادی قوی داشته باشد و افکار عمومی پذیرای آن باشد، اعطا شود. در غیاب دقت بسیار در تعیین این استثنایا، همیشه این امکان وجود دارد که مردم سیستم مالیاتی را ناعادلانه و در جهت امتیاز دادن به خواص ارزیابی کرده و سعی در دور زدن آن را امری مطلوب تلقی کنند. معافیت مالیاتی نامناسب می‌تواند در میان افکار عمومی به نمادی از بی‌عدالتی تبدیل شود و جنبه‌های مثبت اصلاح نظام مالیاتی را از دیدها پنهان کند. به‌علاوه، میزان مالیات‌ها و رشد آنها از این جهت اهمیت دارد که دولت منابع درآمدی را در اختیار دارد که علی‌الاصول به مردم تعلق دارد. دولت باید تکلیف درآمدی را که از طریق فروش نفت و دیگر منابع متعلق به جامعه حاصل می‌شود و نیز مالیاتی را که به طور غیرمستقیم از طریق چاپ پول از مردم می‌گیرد، روشن کند. سوال مردم از دولت که اگر می‌خواهی از ما مالیات بگیری، باید منابع تولید درآمد و ثروت در اختیار ما باشد، سوالی است کاملاً مشروع و مستوجب جوابی شفاف.

در نهایت دولت باید به این نکته توجه کند که مالیات‌گیری در دنیای مدرن با باج‌گیری دولت‌های سنتی متفاوت است. منطق اقتصادی بر آن حاکم بوده و بر این اصل استوار است که گرفتن بخشی از درآمدهای مردم انگیزه آنها برای فعالیت و تولید ثروت را کم می‌کند. بنابراین فقط وقتی باید مالیات گرفته شود که نفع اجتماعی روشن برای هزینه‌هایی که صورت می‌گیرد، وجود داشته باشد. مالیات‌ها هم باید مطلقاً محدود به قانونی باشد که بر مبنای این منطق تنظیم شود و هر دریافتی که از آن تبعیت نمی‌کند، ملغی شود.



دولت سیزدهم با همه حمایت‌هایی که از سوی نهادهای قدرت می‌شود اما به دلیل زدست دادن درآمد چند ده میلیارد دلاری نفت کفگیرش به ته دیگ خورده است و برای تامین بودجه به درآمدهای مالیاتی دل بسته است. افزایش مالیات بر ارزش افزوده و مالیات‌ستانی از هر فعالیت و دارایی افراد حقیقی و حقوقی به کابوس تبدیل شده است. دولت خودش تورم می‌سازد و هنگامی که به همین دلیل ارزش دارای افراد افزایش می‌یابد می‌خواهد از آنها مالیات‌ستانی کند. داد و فریاد شهروندان به هوا برخاسته و اقتصاددانان می‌خواهند به دولت یاد آور شوند این نظام مالیات‌ستانی کارایی ندارد.

دکتر حسین عباسی می‌گوید: نظام تامین مالی دولت در اقتصاد ایران در بیش از نیم‌قرن اخیر بر دو پایه استوار بوده است: درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز و مالیات تورمی. چنین به نظر می‌رسد که دولت می‌خواهد از این نظام فاصله بگیرد و تامین مالی دولت را بر درآمدهای مالیاتی استوار کند. این تصمیمی است در جهت درست؛ اما چنین تغییری فقط تغییر در ارقام نیست، بلکه الزاماتی فراتر از آن دارد. مهم‌ترین این الزامات، لزوم رعایت اصول اقتصادی مالیات‌گیری از یک‌سو و نیز توجه به اقتصاد سیاسی، یعنی مالیات‌گیری و هزینه‌کردن طبق نظر مردم است. دولت‌هایی که بخش عمده منابع مالی‌شان از طریق فروش منابع طبیعی مانند نفت و گاز تامین می‌شود، هم در تامین منابع و هم در نحوه خرج کردن، با دولت‌هایی که با مالیات تامین مالی می‌شوند، متفاوت عمل می‌کنند.

میزان درآمد دولت به مقدار نفت صادر شده و قیمت جهانی نفت بستگی دارد. نه میزان صادرات و نه قیمت جهانی نفت ربطی به رابطه دولت و مردم ندارد و توافق عمومی را نمی‌طلبد. در ایران، منبع دیگر درآمد، یعنی مالیات تورمی هم، چنین خاصیتی دارد و بدون نیاز به اقناع مردم، دولت را تامین مالی می‌کند. دولت با چاپ پول هزینه‌هایش را تامین می‌کند و مردم به دلیل تورم، قدرت خریدشان را از دست می‌دهند و نظر مردم در این فرآیند لحاظ نمی‌شود.

از سوی دیگر، مخارج هم معمولاً بدون نیاز به توافق شفاف با مردم صورت می‌گیرد. بودجه اصولاً محل چانه‌زنی گروه‌های ذی‌نفوذ است. درآمدی که نظارت مالیات‌دهنده بر آن نباشد، محل چانه‌زنی گروه‌های خاص می‌شود، نه اقشار اجتماعی. بهره عموم از منابعی که کنترلش در دست دولت است، در قالب فروش اقلامی چند با قیمت‌گذاری پایین است که در محاسبات بودجه وارد نمی‌شود. همزمان، مقادیر عظیمی از منابع هم در قالب انواع امتیازات و انحصارات و مجوزها به افراد و گروه‌هایی می‌دهد که قدرت

تولید در حبس دلار



بانک مرکزی در دوره فعالیت محمدرضا فرزین می‌خواهد سرسختی نشان دهد و بازار ارز را مهار کند تا از این مسیر به مهار تورم برسد. به همین دلیل تولید و تجارت خارجی در سال ۱۴۰۲ به شدت زیر بار فشارهای بانک مرکزی بوده و هستند. تخصیص بهینه و تأخیری در ارایه ارز مورد نیاز تولید یکی از دلایل رکود نسبی بخش صنعت به حساب می‌آید.

فعالان اقتصادی بارها و بارها به دولت شکایت کرده‌اند روزه‌های تامین ارز بسته شده و با نور کمی از آن می‌تابد. گره ارزی تولید و تجارت کورتر شده است. در حالی که قرار بود در اصلاحیه جدید بخشنامه بانک مرکزی، سپرده‌گذاری ریالی بنگاه‌های متقاضی ارز حذف شود، اما این روند ادامه دارد. بنگاه‌ها در شرایطی مجبور به بلوکه کردن بخشی از سرمایه در گردش خود در حساب بانک‌ها هستند که تضمینی برای تامین ارز بعد از گذشت چندماه از مسدودسازی سپرده وجود ندارد.

بخشنامه‌های جدید بانک مرکزی حاکی از این است که این سخت‌گیری و مانع‌تراشی برای بخش تجارت و بنگاه‌های غیرتولیدی، به مراتب بیشتر است و میزان سپرده تخصیص ارز بابت واحدهای غیرتولیدی از مرحله ایجاد گواهی ثبت آماری با نرخ ۵ درصد شروع می‌شود. این در شرایطی که بخش زیادی از واردات واحدهای غیرتولیدی متقاضی ارز مربوط به کالاهای واسطه‌ای تولید و نهاده‌های تولید است.

در اصلاحیه جدید بخشنامه بانک مرکزی، میزان سپرده تخصیص ارز بابت واحدهای تولیدی که از زمان تمدید اول شروع می‌شود، ۵ درصد، در مرحله تمدید دوم، ۱۰ درصد، در مرحله تمدید سوم، ۱۵ درصد، در مرحله تمدید چهارم ۳۵ درصد، در مرحله تمدید پنجم، ۶۰ درصد و در تمدید ششم به بعد ۱۰۰ درصد است. در مورد واحدهای غیرتولیدی سپرده‌گذاری ریالی تخصیص ارز از مرحله ایجاد گواهی ثبت آماری با نرخ ۵ درصد شروع می‌شود و در تمدید اول ۱۰ درصد، در تمدید دوم ۱۵ درصد، در تمدید سوم ۳۵ درصد، در تمدید چهارم ۶۰ درصد و در تمدید پنجم و ششم به بعد ۱۰۰ درصد است.

کارشناسان معتقدند الزام اخذ سپرده ریالی و ایجاد ممنوعیت و محدودیت برای بنگاه‌ها در راستای تخصیص ارز زمانی منطقی است که به دنبال تخصیص ارز، الزام به تامین ارز هم صورت بگیرد. این در حالی است که تضمینی برای تامین ارز وجود ندارد و بازرگان و تولیدکننده نمی‌تواند ارز را از سامانه نیما یا بانک‌ها تامین کند و ناگزیر به این سمت می‌رود که سپرده‌گذاری ریالی بیشتری انجام دهد. فعالان اقتصادی می‌گویند سپرده‌های ریالی اخذ شده از تولید و تجارت به نوعی به منابع بانک‌ها تبدیل می‌شود و بانک‌ها علقه‌ای به تامین ارز ندارند و روند ثبت‌سفارش و سپرده‌گذاری ریالی ادامه پیدا می‌کند. اما سیاست‌گذار در حالی سپرده‌گذاری ریالی را به منظور مدیریت بازار ارز و از بین بردن صف‌های صوری ارز و درخواست‌های غیرواقعی تخصیص ارز در دستور کار قرار داده است که کارشناسان این روند را به دلایل مختلف غیرکارشناسی می‌دانند؛ چرا که اگر متقاضی بعد از تخصیص ارز تمایلی به دریافت ارز نداشته باشد می‌تواند با دریافت سپرده، تخصیص ارز را باطل کند.

همچنین براساس بخشنامه‌ای که اوایل آبان‌ماه از سوی بانک مرکزی و سازمان توسعه تجارت ابلاغ شد، بابت واردات هر واردکننده و بازرگان سقف ارزی در نظر گرفته شده است و متقاضی بیشتر از سقف تعیین شده نمی‌تواند ثبت‌سفارش انجام دهد و به عبارتی صف صوری ارز از ابتدای ثبت‌سفارش مدیریت می‌شود. در این شرایط سوال این است که چه الزامی به سپرده‌گذاری ریالی است؛ چرا که هدف و فلسفه اخذ سپرده که مدیریت تقاضای صوری ارز است، خود به خود از بین رفته است.

موضوع دیگری که انتقاد فعالان اقتصادی را به دنبال داشته، این است که بانک‌ها بابت این سپرده‌گذاری هیچ نوع سودی پرداخت نمی‌کنند و بنگاه‌ها ملزم به ثبت این سپرده در حساب جاری هستند. در این شرایط سوال این است که با چه منطقی تولیدکننده باید

حداقل ۵ تا ۱۰ درصد از منابع سرمایه در گردش خود را درگیر این روند کرده و به نوعی منابع بانک‌ها را تامین کند. از همین‌رو فعالان اقتصادی این روند غیرکارشناسی سپرده‌گذاری ریالی را در راستای سیاست‌هایی می‌دانند که طی سال‌های اخیر به اشکال مختلف برای تولید مانع‌تراشی کرده و موجب ایجاد اختلال در نظم بازار و روند تولید و تجارت شده‌اند.

ماهیت سپرده‌گذاری ریالی

یک منبع آگاه در بانک مرکزی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد»، یکی از مشکلاتی را که از گذشته تا به امروز مطرح است، بی‌قاعده بودن ثبت‌سفارش‌ها عنوان می‌کند و می‌گوید: روال به این شکل بوده که هر فردی که الزامات حداقلی را طی می‌کرد، می‌توانست ثبت‌سفارش انجام دهد، این در حالی است که ثبت‌سفارش‌های بیش از حد ممکن است سبب شود سیاست‌گذار نتواند به‌درستی برنامه‌ریزی کند. به گفته او بعد از یکسان‌سازی نرخ ارز در دهه ۸۰ عملاً موضوع سپرده برای ثبت‌سفارش هم برداشته شده بود. اما با احیای سپرده‌گذاری ریالی، این سپرده در زمان ثبت‌سفارش اخذ نمی‌شود، بلکه یک مرحله بعدتر گرفته می‌شود؛ یعنی در مرحله‌ای که وزارت صمت ثبت‌سفارش را تایید می‌کند و مجوز ورود کالا و واردات را می‌دهد، این سپرده اخذ نمی‌شود و در مرحله دوم که عبارت است از مرحله تخصیص ارز و ایجاد گواهی ثبت آماری که مفهوم آن مجوز خرید ارز است، سپرده اخذ می‌شود. به عبارتی مجوز تخصیص ارز زمانی داده می‌شود که سپرده‌گذاری صورت بگیرد. در اصلاحیه جدید بخشنامه بانک مرکزی، سپرده‌گذاری ریالی موقع تمدید گواهی ثبت آماری سپرده اخذ می‌شود و موقع گواهی ثبت آماری نیازی به سپرده‌گذاری نیست؛ یعنی در ابتدا مجوز خرید ارز داده می‌شود، اما اگر قصد تمدید باشد، سپرده ریالی اخذ می‌شود. این کارشناس اقتصادی معتقد است سیاست‌گذار در شرایطی که ارز ارزان‌تر از قیمت بازار تخصیص داده می‌شود و تقاضای زیاد است، با این سیاست قصد دارد برای متقاضیان ارز هزینه ایجاد کند تا تقاضای بیش از حد ثبت نشود. اما سوال این است که مگر عنوان نمی‌شود به میزان تقاضایی که وجود دارد، عرضه ارز و حتی بیشتر داریم؟ پس چرا نیاز به چنین سخت‌گیری‌هایی وجود دارد؟



توصیه‌های سیاستی ارزی رییس مرکز پژوهش‌های مجلس

رویکرد اول، رویکرد دوم یعنی تعدیل نرخ ارز پیشنهاد سیاستی مرکز پژوهش‌های مجلس به سیاست‌گذار ارزی است.

بابک نگاهداری، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس در اظهاراتی به تشریح دلایل پیشنهادی بازوی پژوهشی به سیاست‌گذار برای بهبود وضعیت ارزی کشور پرداخته است. او با تأکید بر اینکه در حال حاضر، در بازار رسمی ارز حواله و اسکناس هفت رخ ارز وجود دارد، ادامه داد: یکی نرخ ترجیحی ارز ۴۲۰۰ تومانی مربوط به تجهیزات پزشکی، دومی نرخ ترجیحی ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، سومی نرخ حدود ۳۷۵۰۰ تومانی برای ارزهای صادراتی پتروپالایشگاهی، چهارمی ۴۰ هزار تومانی برای صادرات غیر پتروپالایشگاهی که ملزم به عرضه ارز در مرکز مبادله هستند، پنجمی متوسط وزنی نرخ ارز در مرکز مبادله حدود ۳۸۵۰۰ تومان، ششمی نرخ ارز توافقی ارز معاملاتی بین صادرکننده و واردکننده در تامین ارز به شکل «ارز اشخاص» در نرخ حاشیه بازار غیررسمی ارز و همچنین هفتمی نرخ حدود ۴۲۵۰۰ تومانی ارز اسکناس مرکز مبادله است.

به گفته نگاهداری، با توجه به تجربه نیم‌قرن گذشته در سیاست‌های ارزی، این تنوع در نرخ‌های ارز می‌تواند منشأ فسادهای فراوان باشد؛ زیرا در شرایطی که کشور نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها و همچنین ذخایر ارزی برای مقابله با شوک‌های احتمالی ارزی دارد، استفاده منابع ارزی صندوق توسعه و ذخایر ارزی بانک مرکزی برای تامین اقلام رو به افزایش ۲۸۵۰۰ تومانی به معنای آسیب به رشد بلندمدت اقتصادی و آسیب به ثبات بلندمدت نرخ ارز است.

یکی از مسائلی که در گزارش مرکز پژوهش‌ها درباره لایحه بودجه به آن اشاره شده بود، روند نزولی نرخ ارز حقیقی طی سال‌های گذشته بود. این اتفاق در سایه تثبیت نرخ ارز به صورت نامتناسب با تورم اتفاق می‌افتد. در همین راستا نگاهداری، درباره اثرات تثبیت نرخ ارز در اقتصاد گفت: تثبیت نرخ اسمی ارز، بدون اصلاح ناترازی‌های کلان اقتصادی و توقف موتور رشد نقدینگی، تنها تشدیدکننده ناترازی‌ها و بستر ساز ایجاد شوک به اقتصاد محسوب می‌شود که سیاست‌گذار بین دو رویکرد کلی شامل تعدیل تدریجی نرخ‌های رسمی متنوع موجود با هدف شکل دهی یک بازار رسمی با مداخله مقداری در حاشیه بازار یا ادامه نرخ‌گذاری دستوری و به تبع آن شوک درمانی غیرقابل اجتناب در سال‌های بعد، می‌تواند دست به انتخاب زند.

نگاهداری تأکید کرده است که رویکرد دوم، یعنی ادامه نرخ‌گذاری دستوری، تبعات اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت. بنابراین مرکز پژوهش‌های مجلس توصیه می‌کند که سیاست‌گذار به سمت رویکرد اول برود؛ زیرا تعیین نرخ ثابت ارز و تصریح آن در قانون بودجه از منظر کارشناسی توصیه نمی‌شود و معیار بند ۲۰ ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مبنی بر نظام ارزی شناور مدیریت شده به شمار می‌رود. به گفته رییس مرکز پژوهش‌های مجلس، نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و نرخ ارز ۳۷۵۰۰ تومانی صادرات فرآورده و نرخ خوراک پتروشیمی‌ها دارای آثار بودجه‌ای در سال ۱۴۰۳ است که در محاسبات و فروض بودجه به عنوان میانگین نرخ که منابع دولت متناسب با آن محقق می‌شود، جزو مفروضات بودجه و نه مصوبات بودجه در نظر گرفته می‌شود. با رویکرد اصلاح تدریجی این نرخ می‌تواند در طول سال متفاوت باشد.

نگاهداری نیز در این رابطه تأکید کرد: با وجود تأکید جدی احکام برنامه هفتم و احکام مصوب بودجه ۱۴۰۲، جهت‌گیری مشخصی در لایحه بودجه ۱۴۰۳ در این حوزه مشاهده نمی‌شود. برش بودجه‌ای مباحثی مانند توسعه ذخیره‌سازی گاز طبیعی و رصد لحظه‌ای تولید و مصرف انرژی، سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی و... باید در لایحه بودجه مد نظر قرار می‌گرفت. رییس مرکز پژوهش‌های مجلس در پایان تأکید کرد: از سوی دیگر برای افزایش شفافیت منابع و مصارف نفت و گاز کشور، در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ دولت مکلف شده بود تا در جدول ۲۲ بودجه ریز منابع و مصارف را به مجلس گزارش دهد که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ این موضوع حذف شده است؛ در حالی که می‌توانست به افزایش بیشتر شفافیت این حوزه منجر شود.



دولت سیزدهم وعده داده بود ارز را یک نرخ می‌کند و رییس بانک مرکزی نیز وعده داده بود می‌تواند به همه متقاضیان ارز برای هر فعالیتی هر دلار را ۲۸۵۰۰ تومان عرضه کند و این قیمت تا یک سال پایدار است. علاوه بر این معاون اول رییس دولت پا جلوتر گذاشت و تأکید این قیمت دلار تا دو سال تثبیت می‌شود. حالا اما دلار ۷ رخ دارد. رییس مرکز پژوهش‌های مجلس در این باره تحلیل خود را ارایه کرده است که در ادامه می‌خوانید.

رییس مرکز پژوهش‌های مجلس باور دارد در حال حاضر ۷ رخ برای ارز در اقتصاد ایران وجود دارد که عاملی فسادزا به شمار می‌رود. در چنین شرایطی دو سناریو پیش روی سیاست‌گذار قرار دارد؛ تداوم تعیین دستوری نرخ ارز یا تعدیل تدریجی نرخ‌های رسمی متنوع موجود. بابک نگاهداری به دلیل تبعات اقتصادی و اجتماعی گزینه اول، تعدیل نرخ‌های ارز را به سیاست‌گذار پیشنهاد می‌کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس در روزهای گذشته با انتشار یک گزارش کارشناسی به بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۳ پرداخت. در این گزارش به نقاط قوت و ضعف بودجه پرداخته شده بود. یکی از محورهای این گزارش، اشاره به سیاست‌های ارزی اتخاذ شده توسط دولت بود و تأکید می‌کرد که به دنبال تثبیت نرخ ارز نامتناسب با تورم، نرخ ارز حقیقی در اقتصاد کاهش یافته است. همچنین در این گزارش بر لزوم تعدیل نرخ ارز رسمی تأکید و پیشنهاد افزایش نرخ تسعیر ارز در بودجه مطرح شده بود.

این موضوع واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت و برخی نسبت به آن انتقاداتی را مطرح کردند. با این حال رییس مرکز پژوهش‌های مجلس در اظهاراتی با اشاره به اینکه در حال حاضر ۷ رخ برای ارز در اقتصاد ایران وجود دارد، وضعیت فعلی را فسادزا و رانت‌زا دانست. به گفته او دو رویکرد پیش روی سیاست‌گذار وجود دارد، ادامه سیاست تعیین دستوری نرخ ارز یا تعدیل تدریجی نرخ‌های رسمی متنوع موجود. رییس مرکز پژوهش‌ها اعتقاد دارد با توجه به تبعات اجتماعی و اقتصادی

بانک مرکزی به سیم سکه زد



افزایش قیمت سکه در ایران به دو دلیل اتفاق افتاد. نخست افزایش قیمت جهانی هر اونس طلا برای یک دوره بود و دوم به دلیل افزایش قیمت دلار آزاد در بازار. دولت و بانک مرکزی برای جلوگیری از ادامه قیمت سکه ریسک کرده و بخشی از ذخایر طلائی را تبدیل به سکه کرده و به بازار فرستاده است. همانند همیشه این سکه پاشی مثل دلار پاشی چند روزی بازار را در رخوت نگه می‌دارد اما پس از سپری شدن این رخوت بازار جان می‌گیرد.

پس از بروز نوساناتی در بازارهای طلا و ارز در روزهای اخیر در ایران که بیشتر ناشی از تحولات ساحت سیاست خارجی و درگیری‌های نظامی در منطقه بود، دولت را به سمتی هدایت کرد که در بازار طلا مداخلات متفاوتی را ترتیب دهد. استفاده حداکثری از ظرفیت ضرب سکه برای مدیریت بازار، سیاستی است که از سوی برخی کارشناسان، سیاستی حساب‌ساز و از سوی برخی دیگر، سیاستی تنظیم‌گر برای بازار است و می‌تواند باعث تعدیل شوک‌های آتی و حاضر در بازار سکه و طلا در کشور شود.

در یک سال اخیر بانک مرکزی توانست با اتخاذ سیاست کاری تعدیل شرایط واردات طلا، ذخایر طلائی کشور را تا اندازه زیادی افزایش دهد و دست بانک مرکزی را برای بازارسازی در این حوزه افزایش دهد. توانایی ضرب ۲۰ هزار سکه در روز، ظرفیت بالای بانک مرکزی برای مداخله سیستماتیک در بازار را نشان می‌دهد. علاوه بر مداخلات سکه‌ای برای تنظیم بازار، دولت اقدام به عرضه فاقد سقف شمش در مرکز مبادله ارز و طلا کرده است. در شرایطی که سکه یک گرمی با لحاظ کردن قیمت دلار در سطح ۱۰۰ هزار تومان، نیم‌سکه با دلار فرضی ۹۰ هزار تومانی و ربع سکه با دلار فرضی ۷۶ هزار تومانی قیمت می‌خورد و سکه‌های کوچک نیز با مفروض گرفتن قیمت دلار در سطح ۶۰ هزار تومان به فروش می‌رسند، بی‌گمان ضرب سکه بیشتر توسط بانک مرکزی، می‌تواند یک سیاست قابل دفاع باشد. حال این پرسش مطرح می‌شود که این سیاست تا چه بازه زمانی قابل پیگیری است؟ آیا ضرب و توزیع سکه در بازار می‌تواند در بلندمدت قیمت سکه را پایین نگه دارد یا اتفاقی مشابه با آنچه که در حوزه ارز رخ داد و باعث کاهش شدید سطح دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و افزایش ۷ درصدی قیمت ارز تنها در طول ۳ هفته اخیر شد، در حوزه سکه نیز رخ خواهد داد؟ بی‌گمان پاسخ منفی خواهد بود، زیرا محدودیت دارایی‌های طلائی کشور در شرایط تحریمی، پابرجاست و دولت امکان خرید طلائی بیشتر برای پاسخ به تقاضاها را نخواهد داشت.

تجربه ۹۶ تکرار خواهد شد؟

دلیل دیگری که در ناکارایی این سیاست برای بلندمدت وجود دارد، انتظارات تورمی مردم و فعالان اقتصادی است. به عبارت دیگر، مردم برای حفظ سطح قدرت خرید پس‌اندازهای‌شان اینچنین به بازار سکه هجوم برده و با افزایش قدرمطلق سطح تقاضا نسبت به سری‌های زمانی بلندمدت، به افزایش قیمت سکه دامن زده‌اند. این انتظارات تورمی تا زمانی که متغیرهای پولی در میان مدت به نفع کاهش تورم همگرا نشوند، بالا خواهند ماند. یکی از دلایل دیگر این آشفتگی نیز پایین بودن نسبی قیمت‌های فعلی است که افراد می‌توانند با ۶ میلیون تومان سکه یک گرمی و با ۲۰ میلیون تومان نیم‌سکه خریداری کنند. بخش دیگری از منابع مردم در این شرایط به سمت بازار رمزارزها روانه شده و در آستانه‌هاوینگ پیش‌رو و افزایش قیمت بیت‌کوین به سمت تردیدنگ رمزارز و ماینینگ آن حرکت کرده

است. پایین بودن ارزش بازار سهام تا سطح ۳۵ درصد از ارزش تورمی خود، باعث شده مردم بازدهی سکه را به بازار سهام ترجیح دهند و بخشی از دارایی‌های خود را از بورس خارج کرده و به سمت سکه هدایت کنند. بی‌گمان نباید ضرب سکه در شرایط فعلی را با سال ۱۳۹۶ مقایسه و آن را باید سیاستی درست قلمداد کرد، اما کیفیت این سیاست را تنها می‌توان با تضمین کردن امکان خرید بلندمدت طلا توسط بانک مرکزی گارانتی کرد.

این سیاست در شرایط فعلی به این دلیل قابل دفاع است که جعبه ابزار مردم برای پوشش هزینه‌های ریسک خود شدیداً تهی شده و به میزان تقاضای موجود توسط مردم، سکه در بازار وجود ندارد و ضرب سکه توسط بانک مرکزی در این شرایط، بی‌گمان سیاستی با امکان دفاع عقلی خواهد بود. این سیاست بی‌گمان حتی قابل قیاس با سیاست مخرب آتش زدن منابع ارزی - با ارزپاشی در بازار برای سرکوب قیمت دلار - نیست و از ارزش ذاتی و کارایی برخوردار است. البته باید سیاست‌های مکملی در حین عرضه اتخاذ شود که دیگر رخدادی مانند تجربه تلخ سال ۱۳۹۶ تکرار نشود که سکه توسط دولت با قیمت‌های تا ثلث قیمت بازار عرضه می‌شد و یک حباب مهیب ایجاد کرد و پایان قصه به شکل گیری یک سلطان در حوزه سکه منجر شد. بی‌گمان اتخاذ پکیج سیاستی که منجر به کاهش سطح تورم شود، از رویکردهای به اصطلاح بازارسازانه مفیدتر خواهد بود، اما در شرایطی که در افق عملکرد ۳۰ ماهه سیاست‌های پولی دولت، چنین بهبودی قابل ترسیم و تصویرسازی نیست، این سیاست به عنوان یک مُسکن قوی برای بازارهای کوتاه‌مدت و حتی میان مدت سکه عمل خواهد کرد.





چگونه فرهنگ «یک‌شبه پولدار شدن» موجب بی‌اعتمادی به بازار سرمایه شد؟

بورس، آرزوهایی که سوخت



مانده‌اند و از راه‌های مختلف به دنبال حفظ وضعیت حداقلی زندگی خود هستند. به همین دلیل مجبور می‌شوند به سوی هرگونه کنشی که ارزش پول آنها را حفظ کند حرکت کنند. این کنش می‌تواند از خرید طلا و زمین و خانه تا خرید سهام در بازار بورس متنوع باشد.

البته این مساله در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته با اقتصادهای پایدار کمتر دلایل سودجویی مبتنی بر اخلاق بورژوازی دارد زیرا همانطور که «جان مینارد کینز» اقتصاددان مشهور انگلیسی می‌گوید «در کشورهای که چند سال تورم بالاتر از ده درصد را تجربه می‌کنند، کمتر باید دنبال سنجایای اخلاقی بود.» در نتیجه کنش‌های شهروندان هرچند شاید مبتنی بر اخلاق اجتماعی نباشد، اما عملکرد آنها کمتر معیار سودجویانه دارد و بیشتر به دنبال حفظ وضعیت اقتصادی و اجتماعی حداقلی خود هستند.

اما از سوی دیگر باید بر نقش سیاست‌گذاری‌ها، تبلیغات دولتی، حاکمیتی و... تاکید داشت که به نوعی نشان‌دهنده روابط قدرت و اثر آن بر زندگی شهروندان است. در واقع، عملکرد نهادهای دولتی و به‌طور کلی فرآیند ملی شده از جذب و تبلیغ حداکثری مردم، فروش سهام شرکت‌های دولتی به آنها و سپس ریزش بی‌سابقه در بورس... همگی نشانگر وضعیتی نابرابر از شهروندان فاقد قدرت در برابر نهادهای دولتی است که از قدرت اقتصادی و رانت اطلاعاتی و قدرت دستکاری در بازار بی‌بهره‌اند.

این وضعیت نیازها و آرزوهای طبقه متوسط و متوسط رو به پایین جامعه را دستخوش تحولات جدی می‌کند. امکان مقایسه زندگی خود

چرا بورس دیگر نتوانست به روزهای خوب گذشته برگردد؟ زمانی که هر روز شاخص‌ها اوج می‌گرفت و سرمایه‌گذاران بیشتری را به سمت تالار شیشه‌ای دعوت می‌کرد. ۴ سال از آن دوران گذشته و بورس با اینکه افتان و خیزان جلو می‌رود اما دیگر نتوانسته رکوردهای رشد شارپی خود را جابه‌جا کند.

علی روحانی دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، رضا تقی‌زاده عضو هیات علمی دانشگاه یزد و حسنعلی کریمی دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه یزد در پژوهشی که دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه آن را منتشر کرده با استفاده از مفهوم «آرزوها» به سراغ بازار سرمایه رفته‌اند و اثرات حضور سرمایه‌گذاران در بورس را بررسی کرده‌اند.

نتایج این پژوهش که با عنوان «بورس، آرزوهای محاق؛ یک پژوهش کیفی انتقادی» منتشر شده، نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان این تحقیق بر اثر عوامل چندگانه‌ای مانند تلاطم اقتصادی و نااطمینانی از زندگی، تورم، ترس از آینده، پیش‌بینی ناپذیری زندگی، تبلیغات دولتی و حاکمیتی، خانه‌نشینی به دلیل پاندمی کرونا و تبلیغات شفاهی مردم عادی به صورت گروهی کد آنلاین بورسی گرفته و وارد فعالیت‌های بورسی شده‌اند.

پژوهشگران علت ورود آنان را با نظریه نیازهای «مازلو» تبیین کرده‌اند که به واسطه کاهش ارزش پول ملی در سال‌های اخیر و افت محسوس قدرت خرید شهروندان، آنها به‌طور مداوم در سطح نیازهای اولیه خود

فعالیت شرکت‌ها، صنایع و مردم عادی را فلج کرده و آنها را از قدرت پیش‌بینی امور بازداشته است.

تورم موجود در کشور در چند دهه گذشته تقریباً همیشه دورقمی بوده و این وضعیت ایران را تبدیل به یکی از کشورهای کرده که دهه‌ها نتوانسته است این پدیده را مدیریت کند. این تورم سنگین موجب شده که قدرت خرید مردم در طول زمان به شدت کاهش یابد و بسیاری از آنها حتی در تامین نیازهای اساسی زندگی خود با دشواری مواجه شوند. پژوهشگران می‌گویند که در این زمینه، خانواده‌های زیادی دچار تنزل طبقاتی در جامعه شده و بسیاری این وضعیت را یک نوع همترازی بین درآمد و هزینه می‌نامند. به باور آنها، اقتصاد اثر ناهمگونی روی ثروتمندان و مردم عادی می‌گذارد و ثروتمندان را پولدارتر و فقرا را فقیرتر می‌کند. این وضعیت یک نارضایتی و آتارشی اجتماعی را ایجاد کرده است.

از این رو، اواسط سال ۹۸ بود که به یک‌باره، بورس تبدیل به بازاری سودده و محلی برای «رویای یک‌شبه پولدار» شدن بود. پژوهشگران چنین تعبیری را برای آن زمان به کار برده‌اند: «بورس، پاسخی فردی به مسال‌های اجتماعی.»

بورس برای طیفی از مردم تبدیل به راه‌حلی برای جبران کاستی‌های زندگی‌شان شده بود... همه به بورس به مثابه یک منجی پناه آوردند تا بتوانند به واسطه آن از اوضاع نامناسب اقتصادی خود بکهند و به نوعی به یک ساحل آرامش حداقل از نظر مالی برسند. این موج ابتدایی تا سال ۹۹ ادامه داشت اما موج اصلی و ورود انبوه به بورس، در چهارماه ابتدایی سال ۹۹ بود. سرمایه‌گذاران کم‌تجربه یا بی‌تجربه در بورس این توانایی را می‌دیدند که بورس بتواند آنها را در گذار از فقر کمک کند.

این رونق در چند ماه ابتدایی سال ۹۹ منجر به تزریق حجم عظیم سرمایه‌های مردم به بورس شد: فروش خانه، دام، خودرو، طلا، گرفتن وام و... از جمله این تزریق‌های پولی به بازار سرمایه بود. هرچند بسیاری از تحلیلگران اقتصادی و اجتماعی به این روند پرشتاب معترض بودند اما در این مسیر، تامین مالی گسترده شرکت‌ها از این حجم پول واردشده به بازار سرمایه و عرضه تعداد زیادی از شرکت‌های تازه در بورس صورت گرفت و بیم و امید زیادی را بین بورس بازاها به وجود آورد.

اما رشد بی‌حساب و کتاب بورس در جایی متوقف شد و به آنی اوضاع به کلی متفاوت بود. عمده افرادی که به تازگی در بورس سرمایه‌گذاری کرده بودند نه تنها سودی نبردند بلکه با از دست دادن سرمایه خود، اعتماد خود را هم از دست رفته دیدند.

پژوهشگران به نقل از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که دلیل این اوضاع نابسامان بورس و رشد بی‌سابقه و ریزش بی‌سابقه آن، نتیجه دستکاری‌های دولت بوده است. در واقع مردم وارد یک حباب بورسی شدند و گرچه این اتفاق جلوی یک «فروپاشی اقتصادی» را گرفت اما بهای آن برای مردم عادی بسیار گران بود.

نویسندگان می‌گویند، بعد از ریزش بورس، بازار سرمایه دیگر نتوانست پاسخ مناسبی به مشکلات اقتصادی مردم باشد؛ بلکه برعکس خود عامل تشدید فشارهای اقتصادی به مردم شد و بارقه‌های امیدی که در دل آنها کاشته شده بود را پژمرد. فرهنگ «یک‌شبه پولدار شدن» در جریان حباب‌سازی از بورس به شدت تبلیغ شد و غالب مردم در اذهانشان رویاپردازی کردند؛ رویایی که زندگی شخصی آنان را نیز در حباب قرار داد.

با دیگر مردم جهان و مصرف‌رسانه‌ای بالا، شهروند ایرانی را دارای آرزوهایی جهانی اما محدودیت‌های محلی بسیار مواجه می‌کند. چنین فضایی صرفاً فضای آنومیک آرزوها، نیازها و واقعیت‌های جامعه را بر هم می‌زند. بیشتر پیامدهای به هم خوردن این فضا، «فردی» است و در قالب عوارضی چون خودکشی و طلاق یا از دست رفتن پول و اعتبار در خانواده‌های مشارکت‌کننده در بورس مشاهده شده است.

اما مطمئناً این وضعیت پیامدهای اجتماعی بزرگ‌تری داشته است که نشانه‌های آن در عدم اعتماد به دولت در سطح کلان خود را نشان می‌دهد. این وضعیت در گروه‌ها و فضاهای مربوط به کنشگران اقتصادی بورسی به وفور در حال رخ دادن است.

از سوی دیگر، کارکرد مهم‌ترین نشان‌گر وضعیت اقتصادی کشور یعنی بازار سرمایه زیر سوال رفته است. در واقع به جای اینکه بورس بتواند همانند بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نقش فعالی در اقتصاد داشته باشد، غالباً با مترادف‌های منفی در اذهان مردم به یادگار مانده است.

حتی پس از ریزش بزرگ بورس در سال ۹۹، نشانه‌های مثبتی از روندهای جدید در رفتار سرمایه‌گذاران دیده نمی‌شود و غالب افراد و شهروندان تازه‌وارد، همچنان در زیان‌های سنگینی به سر می‌برند که می‌تواند در بلندمدت، شیوه‌ها و آلت‌رناتیوهای اجتماعی منفی مانند اعتراضات خیابانی گسترده را منجر شود.

در بخشی از این پژوهش با استناد به مصاحبه‌های میدانی، نظر سرمایه‌گذاران بورسی و مردم عادی که برای حفظ ارزش پول خود به سمت بازار سرمایه آمده‌اند؛ بررسی شده است. به باور پژوهشگران، عمده کسانی که در این مصاحبه‌ها شرکت کرده‌اند، اقتصاد را مهم‌ترین جنبه زندگی خود عنوان کرده‌اند. آنها عنوان کرده‌اند که گسترده‌ترین زندگی روزمره و حیات و ممت شهروندان از فقیر و غنی از کارگر تا مدیران عامل و مدیران اجرایی رده بالا دیده می‌شود.

با توجه به این شرایط و مرکزیت اقتصاد در زندگی شهروندان می‌توان مشاهده کرد که اکثریت افراد جامعه بر اساس همین منطق و شرایط اقتصادی زندگی خود را سامان می‌دهند و برای رسیدن به آنچه در جامعه دارایی یا سرمایه قلمداد می‌شود تلاش و زحمت فراوانی را متحمل می‌شوند. این تلاش و زحمت براساس جوامع مختلف و سطوح اقتصادی متفاوت اشکال متنوعی به خود می‌گیرد. از دسترسی به کالای کمیاب تا دسترسی به حداقل‌های زندگی در کشورهای مختلف شکلی از مبارزه در زندگی با محوریت اقتصاد است.

پژوهش حاضر به نقل از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها از اهمیت تاثیر تحریم‌ها بر زندگی روزمره مردم می‌نویسد. به باور مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، این تحریم‌ها از طرف کشورهای توسعه‌یافته به ویژه آمریکا اعمال شده و تمام بخش‌های اقتصادی از تولید تا توزیع را مختل کرده است. این تحریم‌ها موجب کندی بدنه اقتصادی کشور و تعطیلی بسیاری از شرکت‌ها شده و توان رقابت‌پذیری صنایع داخلی را بسیار ضعیف کرده است. آنها البته به نقش مدیریت نابسامان داخلی نیز اشاره می‌کنند. به باور آنها تصمیمات اشتباه توسط مسوولان عمدتاً ناکارآمد منجر به حادث شدن این وضعیت می‌شود.

به گفته پژوهشگران، «تورم» یکی از پرتکرارترین مفاهیمی بوده که در بیان مصاحبه‌شونده‌ها رخ نمایی کرده است تورم افسارگسیخته‌ای که





با دست‌اندازی به صندوق توسعه ملی برای تامین کسری بودجه

یک اقتصاددان: صندوق توسعه ملی ایران صندوقی بی‌کیفیت شده است

ملی در پایان سال جاری به ۱۹۵ هزار میلیارد تومان برسد. صندوق توسعه ملی یک صندوق ۱۵۰ میلیارد دلاری است که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار آن توسط دولت‌های مختلف برداشت شده و حدود ۴۰ میلیارد دلار نیز تسهیلات پرداخت کرده است. بنابراین تنها ۱۰ میلیارد دلار از منابع در این صندوق باقی مانده است.

صندوق توسعه ملی ثروتی برای آیندگان

یا محلی برای تامین کسری بودجه؟

وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان و استاد دانشگاه در مورد برداشت‌های مکرر از صندوق توسعه ملی برای حل کسری بودجه دولت به «اعتماد» گفت: آنگونه که در اساسنامه صندوق توسعه ملی آمده این صندوق برگرفته از تجربه برخی از کشورهای جهان مانند نروژ، عربستان و امارات... است که البته نام این صندوق در این کشورها صندوق ثروت است و هدف از تشکیل این صندوق‌ها این است که منابع نفتی تنها در یک دوره خاصی به مصرف نرسند بلکه منابع آن به صورت بین نسلی در نظر گرفته شود تا آیندگان هم از این ثروت بهره‌مند شوند. این کارشناس اقتصادی افزود: معمولاً بخشی از منابع صندوق توسعه ملی به منظور توسعه زیرساخت‌ها و بخش دیگر هم برای نسل‌های آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما عملاً هدف از تشکیل این صندوق‌ها این است که این ثروت برای آیندگان هم مورد استفاده باشد.

نگاهی به صندوق ثروت نروژ

او با بیان اینکه صندوق ثروت نروژ در بازار کشورهای دیگر هم سرمایه‌گذاری کرده است، گفت: در حال حاضر میزان منابع صندوق نروژ بیش از ۱ تریلیون دلار است و هر اندازه صادرات نفت و دیگر دارایی‌ها در این کشور بوده را به این صندوق واریز کرده‌اند. این صندوق نه تنها از این منابع نگهداری می‌کند بلکه در کنار آن این دارایی‌ها را مولد هم کرده و سهام شرکت‌های بزرگی مانند اپل، مایکروسافت و... را هم خریداری کرده و در پروژه‌های سودآور جهان سرمایه‌گذاری هم کرده است تا این درآمدها را هم بهینه‌تر کنند. شقاقی‌شهری در ادامه خاطر نشان کرد: این روش سرمایه‌گذاری را نه تنها نروژ، بلکه کشورهای دیگری همچون امارات و عربستان و... هم انجام داده‌اند و نه تنها در بخش نفت این صندوق‌ها شکل گرفته است حتی در برخی از کشورها از معادن خود جهت سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها استفاده کرده‌اند. او تصریح کرد: این دارایی‌ها امانتی است در دست مسوولان کشورها که نه تنها باید در جهت حفظ آن تلاش کنند بلکه باید سودآور هم باشند تا اگر نسل‌های آینده از نظر درآمد و منابع به مخاطره افتادند از این منابع بتوانند استفاده کنند.

چرا برداشت دولت‌ها از صندوق توسعه افزایش یافت؟

شقاقی‌شهری با بیان اینکه در ایران هم صندوق ثروت ایجاد شده است، ادامه داد: پیش از تشکیل این صندوق حساب ذخیره ارزی مطرح بود که مدام دولت‌ها از این حساب برداشت می‌کردند که در برنامه پنجم توسعه مقرر شد به جای حساب ذخیره ارزی صندوق توسعه ملی تشکیل شود که به صورت مستقل باشد و دولت‌ها سالانه ۲۰ درصد از درآمدهای نفتی خود را به آن تزریق کنند و هر سال دو یا سه درصد به این میزان افزوده شود و اگر انجام می‌گرفت امروز باید بین ۳۸



ندا جعفری - برداشت از صندوق توسعه ملی، به راهکاری موقتی برای جبران کسری بودجه دولت‌ها بدل شده است که منجر به مقروض شدن نسل‌های آتی خواهد شد، هر چند فلسفه تشکیل صندوق توسعه ملی حمایت از تولید و اشتغالزایی نسل‌های آینده اعلام شده بود اما شاهد آنیم که با به وجود آمدن هر چالشی رجوع به منابع این صندوق به عنوان یک گزینه در نظر گرفته می‌شود. در این میان بسیاری از تحلیلگران اقتصادی معتقدند: استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای هزینه‌های جاری دولت، نه تنها مغایر با سیاست‌های کلان اقتصادی است بلکه تبعاتی چون تورم و افزایش رکود اقتصادی را نیز به دنبال دارد. به تازگی امیدامانی همدانی، معاون سازمان برنامه و بودجه از صدور مجوز نصف شدن سهم صندوق توسعه از صادرات نفت در سال ۱۴۰۲ در آذر ماه خبر داده و گفته است: «سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت در بودجه ۱۴۰۲ مطابق برنامه‌های بالادستی ۴۰ درصد بود، مطابق استجازه صادر شده در آذر ماه سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت به ۲۰ درصد کاهش یافت و این تغییر سهم صندوق توسعه ملی حدود ۱۳۰ همت منابع برای بودجه ۱۴۰۲ دولت ایجاد خواهد کرد.»

آن‌گونه که اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده است؛ دولت سیزدهم نه تنها حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان بدهی خود به صندوق توسعه ملی مربوط به سال ۱۴۰۱ را تسویه نکرده است، بلکه انتظار می‌رود با صدور مجوز برداشت ۲۰ درصد از منابع صندوق توسعه در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۷۰ هزار میلیارد تومان به این مبلغ افزوده شود، به این ترتیب، پیش‌بینی می‌شود که بدهی دولت به صندوق توسعه

برداشت از صندوق توسعه ملی کشانده است و عملاً صندوقی که می‌بایست با هدف تولید و مولدسازی ثروت برای نسل‌های آینده و سرمایه‌گذاری بهینه منابع نفتی برای بازدهی‌های بیشتر و نسل‌های آینده مورد استفاده قرار می‌گرفت می‌بینیم که با چالش‌های عدیده‌ای روبرو شده است و دولت بدهکار این صندوق شده است و بخش خصوصی هم بدهی‌های خود را به صندوق نداده است. شقاقی شهری ادامه داد: هر چند تحریم‌های نفتی در ایران باعث شد تا درآمدهای حاصل از فروش نفت هم در طول ۱۰ سال گذشته تحت تاثیر قرار گیرد لذا دولت هم با مشکلات شدید کسری بودجه مواجه شده است و اینکه درآمدهای نفتی ایران هم امکان وصول از کشورهای دیگر را نداشتند و صندوق توسعه ملی هم تحت تاثیر مسائل سیاسی کشور قرار گرفته است.

بودجه‌ریزی در ایران مبتنی بر هزینه‌هاست

این کارشناس اقتصادی در پاسخ به این پرسش که چرا دولت‌ها حاضر به تغییر رویه خود نیستند و خرج‌شان بیشتر از دخل‌شان است، خاطر نشان کرد: به دلیل اینکه بودجه‌ریزی‌ها در ایران همیشه به صورت سنتی و افزایشی بوده و محوریت این روش بودجه‌ریزی بر هزینه‌هاست و همیشه هم با کسری بودجه روبرو می‌شویم این در حالی است که بودجه‌ریزی کشور می‌بایست برنامه‌محور و عملیاتی می‌شد. شقاقی شهری افزود: اگر بودجه‌ریزی در ایران برنامه‌محور می‌شد آن زمان مشخص بود که بابت چه مأموریت و برنامه‌ای این بودجه تخصیص داده شده اما بودجه‌ریزی در ایران مبتنی بر هزینه‌ها و سنتی است لذا همیشه اولویت در ایران هزینه‌هاست تا درآمدها و پیش‌بینی‌ها هم همیشه بر اساس بیش برآوردی‌هاست و به دلیل عدم تحقق درآمدها دولت‌ها با کسری بودجه روبرو می‌شوند.

چاره‌ای جز اصلاح نظام بودجه‌ای در کشور نداریم

او تصریح کرد: به عنوان نمونه برای سال ۱۴۰۲ بیش برآوردی‌هایی در بخش فروش اموال دولت یا بیش برآوردی‌هایی از درآمد حاصل از واگذاری بنگاه‌ها یا فروش نفت بوده و به دلیل همین بیش برآوردی‌ها در طرف درآمد این منابع محقق نشدند و همواره با کسری بودجه مواجه می‌شویم و چاره‌ای جز اصلاح نظام بودجه‌ای در کشور نداریم و اینکه بودجه‌ریزی باید برنامه‌محور باشد و مشخص شود هر وزارتخانه‌ای چه برنامه‌ای دارد و بر اساس پیشرفت برنامه‌ها بودجه هم تخصیص داده شود.

این اقتصاددان گفت: همه این دست‌درازی‌ها به منابع ناپایدار منجر به تشدید تورم در کشور می‌شود که تنها راه‌حل ایجاد ساختار بودجه‌ریزی برنامه‌محور و عملیاتی است و تا زمانی که این اتفاق رخ ندهد با کسری بودجه مواجه می‌شویم که یکی از راه‌ها برای حل کسری بودجه استقرار از بانک مرکزی یا منابع بانک‌ها و صندوق توسعه ملی یا انتشار اوراق بدهی بیش از اندازه است. او افزود: به عنوان نمونه در بودجه انتشار ۱۰۸ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته می‌شود اما دولت مجبور می‌شود با مصوبه‌ای انتشار اوراق را افزایش دهد و چنین اتفاقاتی ریشه در کسری بودجه دارد که متأسفانه مدام این کسری بودجه در حال افزایش است و در سال‌های اخیر ناترازی صندوق‌های بازنشستگی هم به این کسری بودجه دولت افزوده است و می‌بینیم که با یک شیب نمای در حال افزایش است و اگر یک اصلاح جدی صورت نگیرد تا ۵ سال آینده عملاً ۵۰ درصد بودجه دولت باید صرف کسری صندوق‌های بازنشستگی شود و دولت هم به صندوق دریافت و پرداخت تبدیل خواهد شد که دیگر هیچ وظیفه عمرانی یا عدالت‌محوری نخواهد داشت

تا ۴۰ درصد از درآمدهای نفتی به این صندوق واریز می‌شد. این اقتصاددان افزود: متأسفانه به دلیل تحریم‌ها و کمبود منابع، دولت‌های مختلف با اخذ مجوز از رهبری از این صندوق برداشت کردند و شاهد بودیم که در مواردی مانند همه‌گیری کرونا، یا برخی از نیازها دولت‌ها از صندوق توسعه ملی برداشت کردند یا تسهیلاتی هم به بخش خصوصی داده شد که به دلیل ضعف در نظارت‌ها برگشت داده نشدند.

افزایش اتلاف منابع صندوق توسعه ملی

شقاقی شهری با اشاره به عدم بازگشت منابع دلاری به صندوق توسعه گفت: یک موضوعی که مطرح است در مورد نرخ دلاری و اماهاست که هر چند از این صندوق وام گرفته شده اما برخی افراد در زمان نرخ دلار ۴۲۰۰ تومانی از این صندوق وام گرفته‌اند که امروز این نرخ به ۴۰۰۰ تومان رسیده و وام‌گیرندگان خواستار برگشت ریالی این وام هستند و می‌گویند آن زمان هم با ریال این وام را دریافت کرده بودند. او ادامه داد: به جز چنین مواردی شاهد اتلاف منابع صندوق توسعه ملی هم هستیم، متأسفانه این صندوق در ایران توانایی و مسوولیت سرمایه‌گذاری در بازار سهام بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور را هم ندارد، این در حالی است که صندوق نروژ اگر سهامی سودآور باشد آن را خریداری می‌کند و در صورت رشد سهام سودآوری این صندوق هم بیشتر می‌شود.

افزایش معوقات بخش خصوصی به صندوق توسعه ملی

شقاقی شهری خاطر نشان کرد: متأسفانه وظیفه این صندوق در ایران تسهیلات‌دهی به بخش خصوصی شده که به دلیل عدم نظارت‌ها بازگشت مناسبی هم صورت نگرفته است و منجر به مطالبات معوق هم شده است و صندوق توسعه ملی در ایران صندوقی بی‌کیفیت شده است. او تصریح کرد: در حالی که باید بیش از ۴۰ درصد از منابع نفتی به این صندوق واریز می‌شد اما دولت‌ها در این سال‌ها همان ۲۰ درصد منابع حاصل از فروش نفت را به این صندوق‌ها واریز کرده‌اند که آن هم به دلیل مشکلات در کسری بودجه و تحریم‌ها و... بوده که میزان آن را افزایش نداده‌اند.

در صندوق‌های ثروت کشورهای دیگر محرمانگی وجود ندارد

شقاقی شهری ادامه داد: در صورتی که صندوق توسعه ملی ایران را با صندوق کشورهای امارات، چین، نروژ، عربستان، قطر و... مقایسه کنیم می‌بینیم اصلاً عملکرد آنها قابل قیاس نیست، چه به لحاظ میزان منابع و چه به لحاظ شفافیت، زمانی که به سایت صندوق ثروت نروژ مراجعه می‌کنید به صورت شفاف عدد منابع این صندوق را ذکر کرده‌اند و مدام هم این ارقام به روز می‌شوند و در صورتی که اضافه شود هم مشخص است و یک صورت مالی از میزان سرمایه‌گذاری‌ها در شرکت‌های مختلف را هم ارائه داده است و بازدهی و عایدی آن هم معلوم است و هیچ‌گونه محرمانگی هم در آن دیده نمی‌شود. این کارشناس اقتصادی خاطر نشان کرد: در مقابل ارقام صندوق توسعه ملی ایران محرمانه اعلام می‌شود و اصلاً مشخص نیست سرمایه‌گذاری‌ها، میزان عایدی و بازگشت آن به چه صورت است و عملکرد مدیریت‌های مختلف صندوق به چه صورت بوده است تا بتوان آن را به عنوان یک مطالبه عمومی مطرح کرد و اینکه این صندوق برای آینده چه برنامه‌ای دارد؟

صندوق توسعه ملی تحت تاثیر مسائل سیاسی قرار گرفته است

او با اشاره به مشکلات و بحران‌هایی که در کشور به وجود آمده است، افزود: مشکلات مربوط به بی‌آبی و شیوع کرونا و... یا موارد دیگر دولت‌ها را به سمت





شوربختانه قوه مقننه هم در پس ادوار مختلف با همه رویکردهای سیاسی که در خود داشت، از ایجاد چنین استراکچر ارزیابی مخاطرات و ریسک کوتاهمدت و بلندمدت اقتصادی یا تشویق حضور بخش خصوصی در این حوزه غفلت ورزیده و به نظر هم نمی‌رسد در ۵ ماهه باقیمانده به پایان عمر دوره فعلی مجلس، چنین رویکردی در دستور کار نمایندگان قرار بگیرد که علاوه بر سرزدن به حوزه‌های انتخابیه خود برای رای استانی و همچنین تدوین بودجه سنواتی و لایحه برنامه هفتم دست به گریبان هستند.

فقدان ساختار ارزیابی مخاطرات اقتصادی

ارزیابی مخاطرات ریسک ژئوپولیتیک، ژئوآکونومیک، ژئواستراتژیک و حتی ژئوکالچر، برای یک بازار بزرگ با مصرف‌کنندگانی به شمار ۸۸ میلیون نفر و استعداد تامین کالای صادراتی برای بیش از نیم میلیارد نفر، از نان شب بسیار واجب‌تر است. هنگامی که ارزیابی ریسک‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی در یک محیط اقتصادی انجام شود، حتی می‌توان از ظرفیت‌های ریسکی بالا نیز به نفع یک محیط کلان اقتصادی بهره‌ها برد. نمونه‌اش را می‌توان در فهم قطر از تحولات بازار گاز پس از وقوع حمله روسیه به اوکراین مشاهده کرد که منجر به امضای بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی در میدان‌های گاز این کشور شد که عمده‌اش مربوط به میدان شمالی (نام قسمتی از میدان‌های گاز پارس جنوبی که در قطر قرار دارد) خواهد بود و در کمال شگفتی حتی پس از وقوع چنین تفاهماتی نیز مقامات ما دست به کاری نزدند! یا

یکی از دامنه‌های پژوهشی برای ارایه گزارش‌های ماهانه توسط مراکز مطالعات اقتصادی دولتی و خصوصی در ممالک در حال توسعه و پیشرفته، مرتبط با ارزیابی طبقاتی ریسک‌های داخلی و بین‌المللی است که یک کشور در طول بازه‌های یک‌ساله، سه‌ساله، پنج‌ساله و ۱۰ ساله با آن روبرو است. این گزارشات بسیار بیشتر از نگارش برنامه‌های توسعه پنج یا ۷ ساله کشورها حائز اهمیت هستند، زیرا داده‌های موجود در این گزارشات می‌تواند به شکل‌دهی اهداف و برنامه‌های واقع‌گرایانه برای توسعه کشور، بدون نیاز به توسل به رویکردهای پوپولیستی منتهی شود. در ایران به دلیل غلبه داشتن رویکردهای امنیتی در نگرش‌های اقتصادی، این گزارشات چندان تولید نمی‌شوند و اگر هم تولید شوند، با کیفیت بسیار پایین و در سطح بولتن‌های محرمانه برای مقامات باقی می‌ماند و به یک ساختار گزارشی شفاف و قابل انتشار و در دسترس برای مردم و فعالان اقتصادی داخلی و خارجی قرار نمی‌گیرد.

فقدان چنین نظام طبقاتی تحلیلی در کشور، باعث شد به عنوان مثال سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، ۱۰ سال پیش از این، به میزان استهلاک موجود در صنعت تولید برق و همچنین نیمه‌عمر میدان‌های گازی سرزمینی و مشترک‌التفاتی نداشته باشند و اکنون در پس یک بازه زمانی ۱۰ ساله، با روزمرگی در این زمینه روبرو شده‌اند. رد اثرگذاری فقدان ساختار یادشده را می‌توان در حوزه بازارهای مالی، ارز، بانکی، مسائل ترانزیتی، تحولات تکنولوژیکی، وقوع یک پاندمی، افزایش متراژ بافت‌های فرسوده مسکونی در کشور و... به خوبی مشاهده کرد.

داده که صرف‌نظر از صحت‌سنجی داده‌ها، می‌توان بر روندهای ارزیابی ریسک اقتصادها توسط مراکز مطالعاتی بین‌المللی، صرفاً با در اختیار داشتن ظرفیت‌های آنالیزی بیگ‌دیتا و داشتن بانک اطلاعاتی جامع از پتانسیل‌های اقتصاد ایران، تاثیر گذاشت.

ریسک‌هایی که فرصت نشد و تهدید ماند!

وجود ریسک‌های پرشمار نظیر آلودگی هوا، تحولات اقتصادی و اجتماعی مرتبط با نسل Z، مخاطرات منطقه‌ای، ریسک‌های توری، ریسک‌های مالیاتی، ریسک‌های مربوط به ناترازی انرژی و ریسک مخاطرات کلان مانند بروز جنگ در منطقه، می‌تواند زمینه‌ای از انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری را در اختیار بخش خصوصی داخلی و خارجی قرار دهد و برای رفع این مخاطرات و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف پیش‌قدم شود تا ماتریس اقتصاد سیاسی کشور از کفه تهدیدات به سمت کفه فرصت‌ها سنگینی کند. یکی از عواقب عدم ارزیابی مخاطرات ریسک در کشور، افزایش شدید نرخ بهره تامین مالی از بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ خارجی است که باعث می‌شود دست دولت‌ها همچنان در جیب بانک‌ها و مردم (به عنوان سپرده‌گذاران بانک‌ها و قربانیان درجه اول محیط توری در هر اقتصاد) گشاده باشد و بدهی دولت به بانک‌های تجاری (به مثابه یک ریسک متمرکز) افزایش چشمگیری در ارتقای سطح مخاطرات اقتصاد کلان کشور برجای بگذارد. اگر از دوران جنگ تحمیلی (به عنوان بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین ریسک وارده بر اقتصاد کشور پیش از تحریم‌های شورای امنیت) برای پس از جنگ ارزیابی مخاطرات ریسک می‌شد و مطابق با نیازهای آن دوران و دوران پس از آن توسط دولت برنامه‌ریزی می‌شد، اکنون اقتصاد ایران درگیر بحران‌های ازدواج و مسکن و اشتغال برای متولدین دهه ۶۰ و متولدین نیمه نخست دهه ۷۰ نبود. یا به عنوان مثال اگر از ابتدای دهه ۹۰ برای ورود نسل Z به عنوان بومیان شبکه‌های اجتماعی و محیط وب ۲ و وب ۳ و سلاقی‌شان تدبیری اندیشیده شده بود و این مخاطرات به عنوان یک سلسله از فرصت‌ها در اختیار فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران قرار می‌گرفت، اقتصاد ایران با بحران نقصان مصرف داخلی روبرو نبود و می‌توانست که برای نیازهای این نسل برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری وسیعی انجام دهد.

فقدان نظام جامع طبقه‌بندی ریسک در اقتصاد ایران، اقتصاد ایران را در خطر بی‌آیندی قرار داده و باعث شده کشوری با این ظرفیت و پتانسیل‌های گوناگون، با فقر بیش از ۶۱ میلیون نفر از شهروندان، مهاجرت گسترده متخصصانش، اعتراضات گسترده نسل جوانش و محیط‌زیست داخلی رو به فرسایش و محیط بین‌المللی و پیرامونی رو به زوال روبرو باشد.

فرصت‌چندانی برای بازنگری در این وضعیت بغرنج وجود ندارد و تا دیر نشده سیاست‌گذاران باید برای حل این بحران نهادی در اقتصاد کشور، تدبیری جامع بیندیشند و این نکته کلیدی را لحاظ کنند که کشور در لبه پرتگاهی قرار گرفته که بخش عمده‌اش از فقدان وجود چنین ترتیبات نهادی در اقتصاد کشور شکل گرفته است.



فقدان مطالعات ریسک در اقتصاد ایران باعث شده دولت بخش عظیمی از منابع ارزی خود را با قیمت ترجیحی پس از آزاد شدن از کره جنوبی و عراق و لوکزامبورگ، صرف واردات کالاهای مصرفی کند بدون اینکه احتمال تغییر روندهای ژئوپولیتیکی منطقه‌ای را بدهد که به‌طور طبیعی بر انتظارات توری در اقتصاد ایران تاثیر مستقیم برجای می‌گذارد.

عدم ارزیابی مخاطرات ریسکی در یک اقتصاد، بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی سیستماتیکی است که می‌تواند انجام شود. وجود ریسک‌های بخشی و زمانی که در اقتصاد کشور وجود دارند، اقتصاد ایران را به یک محیط مخاطره‌آمیز برای سرمایه‌گذاری بدل کرده‌اند که نه تنها امکان جلب سرمایه‌گذاری خارجی -ولو در شرایط غیرتحریمی مانند دوره پس‌ابرجام- را از میان می‌برد، بلکه با تحمیل ریسک سیستماتیک به اتمسفر اقتصاد، باعث می‌شود امکان فاینانس خارجی برای کشور از میان برود یا نرخ بهره را برای تامین مالی از خارج کشور به‌شدت افزایش دهد که در نتیجه این رخداد، انعکاس آن را می‌توان بر رتبه اعتباری کشور و سنجش مخاطرات سرمایه‌گذاری در آن توسط مراکز ارزیابی استاندارد خارجی به عینه مشاهده کرد.

تجربه استناد نهادهای بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی به نرخ‌های رسمی رشد اقتصادی یا بخشی در کشور نشان



زیان دهی دستوری

میلیارد بوده که یک شکاف ۱/۲ برابری صرفاً برای ایجاد می‌شود. پیش‌بینی دولت برای هزینه‌ها و درآمدهای این شرکت‌ها برای سال جاری، ۲۶۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه و ۲۲۱۴ میلیارد تومان درآمدزایی بوده است. با وجود این، برای بازه زمانی یادشده تنها ۶۷ درصد از رقم پیش‌بینی شده برای هزینه کرد و ۶۵ درصد برای درآمدها تحقق پیدا کرده است. این بدان معناست که دست‌کم یک انحراف ۴۰ درصدی تا پایان سال برای دو سرفصل درآمدی و هزینه‌ای بودجه‌ای یادشده تحقق خواهد یافت که در نهایت بازهم ما را به نقطه پرسش از چگونگی بودجه‌نویسی دولت باز خواهد گرداند.

از مجموع ۱۷۴۰ هزار میلیارد تومان یادشده شرکت‌های دولتی، تنها ۱۶۰ هزار میلیارد تومان برای سرمایه‌گذاری صرف شده است که با کسر ۶۰ هزار میلیارد تومان به عنوان ذخیره استهلاک، می‌توان گفت که تنها ۱۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری جدید توسط شرکت‌های دولتی صورت پذیرفته است و با احتساب همان ذخیره استهلاک، سهم سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی به زیر ۶ درصد می‌رسد که بسیار نگران‌کننده است و می‌تواند محلی برای پرسش از چرایی تداوم کار شرکت‌ها به شکل دولتی باشد، خاصه اینکه حسب قانون بودجه ۱۴۰۲، باید دست‌کم ۲۰ درصد از درآمدها مصروف سرمایه‌گذاری جدید می‌شد.

غم‌انگیزتر این است که مابه‌التفاوت بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی میان هزینه‌ها و درآمدهای شرکت‌های دولتی، عمدتاً از محل تسهیلات بانکی تامین مالی می‌شود و از آنجا که حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان خالص سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته است، وضعیت شبیه به خانواده‌ای می‌شود که برای سیر کردن شکم اعضایش از بانک وام می‌گیرد و نتیجه چنین معامله پرسوختی از پیش، کاملاً واضح است.

سرمایه‌گذاری بیشتر و دست‌نیافتنی‌تر

حالا برای سال ۱۴۰۳ نیز چنین پیش‌بینی صورت پذیرفته که شرکت‌های دولتی معادل ۶۶۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کنند که ابتدا باید ۱۴۵ هزار میلیارد تومان از آن را بابت ذخیره استهلاک قلم گرفت و ۴۱۵ هزار میلیارد تومان را سقف سرمایه‌گذاری جدید از جانب شرکت‌های دولتی در نظر گرفت. برای سهم سرمایه‌گذاری نسبت به کل هزینه‌ها نیز سقف نامیدکننده ۱۱ درصدی در نظر گرفته شده است. برای هزینه‌کرد نیز حدود ۳۷۴۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. با عنایت به این نکته که هزینه شرکت‌ها برای سال جاری نیز بیش از ۲۴۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی می‌شود، رقم ۳۷۴۰ هزار میلیارد تومانی پیش‌بینی شده برای سال آینده نیز از دایره واقع‌گرایی خارج است و به عبارت دیگر خبری از ۴۱۵ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شرکتی دولتی برای سال آینده نیز نخواهد بود. از ۶۶۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری ناخالص در نظر گرفته‌شده برای سال آینده، ۲۲۵ هزار میلیارد تومان به شرکت ملی نفت تعلق دارد. ۶۵ هزار میلیارد تومان مربوط به شرکت ملی گاز است و ۵۲ هزار میلیارد تومان نیز برای توانیر پیش‌بینی سرمایه‌گذاری جدید صورت پذیرفته است. برای تامین مالی این هزینه‌ها نیز اعلام شده که ۹۰ درصد از منابع داخلی شرکت‌ها (و بدون تردید منابع بانکی، هرچند در بندهای مربوطه در لایحه قید نشده است) و ۱۰ درصد از آن، از محل بودجه دولتی تامین مالی شود. به عبارتی حتی اگر با مفروض محال، کل این ارقام سرمایه‌گذاری عملیاتی شود، از محل بدهی به بانک‌ها تامین مالی شده است که بازهم موجب بروز نگرانی‌های عدیده و جدید خواهد شد.

مادامی که دولت دست به اصلاح ساختار اقتصادی گسترده نزند، بحران بنگاهداری و شرکت‌داری توسط دولت، موجب افزایش بدهی‌های بخش دولتی به بانک‌ها و صندوق توسعه ملی و نهایتاً بانک مرکزی خواهد شد که نه‌تنها نفعی عاید اقتصاد بحران‌زده ایران نخواهد کرد، بلکه باعث درمان‌ناپذیرتر شدن بیماری‌های اقتصادی کشور نیز خواهد شد. شرکت‌های دولتی نیز با این شیوه بودجه‌نویسی فعلی توسط دولت، در لویی تحت عنوان زیان‌دهی دستوری گرفتار خواهند ماند.



به‌طور میانگین در دنیا، ۶۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری زیربنایی و امور زیرساختی برعهده شرکت‌های مادر تخصصی دولتی است که یا تمام مالکیت آن یا دست‌کم نظام رگولاتوری و مقداری از سهام آن در اختیار دولت‌هاست. ۲۵ درصد از امور یادشده، به‌طور مستقیم توسط دولت‌ها هم کارفرمایی و هم اجرا می‌شود و ۱۵ درصد از ایجاد سازه‌های زیرساختی هم کار بخش خصوصی در سراسر دنیا است. علت بالا بودن سهم دولت در پروژه‌های زیربنایی بیشتر به دولت‌های شرقی خاصه چین و عربستان و هند و بنگلادش و قطر و... بازمی‌گردد. براساس گزارش منتشرشده از خلاصه وضعیت عملکرد شرکت‌های دولتی در نیمه نخست سال جاری (تا انتهای شهریورماه ۱۴۰۲)، از حدود ۳۴۰ شرکت ۱۰۰ درصد دولتی، ۱۵۰ شرکت زیان‌ده و ۱۹۳ شرکت در نقطه سوددهی با حاشیه سود کم یا سربه‌سر قرار دارند. این در شرایطی است که همه ساله در لوابیح بودجه سنویتی، تعداد شرکت‌های زیان‌ده دولتی را بسیار ناچیز جلوه می‌دهند و این خطا مربوط به تمامی دولت‌هاست. به عنوان مثال در لایحه و سپس قانون بودجه ۱۴۰۲ پیش‌بینی شده بود که تنها ۱۷ شرکت دولتی زیان‌ده وجود داشته باشد و اکنون به روایت رسمی دولت، بیش از ۱۵۰ شرکت دولتی زیان‌ده وجود دارد. به راستی این چه شکلی از بودجه‌نویسی است که بیش از ۴۰۰ درصد انحراف از معیار در لایحه بودجه نسبت به واقعیت رخ داده است؟

خرجی که بر دخل می‌چرید!

شگفت‌انگیزتر این است که نسبت هزینه به درآمد در ۳۴۰ شرکت دولتی یادشده، بیش از ۱۰۰ درصد است! بدیهی است که نمی‌توان این خرده‌گیری را معطوف به تمامی شرکت‌های دولتی کرد؛ زیرا برخی از این شرکت‌ها ماموریت‌های به اصطلاح شبه‌مالی دارند، اما همین هم یک باگ و شکاف بسیار بزرگ به شمار می‌رود و شوربختانه عمده درآمدهای این شرکت‌ها مصروف هزینه‌های جاری شده و سهم سرمایه‌گذاری‌های جدید نسبت به کل هزینه‌ها، سالانه با کاهش چشمگیری روبرو بوده است؛ به‌طوری که طی بازه زمانی ۲۰ سال گذشته، نسبت یادشده از ۳۰ درصد به ۶ درصد تنزل یافته است. حسب آمار منتشرشده رسمی از سوی دولت، در ۶ ماهه گذشته معادل ۱۷۴۰ هزار میلیارد تومان بوده در حالی که درآمدهای این شرکت‌ها در بازه زمانی یادشده، ۱۴۳۰

بدهکار کردن مردم



روا بدارد. وزیر یادشده که علاوه بر تصدی کرسی وزرات، ردای سخنگویی دولت در امور اقتصادی را نیز بر دوش دارد، حتی شایسته ندانسته بگوید در شرایطی که این همه کمبود در حوزه اقلام و تجهیزات پزشکی و دارویی وجود دارد، چرا باید معادل هزینه ساخت یک برج الخلیفه، منابع ارزی در اختیار کسی قرار بگیرد که بخواهد با آن جای وارد کند؟ از اینجا به بعدش واقعا از درجه اهمیت بسیار ناچیزتری برخوردار است، زیرا که این منابع رانتیر در اختیار هر کسی قرار بگیرد، حسب رفتار عقلایی اقتصادی کنش خواهد ورزید و سود شخصی خود را قربانی مصلحت عمومی کند.

مشکل اصلی از دستگاه اقتصاد سنترالیست کشور است که فکر می‌کند هم منابع کشور را به خوبی می‌شناسد و هم منافع مردم را از خودشان بهتر می‌داند و هم ارزیابی دقیقی از میزان نیاز افراد به کالاها و خدمات مختلف دارد و مربوط به یک یا دو کابینه اخیر نیست، رسوب ایده‌های ویرانگر سوسیالیستی در ذهن سیاست‌گذاران اقتصادی کشور در کابینه‌های مختلف، باعث شده تا سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، همیشه کشور را در وضعیت اضطراری باقی بگذارند. این در شرایطی است که اگر به عنوان مثال اقتصاد آزاد بود و به تبع آن نرخ ارز مطابق با رویکردهای بازار به رسمیت شناخته می‌شد و افراد ارز مورد نیازشان را به قیمت روز و از بازار (نه از مجاری بوروکراتیک با واسطه‌های قدرتمند دولتی)، خریداری می‌کردند، هیچ کس مشکلی نداشت که فرد یادشده چقدر دلار را با چه قیمت خریداری و منابع درآمدی حاصله را صرف چه اموری کرده است. در شرایطی که دولت حتی برای میزان نان و بنزین مصرفی مردم سهمیه‌گذاری می‌کند، بدهی است که مردم واکنشی شدیدتر از عمق فاجعه به تخلفات و مفاسد یادشده ابراز کنند و این به تشدید شکاف میان دولت و ملت بینجامد و هزینه انجام اصلاحات اقتصادی اساسی را به شدت افزایش دهد. با این حال به نظر می‌رسد دغدغه وزیر یادشده و مسوولان هم‌نظر او، نه پر کردن شکاف دولت و ملت و نه افزایش شفافیت و زدودن رانت‌ها از اقتصاد، بلکه ارایه راهکاری برای تغییر ذهنیت نسبت به فساد تاریخی رخ داده و فرار رو به جلو است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی در یک میتینگ سیاسی حزبی که خیلی مناسبی با وظایف اجرایی او ندارد، ضمن تایید وقوع فساد در ماجرای موسوم به چای دیش، به توسل به مغالطه تغییر صورت‌مساله، خود را در جای طلبکار و مطالبه‌گر گذاشت و به شکل زیرپوستی افکار عمومی را بابت برداشت منتهی به ادراک فساد از ماجرای یادشده، محکوم کرد. هرچند این رویکرد تقریبا در تمامی ادوار کابینه‌ها برقرار بوده است و چهره‌های سیاسی بسیار زیادی حتی بیرون از قوه مجریه، با آموختن رویکرد طلبکاری به جای پوزش‌خواهی برای بروز نقایص منتهی به فساد، مردم را از داشتن ذهنیت شفاف در زمینه فساد برحذر دارند.

این پرده آهنین برای توصیف رفتارهای مافیایی افشاشده، معمولا طیفی از اقدامات ایذایی برای ردگم‌کنی به کار می‌گیرد تا افراد مفسد را از تعقیب افکار عمومی برهاند. در ماجرای افشای حقوق‌های نجومی و سپس املاک نجومی، طرفین درگیر سیاسی دو جناح عمده مناسبات سیاسی در کشور بودند که صحنه رقابت‌های سیاسی را به افشای نقاط مفسده‌انگیز طرف مقابل کشاندند و در نهایت ماجرا به رغم تحریک حساسیت عمومی، با مصالحه سیاسی دو جناح، ختم به خیر سیاسیون و شر برای مردم شد. در ماجرای طرح ارقام سنگین برای تخلف ده‌ها هزار میلیارد تومانی در فولاد مبارکه نیز چنین مسال‌های رخ داد و با دستکاری کردن پیچ و مهره‌های روایی ماجرا، مساله رو به فراموشی نهاد. تخلفات مرتبط با صندوق ذخیره فرهنگیان و مواردی از این دست نیز با سرپوش گذاشتن‌های رسانه‌ای برای مافیای متخلف، پرده حائل از پیگیری افکار عمومی ایجاد کرد.

واقعیت تلخ ماجرا این است که قوه قضاییه صرفا در موضوع مبارزه با فساد، می‌تواند با مفسدین برخورد کند و برخورد با اصل پدیده فساد، کار قوه قهریه کشور نیست. فساد از منافذی چون چندنرخ‌سازی ارز و کالا و تسهیلات، امضاهای طلایی، بخشنامه‌ها و قوانین خلق‌الساعه‌ای که باعث تعارض منافع می‌شود، حمایتگری دولت از پروژه‌های خاص، قیمت‌گذاری دولتی، پرداخت سوبسید و مسائلی از این دست شکل می‌گیرد و عموما هم به شکل نهادی استمرار می‌یابد. وقوع یک تخلف در لابه‌لای این همه زمینه برای سوءاستفاده رانتی از دستگاه تولید رانت دولتی، و حتی اشد برخورد قهری با فرد متخلف، هر چه باشد، قطعا مبارزه با فساد نیست. در شرایطی که علل تداوم فساد مانند ارز ترجیحی، تسهیلات تکلیفی با نرخ بهره دستوری، خرید تضمینی، حمایت به نام دانش‌بنیان بودن، ایجاد انحصار با منع واردات کالای خارجی (نمونه‌های مربوط به لوازم خانگی، واکسن و خودرو)، قیمت‌گذاری دستوری، انرژی ارزان، تعرفه‌گذاری، آپشن‌های دولتی، تخصیص زمین و اشتراکات خدماتی ارزان یا رایگان، ترک تشریفات و روابط خارج از ضوابط اعلام نیاز به خرید و فروش کالا و خدمات در دوایر و شرکت‌های دولتی (مزایده و مناقصه‌ها)، فقدان شفافیت، کثرت وجود مجوزها و مقررات دولتی، سوبسیدهای نقدی و غیرنقدی وجود دارد، فساد هم با حداکثر شدت و قوت خود پابرجاست و برخورد با چند متخلف ولو اینکه حاوی شدت عمل بسیار باشد، صرفا معادل پاک کردن صورت‌مساله و قربانی‌سازی از مهره‌های سوخته است که دیگر حمایت‌های رانتیر از آنها، به لحاظ سیاسی، تشکیلاتی و اقتصادی مقرون به صرفه نباشد.

وزیر اقتصاد نیز اکنون با ابراز گلایه از مردم بابت آنچه که او تغییر شکل واقعیت قلمداد می‌کند، فساد را به تخلف فرومی کاهد و سعی می‌کند از ایستگاه مطالبه‌گری عمومی برای پاسخگویی گریخته و در جایگاه طلبکار، دزدگیر یا قهرمان مبارزه با فساد سنگر بگیرد. وزیر یادشده حتی به‌صرفه ندانست که بگوید چرا این حجم از مبالغ ارزی باید در اختیار یک نفر آن هم با قیمت ترجیحی و در شرایطی که کشور در تنگنای ارزی گرفتار شده، قرار بگیرد که حالا فرد یادشده بخواهد با این منابع رانتیر، رفتار اخلاقی



دلایل عدم کارایی سیاست کنترل رشد نقدینگی

در یک سال اخیر که سکانداری بانک مرکزی از حالت ایدئولوژیک پیشین خارج شده و این نهاد دوباره به ریل سیاست‌گذاری کارشناسانه باز گشته است، هدف‌گذاری اصلی این نهاد در سیاست‌گذاری پولی کنترل نرخ رشد نقدینگی تا سطح ۲۵ درصد بوده است که تاکنون نیز می‌توان گفت به توفیق نسبی بالای ۹۰ درصدی در دستیابی به این هدف نایل شده‌اند، اما چرا از منظر کارشناسی این کاهش نرخ رشد از پایداری برخوردار نخواهد بود و در نهایت باز هم باید شاهد بازگشت نرخ رشد بالای نقدینگی در کشور باشیم، دلیل اصلی را باید در امحاء ناقص نقدینگی خلق‌شده توسط بانک‌ها جست‌وجو کرد و همین موضوع نیز از دلایل بنیادین تری تبعیت می‌کند. سیاست کنترل ترازنامه مقدراری بانک‌ها توسط بانک مرکزی بی‌گمان برای کوتاه‌مدت سیاستی کارا و موثر خواهد بود، اما برای حل پایدار این معضل، نیاز مبرمی به اصلاح ساختار بانکی به شکل کلیدی وجود دارد و شیوه‌های مسکن‌مانند به هیچ‌وجه جوابگوی حل مساله نخواهد بود.



داشته شده است؛ نخست ایجاد موسسات اعتبارسنجی (ترجیحا خصوصی) به عنوان بازوی نظارتی بانک‌های مرکزی و دوم مجازسازی بانک‌ها به بهره‌گیری از اوراق بدهی با سررسیدهای بلندمدت برای جبران نکول پیش‌آمده از محل حذف دارایی‌های مشکوک از دفاتر دارایی‌های بانک‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرند. از آنجا که در ایران، تاکنون اعتبارسنجی چندان مورد توجه نهادهای سیاست‌گذار نبوده است، نمی‌توان تصویر دقیقی از میزان نیاز بانک‌ها به کسری کفایت سرمایه مورد نیازشان در دست داشت. در شرایطی که اعتبارسنجی وجود نداشته باشد - که در ایران ندارد- نهادهای متولی تنظیم بازار پولی کشور به‌طور کلی و حسب دلایل امنیتی منکر نکول صورت پذیرفته و سوخت شدن دارایی‌های بانک‌ها می‌شوند، چون گزینه پیش‌رو در این شرایط اعلام ورشکستگی است و این مساله از نظر نهادهای رگولاتور، یک معضل امنیتی است، پس به بانک‌ها اجازه خلق نقدینگی داده می‌شود و این چرخه باطل تداوم خواهد داشت.

چه ریسک‌هایی نقدینگی را افزایش می‌دهد؟
بانک‌ها با سه دسته از مشتریان روبرو هستند؛ دسته نخست مردم عادی که طالب وام خرد هستند و معمولا هم اقساطشان را به موقع و در سررسید معین پرداخت می‌کنند. دومین نمونه از مشتریان بانک‌ها، مشتریان پرداخت تسهیلات کلان هستند که معمولا با توجه به گزارشات مانده مطالبات بانک‌ها، از بازپرداخت

مدیریت دارایی‌های مشکوک‌الوصول تجربه جهان در بحران اقتصادی ۲۰۰۹ ایالات متحده به همه فهمانند که مهار زدن بر امکان خلق نقدینگی بانک‌ها، مهم‌ترین اقدام برای جلوگیری از رشد حجمی نقدینگی مازاد نیاز اقتصاد خواهد بود و پس از آن نیز استانداردهای حسابداری سختگیرانه‌ای برای سیستم بانکی در سراسر جهان ابلاغ شد. بزرگ‌ترین مشکل در ترازنامه فعلی بانک‌های ایرانی، دارایی‌های مشکوک‌الهبویه و مجهول‌الوصول است که در سررسید حساب‌های سالانه بانک‌ها نوشته می‌شوند و به لحاظ مقدراری تراز بانک را مثبت نگه می‌دارند، اما در عمل امکان وصول بسیار پایینی برای این دارایی‌ها وجود دارد و شوربختانه با سود مرکب (rating) و دیرکرد نیز در دارایی‌ها ترکیب می‌شوند که به‌طور کلی تراز مقدراری دارایی‌های بانک‌ها را آلوده می‌کند، زیرا در عمل وجود خارجی ندارد. به همین دلیل بانک‌ها باید این وام‌های پرداختی را از فهرست دارایی‌های خودشان حذف کنند. اگر حذف دارایی از محل کفایت سرمایه بانک جبران نشود، هزینه‌اش بر دوش سپرده‌گذاران می‌افتد (مانند موسسات مالی و اعتباری که سال ۹۶ کل نظام اعتباری و بازار پول کشور را درنوردیدند) و این فشار نیز بر گرده بانک مرکزی شیفت خواهد شد و بانک مرکزی نباید این معضل احتمالی را با استفاده از اهرم افزایش نسبت ذخیره قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی مدیریت کند بلکه باید با استفاده از اهرم‌های روز دنیا، به بانک‌ها اجازه ارتقای ضریب کفایت سرمایه‌شان را بدهد.
در دنیا دو رویکرد فنی توانان نسبت به این موضوع روا

بانک‌ها باید سهم دارایی‌های پرریسک خود را کاهش دهند. وقتی بانکی حجم بالایی از دارایی خود را در اختیار یک پروژه قرار می‌دهد به ریسکی مبتلا می‌شود که در علم اقتصاد از آن با نام ریسک متمرکز یا **Concentration Risk** یاد می‌کنند. بانک آینده و پروژه‌های ایران‌مال و هتل روتانا، نمونه‌های دست یازیدن به چنین ریسکی در سیستم بانکی هستند. این مدل ریسک در دنیا، با تنبیه ورشکستگی محدود شده است، اما در ایران به علت ترس از اعلام ورشکستگی، چنین رویکردی توسط دولت اتخاذ نمی‌شود. برای جبران این وضعیت متنوع‌سازی دارایی‌های بانکی توسط اقتصاددانان توصیه شده است و بانک‌ها با این کار، پوشش ریسک خود را به دارایی‌های مختلف سرشکن می‌کنند. اساساً یکی از وظایف بانک‌های مرکزی در سراسر دنیا این است که بر چنین پروسه‌ای نظارت کنند که در ایران جز بحث بر سر تجدید ارزیابی دارایی‌ها، این رویکرد مورد توجه بانک مرکزی قرار ندارد. در سراسر دنیا برای پوشش هزینه چنین ریسک‌هایی، کنسرسیومی مرکب از بانک‌ها، صندوق‌های مدیریت ریسک و بیمه‌ها تشکیل می‌شود و به شکل دسته‌جمعی ریسک متمرکز را سرشکن می‌کنند.

چگونه از بازگشت نقدینگی مخرب جلوگیری کنیم؟ برای حل این بحران که می‌تواند دوباره باعث افزایش رشد نقدینگی و در نهایت افزایش نرخ تورم در کشور شود، بانک مرکزی باید مجموعه‌ای از اقدامات را در دستور کار قرار دهد؛ نخست استقرار نظام یکپارچه سنجش ریسک در کنار سیستم یکپارچه اعتبارسنجی، نوسازی استانداردهای حسابداری مربوط به نکول بدهی، ارزشیابی دارایی‌ها، مدیریت ریسک و اعتبارسنجی، ذخیره‌گیری و امحاء سریع نقدینگی سینیوراز شده و به‌روزرسانی آن در موجودی حساب سرمایه، سلب کامل اختیار پرداخت تسهیلات بانکی توسط شعب، تفکیک کامل نظام **Credit Reporting** از نظام **Credit Rating** و تسهیل در زمینه صدور مجوز برای نهادهای مربوط به هر دو حوزه، بازنگری کلی در قوانینی چون بانکداری بدون ربا، قانون تجارت و قانون ورشکستگی، تفکیک کامل بانکداری توسعه‌محور از بانکداری تجاری، متمرکز کردن تسهیلات دستوری و توسعه‌ای زیرنظر یک بانک عامل زیرنظر بانک مرکزی و در نهایت اصلاح ساختار موسوم به پروفایل ریسک بانک‌ها توسط بانک مرکزی، از جمله اقداماتی است که ریسک بازگشت مجدد رشد بالای نقدینگی را از سر اقتصادی ایران می‌زداید و در نهایت باعث سالم‌سازی ساختاری بانک‌ها و کاهش تورم در بلندمدت خواهد شد، در غیر این صورت کشور دوباره در خطر بازگشت به نقطه صفر رکوردشکنی رشد نقدینگی در سال ۹۷ و پس از آن باز خواهد گشت.



بدهی‌های خود تا جایی که امکان داشته باشد، امتناع می‌ورزند. این مدل از نکول دارایی‌ها، به نکول کلان یا استراتژیک مشهور است. دسته سوم مشتریان تسهیلات بانک‌ها، دولت است که بیشترین حجم دریافت تسهیلات را به خود اختصاص داده و برای پرداخت تسهیلات خرد و کلان توسط بانک‌ها نیز، هم مقدار و سقف و کف و هم نرخ بهره و زمان بازپرداخت تعیین می‌کند. معمولاً بدهی‌های خود را پرداخت نمی‌کند و در نتیجه باعث افزایش اضافه‌برداشت بانک‌ها از محل استقراض از بانک مرکزی می‌شود. حالا با توجه به موارد یادشده، می‌توان ریشه افزایش حجم نقدینگی ایران را در عدم حذف دارایی‌های نکول شده از دفاتر دارایی‌های بانک‌ها در نظر گرفت که به خلق نقدینگی غیرقابل امحاء منجر می‌شود و پس از آن، هنگامی که بانک‌ها با پدیده نکول کلان روبرو می‌شوند، این خلق نقدینگی با شتاب مرگبارتری به مسیر خود تداوم می‌بخشد و این به موتور رشد نقدینگی و در نهایت تورم ساختاری در اقتصاد بدل شده است. برای اینکه دارایی‌های بانک‌ها در پروسه نکول سوخت نشود، در سراسر دنیا ضوابطی لحاظ می‌شود.





شوک با مزه تورم

به شدت باعث کاهش صادرات (و به تبع آن کاهش درآمدهای ارزی در میان مدت) و افزایش واردات خواهد شد که در ترمینولوژی علم اقتصاد، این رخداد به عنوان سیگنال اولیه ورود اقتصاد کلان کشور به سبب بیماری هلندی (رکود تورمی) در نظر گرفته می‌شود، زیرا باعث بروز شوک ارزی ناشی از کاهش منابع ارزی خواهد شد و حسب لنگر شدن قیمت کالاهای مصرفی به ارز ترجیحی، این جهش با یک موج بلند تورمی رخ‌نمایی خواهد کرد و در نتیجه با افزایش تورم، نوعی رکود ناشی از تقاضا که محصول ورشکستگی بنگاه‌ها و افزایش تعداد بیکاران خواهد بود، مواجه خواهد شد. هر چند مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد تعدیل قیمتی نرخ ارز ترجیحی و افزایش آن تا سطح ۳۵ هزار تومان را برای پیشگیری از وقوع این مصائب احتمالی مطرح کرده، اما با عنایت به لایحه بودجه و توجه به رقم فروش نفت و برآورد دولت از میزان فروش این کامودیتی، می‌توان از تنگنای بزرگ ارزی در سال آینده سخن به میان آورد. در همین راستا، بهینه آن است که دولت دست از سیاست سرکوب نرخ ارز (که در رسانه‌های وابسته به دولت با نام تثبیت نرخ ارز و به مثابه دست‌انورد دولت فعلی، برای مخاطبان ایدئولوژیک این رسانه‌ها به فروش می‌رسد) بردارد و به تدریج با افزایش قیمت ارز ترجیحی تا سطح قیمت بازار آزاد، کشور را از ورود به بحران ارزی جدید، مصون نگه دارد.

این رویه فعلی که مطابق با آمارهای نهادهای پژوهشی ناظر، دولت با قیمت ۴۰ هزار تومان ارز را تهیه کرده و با قیمت ۲۸۵۰۰ تومان تخصیص دهد، باعث می‌شود تا علاوه بر از دست رفتن منابع فوق‌العاده محدود ارزی در دسترس فعلی، در صورت تداوم این روند تا پایان سال جاری، دست کم ۴۰ هزار میلیارد تومان دیگر پول بپر قدرت بانک مرکزی که فاقد پشتوانه است به پایه پولی کشور تزریق خواهد شد و اثرات تورمی این سیاست را بیش از پیش تشدید خواهد کرد.

لزم تفکیک سیاست رفاهی از سیاست پولی

بروز اختلاط و هم‌نشینی میان رویکرد رفاهی دولت (که مربوط به کابینه‌های پیشین نیز می‌شود) با سیاست‌های پولی - با تکیه بر ابزار خطرناک ارزی - باعث ایجاد اختلال بسیار شدید در نتایج به دست آمده از هر دو سیاست خواهد شد و بهینه این خواهد بود که دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، به‌طور کامل بند ناف سیاست‌های رفاهی خود را از سیاست‌های پولی و پارامتر ارزی قطع می‌کند و البته هنوز هم برای اتخاذ این رویکرد دیر نشده است.

تخصیص مبلغ ارزی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی نیز در زمان خود، با واقعیت دلار مبادله‌پذیر در بازار، یک شکاف تقریباً ۵۰ درصدی ایجاد کرده بود که رفته‌رفته افزایش یافت و این شکاف توسط سیاست‌گذاران پولی کشور با تعدیل تدریجی این نرخ کاهش نیافت و در نهایت هنگامی که در خردادماه سال ۱۴۰۱، سیاست‌گذار به ناچار این ارز ترجیحی را به یک‌باره به کناری وانهاد، کشور با افزایش نرخ تورم نقطه به نقطه تا سطح ۵۸ درصد نیز روبرو شد که تخلیه کامل آثار این جهش تورمی بیش از ۱۳ ماه به طول انجامید. به همین سبب بهینه این است که سیاست‌گذاران پولی از هم‌اکنون که ثبات نسبی در بازار یادشده برقرار است، اقدام به ترمیم تدریجی این نرخ تا سطح تعادلی بازار کند.

در غیر این صورت، سنخ‌ی از آشفتگی ارزی ناشی از کاهش درآمدهای ارزی دولت در سال آینده، همراه با تشدید ناترازی در حوزه‌های مختلفی نظیر صندوق‌های بانک‌نشستگی، بانک‌ها، انرژی، منجر به قفل‌شدگی توامان بازوهای سیاست‌گذاری کشور و از میان بردن امکان اصلاح بدون خونریزی را فراهم خواهد کرد.

این در حالی است که دولت در شرایط نسبتاً باثبات فعلی می‌تواند هم‌زمان پکیچی از اصلاحات اجباری و کلیدی برای نظام اقتصادی کشور را به‌طور هم‌زمان اجرا کند تا هم با پدیده تجمع «اثرات جانبی سیاست‌های اصلاحی» روبرو نشود و هم جامعه با گذار از یک سطح مقاومت اولیه در برابر این تصمیمات، به‌طور یکپارچه با نتایج سیاست‌های تحولی روبرو شود.



گروه اقتصادی - یکی از چالش‌های اقتصادی کشور که به‌طور محتوم، دست‌ساز دولت‌ها بوده و نه تنها موجبات افزایش رفاه خانوار و رشد بنگاه‌ها را فراهم نکرده، بلکه باعث وارد کردن لطمات جبران‌ناپذیری به رفاه خانوار و دامنه رشد بنگاه‌ها (به عنوان خطوط قرمز اقتصاد خرد) شده و علاوه بر آن موجبات تشدید فساد اقتصادی در کشور را بسط داده است، تخصیص ارز ترجیحی با قیمت‌های مصون از تورم بوده است. تخصیص منابع ارزی به شکل ترجیحی حتی در شرایطی که کشور در وضعیت تحریم قرار نداشته باشد و ایران بیش از ۳ میلیون بشکه نفت در روز صادر کند و هدررفت منابعی است که باید مصروف تکمیل زیرساخت‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری شود. این در حالی است که در کشور ما، این منابع به‌طور اسمى مصروف حفظ سطح رفاه خانوار می‌شود، اما در عمل صرفاً موجبات افزایش فساد و فاصله طبقاتی را در کشور فراهم و به مثابه یک اهرم کامل رانتیبر عمل می‌کند.

افزایش پایه پولی با ارز ترجیحی!

تداوم تثبیت نرخ ارز برای کالاهای اساسی همان‌گونه که مورد اشاره بازوان پژوهشی مجلس شورای اسلامی و اتاق بازرگانی نیز قرار گرفت، تنها موجبات هدررفت منابع بدون دستیابی به هدف حفظ سطح رفاه خانوار در همین سطوح تورمی فعلی خواهد شد و همچنان به عنوان چاشنی انفجاری گسترش فساد در جامعه عمل خواهد کرد. در شرایطی که دولت بیش از ۵ میلیارد دلار از منابع درآمدی ارزی حاصل از فروش نفت و تعهدسپاری ارزی، مصروف تامین مالی ارز مورد نیاز برای واردات با قیمت ترجیحی (تنها در ۷ ماهه نخست سال جاری) کرده است، با در نظر گرفتن این مفروض که این ارز از محل گواهی میانگین موزون حواله‌های ارزی (ارز نیمایی) یا مشابه آن توسط بانک مرکزی خریداری شده باشد و به متقاضیان دریافت ارز ترجیحی تخصیص داده شده باشد، می‌توان از چاپ بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان پول فاقد پشتوانه برای تامین مالی این اقدام پی برد و آن را زیربنای افزایش پایه پولی به همین میزان و همچنین افزایش تورم در نظر گرفت.

در میان مدت، تلاش برای تثبیت نرخ ارز، باعث افت قیمت واقعی ارز خواهد شد که



گزارش کارشناسی

جایگاه بخش خصوصی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور و تاثیر آن بر تولید

خلاصه مدیریتی

شرکت‌ها افزایش یافته و درآمد دولت ناشی از فروش کالا و خدمات در نظر گرفته شده است. فروش نفت و اموال دولت حدود ۶۴۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده و واگذاری دارایی‌های مالی که شامل انواع استقراض‌ها و فروش سهام می‌شود، حدود ۳۱۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

*درآمدهای مالیاتی دولت ۴۹٫۸ درصد افزایش خواهد داشت؛ مالیات بر واردات منفی ۲٫۱ درصد است و سود سهام شرکت‌های دولتی ۷۶٫۵ درصد، بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن ۱۳٫۴ درصد، درآمد حاصل از فروش کالا و خدمات ۷۵ درصد و سایر درآمد ۵۰ درصد بوده است. برای اولین بار سهم درآمدهای مالیاتی از منابع ۴۵٫۵ درصد است و این برای اولین بار اتفاق افتاده است.

*درآمدهای مالیاتی در بودجه ۱۴۰۳ عبارت‌اند از: مالیات اشخاص حقوقی ۵۳٫۵ درصد ولی سهم بخش خصوصی و عمومی از هم جدا نشده است؛ مالیات بر درآمد ۳۳٫۳ درصد، مالیات بر ثروت ۳۲٫۸ درصد و مالیات بر کالا و خدمات ۵۴٫۵ درصد برآورد شده است. میزان وابستگی منابع عمومی به نفت ۲۴ درصد است.

*حدوداً ۴۵۰ همت کسری وجود خواهد داشت که دولت احتمالاً از طرق زیر جبران خواهد کرد: افزایش فروش اوراق؛ برداشت از

بودجه کل کشور معادل ۶۴۷۸ هزار میلیارد تومان متشکل از دو بخش بودجه دولت بالغ بر ۲۷۳۷ هزار میلیارد تومان و بودجه شرکت‌ها ۳۷۴۱ هزار میلیارد تومان.

*لایحه بودجه ۱۴۰۳ برای مهار تورم، انقباضی بسته شده است. رشد ۱۸٫۲ درصدی بودجه عمومی دولت در شرایطی که تورم نزدیک به ۴۰ درصد است، گویای این موضوع است که دولت در کنار ترازنامه بانک‌ها، سیاست انقباض بودجه‌ای را نیز دنبال کرده است.

*اتکای بودجه دولت به فروش نفت کاهش یافته است. سهم نفت از منابع عمومی دولت از ۳۰ درصد در قانون بودجه ۱۴۰۲ به ۲۴ درصد در لایحه بودجه ۱۴۰۳ کاهش یافته است. برنامه دولت، کسب درآمد از محل مالیات است.

*کلیات بودجه به دلیل مهار تورم، ۱۴۰۳ انقباضی بسته شده است؛ دولت سمت مصارف را در حد ممکن کنترل کرده و با توجه به محدودیت منابع، سعی کرده مخارج خود را از طریق مالیات‌ها پوشش دهد.

*منابع دولت براساس ۶۱ درصد مالیات‌هاست؛ سود سهم



ک منابع مالیاتی

موضوع	مبلغ
موضوع ۱۴۰۲	۲۹۳.۷
موضوع ۱۴۰۳	۱۴.۳
موضوع ۲۰۰۵	۲۰.۵
موضوع ۱.۵	۱.۵

طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای

* محدودسازی استفاده تجاری از حساب‌های غیرتجاری مطابق

آیین‌نامه شورای پول و اعتبار

* تهیه اظهارنامه برآوردی برای مودیان ارزش افزوده که طی سنوات

۱۲۸۷ تا ۱۴۰۰، اظهارنامه خود را در موعد مقرر تسلیم نکرده‌اند.

* عدم استرداد مالیات و عوارض ارزش افزوده کالاهای نفتی (بنزین،

نفت گاز، گاز طبیعی و...)

* افزایش نصاب تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم به ۱۵۰

برابر

* تعیین معافیت سالانه حقوق و دستمزد (ماده ۸۴ قانون مالیات

مستقیم) به مقدار ۱۴۴ میلیون تومان و معافیت مالیات بر درآمد مشاغل

به میزان ۷۵ میلیون تومان

* ساماندهی حساب‌های شخصی و تجاری جهت جلوگیری از فرار

مالیاتی

* تنفیذ مالیات خودرو و مسکن لوکس

صنعت، معدن و تجارت

* کاهش حقوق گمرکی ماشین آلات و تجهیزات، قطعات، مواد اولیه

و واسطه‌ای به ۲ درصد

* تعیین حقوق گمرکی و مالیات ارزش افزوده واردات کالاهای اساسی،

دارو، ملزومات مصرفی پزشکی و شیرخشک به میزان ۱ درصد.

* تخصیص یک در هزارم وجوه حقوق دولتی معادن به منظور

آموزش و تربیت کارمندان، توسعه فناوری و سایر امور در وزارت صمت-

اختصاصی سازی درآمد.

صندوق توسعه ملی؛ تحمیل کسری به شبکه بانکی؛ شاید بخشی هم از طریق افزایش فروش ارز به قیمت بالاتر.

* منابع ارزی احتمالاً با محدودیت روبرو است. لذا اعمال قواعد سخت برای بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد کشور ادامه خواهد یافت. راه حل برای یافتن تعادل منابع و مصارف برای سال ۱۴۰۳ دشوارتر است.

* سیاست‌های اقتصادی مهم لایحه بودجه ۱۴۰۳ از نگاه بخش خصوصی، تأمین مالی داخلی، تأمین مالی خارجی، نرخ حقوق گمرکی ورودی نهاده‌های تولیدی، هدفمندی یارانه‌ها، رویکرد دولت به بخش برق، پتروشیمی، سیاست‌های مالیاتی و افزایش قیمت آب بررسی شده است.

* یکی از محورهای کسری ۲۷۱ هزار میلیارد تومانی هدفمندسازی یارانه‌ها در لایحه بودجه ۱۴۰۳ است. بر این اساس میزان تحقق منابع هدفمندسازی یارانه‌ها در لایحه بودجه ۱۴۰۳، در صورت تداوم شرایط فعلی، ۶۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده درحالی که مجموع هزینه‌ها ۸۷۱ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود.

* رشد مصارف خرید تضمینی گندم و یارانه دارو از عمده دلایل کسری این بخش در بودجه ۱۴۰۳ خواهد بود. از دیگر نقاط ضعف، می‌توان به تداوم پرداخت یارانه‌های انرژی به‌رغم تشدید ناترازی این بخش، عدم استفاده از ظرفیت اوراق، عدم تأمین منابع برای پرداخت بخشی از بدهی‌های دولت به صندوق تأمین اجتماعی و صندوق توسعه و نبود هماهنگی میان اولویت‌های بودجه و برنامه هفتم توسعه اشاره کرد.

* از سوی دیگر کاهش کسری تراز عملیاتی نسبت به سال‌های گذشته، مقابله لازم با فرار مالیاتی و برآورد دقیق‌تر از ارقام منابع عمومی بودجه نقاط مثبت لایحه ۱۴۰۳ به شمار می‌رود.

اهم محورها و تبصره‌های لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور

انتشار اوراق داخلی و تأمین مالی خارجی

* سقف انتشار اوراق شرکت‌های دولتی معادل ۱۳ هزار میلیارد تومان

(بسیار اندک در مقابل میزان تأمین مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری

شرکت‌ها) و سقف انتشار اوراق شهرداری‌ها ۳۲ هزار میلیارد تومان.

* تأمین اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با اوراق مالی،

ظرفیت نظام بانکی و ماده (۱۲۵) تا سقف ۳۰ درصد ردیف‌های اعتباری

طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (معادل ۱۱۲ هزار میلیارد تومان).

* سقف تسهیلات مالی خارجی برای طرح‌های دولتی و غیردولتی

معادل ریالی ۳۰ میلیارد یورو و با لحاظ سهم ۱۵ درصدی گشایش اعتبار

(فاینانس) برای طرح‌ها

* مجوز تهاتر بدهی‌های ناشی از اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های

سرمایه‌ای با واگذاری اموال غیرمنقول در سقف ارقام مصوب بودجه

* مجوز صدور ضمانتنامه دولتی برای شرکت‌های صادرکننده خدمات

فنی- مهندسی برای استفاده از منابع بین‌المللی با سازوکار تأییدیه سازمان

توسعه تجارت، اخذ وثیقه و صدور گواهی اخذ وثیقه توسط بانک‌های

داخلی و اعلام به وزارت اقتصاد.

مالیات و عوارض

* افزایش یک درصدی نرخ مالیات بر ارزش افزوده و مصرف آن در

بیش نیست.

* علاوه بر این در بخش مالیات بر خودروهای لوکس نیز با وجود شناسایی بیش از ۱۵۰ هزار خودروی لوکس عملاً شاهد توفیق چندانی نبوده‌ایم و مانند دو پایه مالیاتی قبلی، برای سال ۱۴۰۳ نیز نمی‌توان امکان تحقق درآمد این بخش را متصور شد.

* با این تفاسیر و به سبب بالاتر بودن اثر تورم نسبت به افزایش حقوق در عمل فشار اقتصادی بر مردم ادامه خواهد داشت، هر چند سیاست‌های دولت در مسیر کاهش تورم است؛ اما همچنان بیشترین فشار بر قشر متوسط و ضعیف جامعه تحمیل خواهد شد.

رشد ۷ درصدی اقتصاد در لایحه بودجه ۱۴۰۳ هدف‌گذاری شد

* لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ که پیش‌بینی دخل و خرج دولت برای سال آینده است، را می‌توان اولین لایحه بودجه‌ای دانست که بر اساس چهارچوب‌ها، احکام و خط‌مشی‌های مندرج در قانون (لایحه) برنامه هفتم توسعه تنظیم شده است. به عبارت دیگر با عنایت به همزمانی فرآیندهای تدوین لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ و تصویب لایحه برنامه هفتم توسعه در مجلس شورای اسلامی، مقرر شد، لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ بر مبنای اصول، قواعد و خط‌مشی‌های قانون برنامه توسعه هفتم توسعه تدوین شود.

* مشمی کلی در تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۳ این بوده است که از احکامی که ماهیت آنها اصلاح قوانین دایمی کشور است، تا حد امکان اجتناب شود. به عبارت دیگر تمام تلاش این بوده است که از گنجانیدن احکامی که ماهیت آنها دایمی بوده و در قالب احکام لایحه بودجه (با ماهیت یکساله) موضوعیت نداشته است، جلوگیری شود. سعی شده است از آوردن احکام قانونی بی‌ارتباط با موضوع بودجه و غیرضرور اجتناب شود. البته این موضوع استثنائات مختصری داشته که آن استثنائات بیشتر در زمینه‌هایی بوده که تصویب این احکام می‌توانسته منابع درآمدی جدیدی را ایجاد یا موضوع تنگنای مالی را مدیریت نماید. با این اقدامات حجم و تعداد احکام ماده واحده لایحه بودجه ۱۴۰۳ نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته است.

* در تدوین الگوی کلی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ مفروضات قانون برنامه هفتم توسعه در برخی از پارامترهای اصلی و مهم اقتصادی مانند رشد اقتصادی، تورم و میزان سرمایه‌گذاری مدنظر قرار گرفته و سایر ارقام بخش‌های منابع و مصارف لایحه بودجه ۱۴۰۳ بر مبنای آن تنظیم شده است. * در بخش منابع و مصارف لایحه بودجه ۱۴۰۳ چند اصل مهم مانند استمرار رشد سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ با ارتقاء به سطح رشد اقتصادی ۷ درصدی در سال نخست برنامه هفتم برای نیل به هدف ۸ درصدی برنامه، واقع‌بینی و در نظر گرفتن ظرفیت‌های واقعی بخش‌های مختلف اقتصاد ملی به ویژه در بخش‌هایی نظیر بهره‌مالکانه معادن، سود شرکت‌های دولتی و بخش ارتباطات در این لایحه دنبال می‌شود.

* مدنظر قرار دادن روند گذشته و تحولات قابل پیش‌بینی جاری و آتی (میان مدت) اقتصاد ملی، ادامه اصلاحات در ساختار مالی دولت و بالا بردن سهم منابع پایدار و مطلوب در سرجمع منابع (مانند مالیات‌ها)، رعایت جانب احتیاط و واقع‌بینی در پیش‌بینی سهم منابع نفتی (میزان صادرات، قیمت جهانی نفت و نرخ ارز تسعیر دلارهای نفتی) در منابع درآمدی، تعریف منابع درآمدی قابل تحقق از محل مولدسازی دارایی‌های

مبلغ در ماهه ۱۴۰۲	۱۴۰۳	رشد
۱۹۲.۲	۲۵۰.۸	۵۳.۵
	۱۸.۶	۲۰.۰
۱۱.۸	۲۲.۵	۱۰.۰
۱.۵	۱.۷	۱۵.۰

حقوق و دستمزد

مالیات ۵۰ درصد بالا می‌رود

* میزان مالیات‌های محاسبه شده در بودجه سال آینده افزایشی پنج‌هزار درصدی را نسبت به شرایط کنونی تجربه خواهد کرد. در این راستا افزایش یک درصدی نرخ مالیات بر ارزش افزوده رخ خواهد داد. محل هزینه کرد این افزایش درآمد طرح‌های عمرانی خواهد بود. در این راستا محدودسازی استفاده از حساب‌های تجاری از حساب‌های غیر تجاری مطابق آیین نامه شورای پول و اعتبار مد نظر است.

* معافیت سالانه حقوق و دستمزد نیز برابر با ۱۴۴ میلیون تومان در سال اعلام شده است. مالیات بر واحدهای مسکونی گران قیمت و خودروهای لوکس نیز در سال آینده مد نظر خواهد بود.

* به عنوان نمونه مطابق با اعداد اعلامی تا پایان هفت ماه نخست سال جاری، درآمد مالیاتی دولت از واحدهای مسکونی خالی از سکنه ۲.۳ میلیارد تومان بوده است که با عدد ۲ هزار میلیارد تومانی فاصله زمین تا آسمان دارد.

* همچنین مطابق با لایحه پیشنهادی دولت کلیه املاک با ارزش بیش از ۲۵ میلیارد تومان به عنوان خانه گران قیمت شناخته می‌شوند که این رقم در بودجه سال ۱۴۰۲ برابر با ۲۰ میلیارد تومان بوده است. نکته جالب توجه این بوده که از مجموع ۳۰ میلیون واحد مسکونی کشور حدود ۳۰۰ هزار خانه مسکونی دارای چنین ارزشی هستند اما درآمد دولت تا پایان مهر ماه حدود ۱۷ میلیارد تومان بوده و حکایت از ناکارآمدی نظام مالیاتی کشور به منظور درآمد این پایه مالیاتی است و به سبب استمرار سیاست دولت در این بخش، در سال آینده نیز دستیابی به رقم اعلامی خیال بافی



دولت متناسب با توان اجرایی و واقعیت‌های مرتبط با این بخش در دو سطح ملی و استانی با لحاظ عملکرد سال جاری و همچنین ایجاد مشوق‌های لازم برای تحقق اهداف درآمدی تعیین شده در این بخش با ایجاد مکانیسم‌های بازگشت منابع درآمدی در دو بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای دستگاه مولدساز با نسبت‌های منطقی و مشخص، توجه به عدالت در تخصیص منابع و تعدیل بخشی از هزینه‌های قابل مدیریت و جبران بخش از اختلاف پرداخت بین دستگاه‌های ملی و استانی و رفع تبعیض و نارضایتی‌های ناشی از این امر از اهداف لایحه بودجه است.

* برنامه‌ریزی و ایجاد مکانیسم‌های اجرایی، تشویقی و تسهیلی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های مشارکت‌های خصوصی - عمومی در پیشبرد اهداف مربوط به طرح‌ها و پروژه‌های مهم با ایجاد سازوکارهای انگیزشی و کسب و کاری لازم و مشوق‌های قانونی مختلف و کاهش سایر هزینه‌ها در جهت سیاست ضد تورمی بودجه. لازم به توضیح است که رشد منابع بودجه عمومی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ معادل ۱۸,۲ درصد نسبت به ارقام مصوب منابع بودجه عمومی سال قبل بوده است. این رقم حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۳ علی‌رغم شرایط تورمی، بودجه با کنترل مصارف مدیریت شده است.

ارقام کلان لایحه بودجه ۱۴۰۳

* کل منابع عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ نسبت به قانون بودجه سال جاری ۱۸,۲ درصد رشد داشته و به ۲۴۶۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.

* در لایحه بودجه کشور برای سال آینده، کل منابع عمومی دولت ۲,۴۶۲ هزار میلیارد تومان است که نسبت به بودجه سال گذشته حدود ۱۸ درصد افزایش یافته است. در جدول زیر سقف منابع لایحه بودجه سال آینده در مقایسه با سال جاری آمده است. (مبالغ جدول فوق بر حسب میلیارد ریال است.)

* سقف درآمدهای منتشر شده در لایحه بودجه سال آینده نسبت به سال جاری حدود ۴۲ درصد رشد داشته است. سقف درآمدها و تراز عملیاتی در بودجه سال ۱۴۰۳ مطابق جدول زیر هستند.

* مجموع منابع نفتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، معادل ۵۸۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده که حدود ۱۱ درصد نسبت به قانون بودجه ۱۴۰۲ کاهش یافته است.

* وابستگی مستقیم بودج به نفت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ بدون در نظر گرفتن منابع و مصارف قانون هدفمندی یارانه‌ها و ۱۳۶ هزار میلیارد تومان منابع اختصاص یافته به تقویت بنیه نظامی، معادل ۲۴ درصد بوده که نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۲، کاهش ۵ درصدی داشته است.

* سهم منابع مالیاتی از منابع عمومی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۲، ۹ واحد درصد افزایش داشته و به ۴۵ درصد رسیده است. مقدار در نظر گرفته شده درآمدهای مالیاتی حدود ۱۱۲۲ هزار میلیارد تومان است که انتظار می‌رود تحقق کامل داشته باشد.

تاثیر لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ در صنعت و تولید

* یکی از نکات مثبت قوانین بودجه دو سال گذشته در نظر گرفتن تخفیف مالیاتی ۵ و ۷ درصدی به ترتیب در قانون بودجه سال ۱۴۰۱

و ۱۴۰۲ برای تولیدکنندگان و تمایز بین نرخ مالیاتی این بخش حیاتی با بخش بازرگانی و خدمات بود که در شرایط تورمی فعلی که عملاً بخش قابل توجهی از سود بنگاه‌های تولیدی صرفاً ناشی از تورم بوده و با واقعیات اقتصادی تطبیق ندارد تا حدودی منجر به حفظ نقدینگی آنها می‌شد و توان عملیاتی تولید را حفظ می‌کرد. متأسفانه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ به ناگاه و علیرغم استمرار شرایط تورمی شدید، این تخفیف نرخ به یک‌باره حذف شده است که مطمئناً ضربه سنگینی بر پیکره تولید خواهد زد.

* علاوه بر حذف تخفیف مالیاتی تولیدکنندگان، در بند ب تبصره ۶ لایحه پیشنهادی نیز عبارت ۱۰ درصد افزایش موضوع تبصره ۷ ماده ۱۰۵ و همچنین تبصره ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم به ۴۰ درصد افزایش یافته است. این موضوع در عمل منجر به بی‌اثر شدن مشوق قانونی مصرح در قانون مالیات‌های مستقیم خواهد شد که در شرایط تورمی فعلی کمکی در جهت کاهش بار مالیات تورمی بوده است، به گونه‌ای که در نبود این بند اشخاص حقیقی و حقوقی که قبلاً با شفافیت و انجام تکالیف مصرح در قانون به ازای ۵۰ درصد افزایش درآمد مشمول مالیات ابرازی از ۵ درصد تخفیف نرخ بهره‌مند می‌گشتند در سال جاری به ازای ۲۰۰ درصد افزایش درآمد ابرازی از تخفیف مشابه بهره‌مند خواهند شد که با هیچ‌یک از واقعیات اقتصادی امروز کشور تطبیق ندارد.

* افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده در بند «س» تبصره ۶ لایحه پیشنهادی نیز در سال ۱۴۰۳ صرفاً موجب تحمیل بار بیشتر تورم بر جامعه خواهد شد و در شرایطی که نیاز به توجه به معیشت بازنشستگان بیش‌ازپیش احساس می‌شود، تامین افزایش حقوق آنها از محل افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده آثار تورمی بر سایر اقشار جامعه به

جهت حفظ نیروی انسانی متخصص خواهد شد.

«عبارت ذکر شده دربند «ث» تبصره ۶ لایحه پیشنهادی سراسر ابهام بوده و هیچ تفاوتی بین بدهی قطعی نشده و قطعی شده یا در حال اقدامات اجرایی مقرر، گذاشته نشده است و منجر خواهد شد اختیار گسترده‌ای در زمینه برداشت از حساب بانکی اشخاص راسا و بدون حکم قضایی در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار گیرد. بی‌شک واگذاری چنین اختیاری صرفاً با تشریح دقیق جزییات و شرایط آن امکان‌پذیر بوده و شرایط فعلی مفسده‌ها و مشکلات خارج از تصویری ایجاد خواهد کرد.

«افزایش مالیات، آثار رکود در پی خواهد داشت؛ به دلیل افزایش مالیات‌ها، بودجه ۱۴۰۳ فشار مضاعفی بر بخش مولد اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد. امسال دولت در شرایطی قرار گرفته که می‌خواهد بخش عمده بودجه و درآمد خود را از محل مالیات بخش خصوصی و بنگاه‌ها تأمین کند؛ در این شرایط، توقع این است که دولت از تأمین‌کنندگان مالیات نظرخواهی بیشتر و بهتری می‌کند و از بخش تولید کشور مشورت می‌گرفت ولی این اتفاق نیفتاد.

«در ستاد تدوین بودجه هیچ‌کدام از اتاق‌های سه‌گانه، یعنی اتاق ایران، اتاق تعاون و اتاق اصناف در تدوین لایحه بودجه حضور نداشتند. قانون به استفاده از نظرات بخش خصوصی صراحت دارد و این مساله بارها توسط معاون حقوقی ریاست‌جمهوری در دوره قبل و الآن تأکید شده است ولی برخی به این الزامی قانونی توجهی ندارند. البته ما می‌توانیم این مساله را در سطح دیگری و در میان مدت پیگیری کنیم ولی در شرایط حاضر و کوتاه‌مدت باید تمرکز خود را بر بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۳ گذاشت و سعی کرد ایرادهای ساختاری آن اصلاح شود.

تراز بودجه ۱۴۰۳ به بهای نامتعادل شدن بودجه تولید

«۳۰۵٫۴ تراز عملیاتی منفی است. براساس اطلاعات موجود برآورد می‌شود اعتبارات عمرانی نسبت به بودجه ۱۴۰۲ تغییر پیدا نکند. عدم تغییر بودجه عمرانی زنگ خطر بودجه ۱۴۰۳ برای تحریک سرمایه‌گذاری در کشور محسوب می‌شود. دولت در بودجه سال آینده درگیر تأمین هزینه‌های جاری خود است و توجهی به تولید ندارد و موتور رشد اقتصادی خاموش خواهد بود.

«حدوداً ۴۵۰ همت کسری پیش بینی شده است که دولت احتمال از طریق افزایش فروش اوراق، برداشت از صندوق توسعه ملی، تحمیل کسری به شبکه بانکی خواهد شد و شاید بخشی هم از طریق افزایش فروش ارز به قیمت بالاتر برآورد شود درحالی که ممکن است منابع ارزی احتمالاً با محدودیت روبرو است. لذا اعمال قواعد سخت برای بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد کشور ادامه خواهد یافت.

«با توجه به موانعی که در زمینه نقل و انتقال پول، احتمال تشدید تحریم‌ها و تشدید تنش در اقتصاد کشور وجود دارد، دسترسی به تسهیلات مالی خارجی پیش‌بینی شده بعید به نظر می‌رسد.

«کاهش ۲ واحد درصدی حقوق گمرکی واردات ماشین‌آلات و مواد اولیه خطوط تولید، نسبت به سال ۱۴۰۲ تا حدی هزینه تولید را کاهش



خصوص سایر حقوق‌بگیران تحمیل خواهد کرد، علاوه بر آن با تشدید تورم منجر به کاهش تقاضا و رکود و در نتیجه کاهش تولید می‌گردد.

«بر کسی پوشیده نیست که یکی از چالش‌های مهم تمامی فعالان اقتصادی در شرایط فعلی حفظ و نگهداشت نیروی انسانی و جلوگیری از فرار نیروهای متخصص است. از طرف دیگر به گواهی مراجع رسمی نرخ خط فقر برای خانواده ۴ نفره در حدود درآمد ماهیانه ۲۰۰ میلیون ریال است. با این شرایط مشخص نیست به استناد چه تحلیلی معافیت مالیات حقوق دربند «ث» تبصره ۱۵ لایحه پیشنهادی برای سال ۱۴۰۳ تنها ماهیانه ۱۲۰ میلیون ریال در نظر گرفته شده و از طرف دیگر حداکثر نرخ مالیات حقوق در پله آخر به ۳۰ درصد می‌رسد. موضوع اخیر متأسفانه ایراد قوانین بودجه دو سال اخیر نیز بوده است به‌گونه‌ای که حداکثر نرخ مالیات موضوع ماده ۱۳۱ قانون مالیات مستقیم در مورد اشخاص حقیقی ۲۵ درصد است یعنی یک شخص حقیقی که در فعالیت‌های واسطه‌گری فعالیت دارد با فرض شفافیت کامل حداکثر ۲۵ درصد آن هم چندین ماه بعد از پایان سال مالیات می‌پردازد درحالی که یک حقوق‌بگیر متخصص که بنا به شایستگی‌هایش حقوق بالاتری دریافت می‌کند (بدون شک بسیار کمتر از آنچه در خارج از کشور قابلیت دریافت آن را دارد) قبل از دریافت حقوقش باید حداکثر ۳۰ درصد مالیات پرداخت کند که علاوه بر اینکه ظلم بزرگی بر حقوق‌بگیران است منجر به تحمیل بار اضافی برای جبران آن به کارفرمایان آنها که اکثراً از صنف تولیدکنندگان هستند به





می‌دهد و این نکته مثبتی است.

*جدول مربوط به منابع و مصارف هدفمندی یارانه‌ها در لایحه بودجه ۱۴۰۳ حذف شده است؛ از این رو نمی‌توان تبیین کرد که سیاست دولت در سال آینده در مورد افزایش قیمت انرژی مصرفی بخش تولید (قیمت بنزین، نفت گاز و نرخ خوراک پتروشیمی‌ها) چیست؟ تا وقتی دولت هزینه‌های خود را کنترل نکند، حتی با وجود افزایش درآمدهای مالیاتی، در پوشش هزینه‌های جاری از طریق درآمدها همچنان دچار مشکل بوده و ناچار به انتشار اوراق فروش شرکت‌ها خواهد شد. از طرفی ممکن است در حوزه انرژی تصمیم‌گیری‌های بخواهد داشت ولی ردپای آن در لایحه بودجه دیده نمی‌شود.

*بر اساس تبصره ۱۱ لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، به دولت اجازه داده می‌شود به منظور حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، حقوق گمرکی کلیه ماشین‌آلات و تجهیزات، قطعات، مواد اولیه و واسطه‌های تولیدی را به دو درصد کاهش دهد. گفتنی است حقوق گمرکی موارد مذکور، در بودجه سال گذشته ۴ درصد منظور شده بود. همچنین به دولت مجوز داده شد تا حقوق گمرکی و مالیات ارزش افزوده واردات کالاهای اساسی، دارو، ملزومات مصرفی پزشکی و شیرخشک مخصوص اطفال را به یک درصد کاهش دهد.

*در پایان خاطرنشان می‌سازد هر کدام از مباحث فوق‌الذکر بر اساس تحلیل‌های دقیق و موشکافانه قابلیت تحلیل و بررسی بیشتر داشته و در صورت عدم کارشناسی مناسب آثار زیان باری را در سال آینده به دنبال خواهد داشت.

طریق مالیات‌دهندگان قانونمند اعمال شود، توجیه‌پذیر نیست.

*بخشودگی مالیاتی ۷ درصدی تولیدکنندگان، سهم ۴۰ درصدی صندوق توسعه ملی، کاهش کسری تراز عملیاتی نسبت به سال جاری و کاهش درآمد نفتی برای تامین بودجه از جمله نقاط قوت این لایحه است. *با توجه به اینکه سال ۱۴۰۳ اولین سال اجرای برنامه توسعه هفتم است و بودجه معمولاً یک برنامه یک‌ساله از برنامه ۵ ساله محسوب می‌شود، باید چگونگی دستیابی به اهداف برنامه در بودجه پایه‌گذاری شود ولی در لایحه پیشنهادی بودجه به‌رغم ذکر هدف رشد ۷ درصدی و کاهش تورم به حدود ۳۰ درصد، چگونگی دستیابی به اهداف ذکر شده مشخص نیست. همچنین در لایحه بودجه پیشنهادی بیش‌برآوردی درآمدها و کم‌برآوردی هزینه‌ها از اشکالات عمده است؛ به نحوی که برابر جدول مورد محاسبه مرکز پژوهش‌های مجلس در جدول ارائه شده برای نحوه کسب درآمد و تقسیم یارانه‌ها حدود ۲۷۱ همت کسری مشاهده می‌شود.

*بلاتکلیفی ۴۲۹ همت خالص بدهی دولت به بانک‌ها و ۱۱۹ همت خالص بدهی شرکت‌ها و موسسات دولتی به سیستم بانکی، عدم ارایه برنامه‌ای برای رفع ناترازی بانک‌ها، عدم ایفای تعهدات سالانه دولت به تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بازنشستگی، تداوم روند معیوب یارانه انرژی و همچنین دخالت دادن بودجه در امر پولی و ایجاد تکلیف برای منابع بانکی از دیگر ضعف‌های این لایحه است.

*با توجه به اینکه ادامه روند فعلی تنظیم بودجه، کشور را از مشکلات رهایی نمی‌بخشد، به نظر می‌رسد اقداماتی نظیر حرکت به سمت برنامه‌محوری، سبک شدن بدنه دولت و انجام وظیفه سیاست‌گذاری، کاهش هزینه‌ها و حذف بودجه دستگاه‌های موازی، بررسی و حذف بودجه

نگرانی فعالان اقتصادی از بودجه سال ۱۴۰۳

*هزینه‌ها در بودجه سال آینده یک هزار و ۸۰۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده که نسبت به رقم پیش‌بینی شده در سال گذشته ۱۹٫۵ درصد افزایش داشته است. به‌طور کلی بودجه کل کشور از سه طریق هزینه‌های جاری به میزان ۷۳ درصد کل، هزینه‌های عمرانی به میزان ۱۵ درصد کل و تملک دارایی‌های مالی به مقدار ۱۲ درصد کل مصرف می‌شود. بنابراین، باتوجه به اینکه تورم در حال حاضر در کانال بین ۴۰ تا ۵۰ درصدی قرار دارد پیش‌بینی شده در آخر امسال نرخ تورم ۴۰ درصد و در سال آینده ۳۰ درصد شود که تحقق آن بعید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، رشد ۱۸ درصدی مصارف نشان‌دهنده انقباضی بودن بودجه پیشنهادی است.

*عدم رشد بودجه عمرانی باعث تضعیف زیر بناها و عدم رشد سرمایه‌گذاری و نهایتاً عدم رشد اقتصادی ۷ درصدی پیش‌بینی شده در سال آینده خواهد شد.

*از ۱۴۹۸ همت درآمد پایدار پیشنهادی که حدود ۶۱ درصد کل منابع را تشکیل می‌دهد، ۱۱۲۲ همت و به میزان ۷۵ درصد از طریق مالیات‌ها حاصل خواهد شد. همچنین ۱۴۲ همت معادل ۹٫۴ درصد نیز از محل مالیات بر واردات، ۶۰ همت معادل حدود ۴ درصد از طریق سود سهام شرکت‌های دولتی و در عین حال، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت، بهره مالکانه و حقوق دولتی، فروش کالا و خدمات سایر درآمدها در این پیش‌بینی لحاظ شده است.

*درآمد مالیاتی با حدود ۵۰ درصد، رشدی معادل ۱۱۲۲ همت را در لایحه بودجه ۱۴۰۳ تجربه کرده است و در صورتی که این افزایش‌ها از

تحلیل مالیات به زبان بخش خصوصی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳
 معافیت مالیاتی درآمد متوسط ماهانه تا ۱۰ میلیون تومان
 *تبصره ۱۶ لایحه بودجه سال آینده تحت عنوان نظام اداری و حقوق
 و دستمزد، تکلیف معافیت مالیاتی و مالیات مجموع درآمد اشخاص
 حقیقی را مشخص کرده است. نکته قابل تامل این جاست که دولت اخیراً
 لایحه مالیات مجموع درآمد را به مجلس فرستاد. در صورت تصویب این
 لایحه در مجلس و اجرای آن در سال آینده، به جای آنکه درآمد صرف
 بخش‌های اقتصادی و مشاغل برای محاسبه مالیات یا معافیت مالیاتی
 مدنظر قرار گیرد، مجموع درآمد سالانه اشخاص مبنای محاسبه مالیات
 خواهد بود. ضمن اینکه در قالب این مالیات، هزینه‌های قابل قبول مالیاتی
 نظیر آموزش، درمان، اجاره یا اقساط تسهیلات مسکن نیز به عنوان هزینه
 قابل قبول مالیاتی از سرجمع درآمدهای خانوار کسر می‌شود.
 *با این اوصاف، در لایحه بودجه سال آینده، سقف معافیت مالیاتی
 سالانه، ۱۲۰ میلیون تومان (معادل متوسط ماهانه ۱۰ میلیون تومان) تعیین
 شده است اما نکته عجیب این است که این سقف نسبت به قانون بودجه
 امسال تغییری نکرده است. به این ترتیب با توجه به افزایش ۱۸ درصدی
 حقوق کارمندان و ۲۰ درصدی حقوق بازنشستگان، بخش بیشتری از درآمد
 حقوق بگیران مشمول مالیات می‌شود و در حقیقت بخشی از افزایش حقوق
 کارمندان به عنوان مالیات از آنها کسر خواهد شد.
 *جزییات نرخ مالیات مجموع درآمد مازاد ۱۲۰ میلیون تومان درآمد
 سالانه نیز به شرح جدول روبه رو خواهد بود.

افزایش یک درصدی مالیات بر مصرف
 *مالیات ارزش افزوده عنوان پایه مالیاتی است که در فاکتورهای خرید
 درج می‌گردد. از این مالیات به عنوان مالیات بر مصرف یاد می‌شود که
 البته کارکردهای دیگر نظیر شفافیت زنجیره عرضه کالا را هم دارد.
 نرخ این مالیات‌ها تاکنون ۹ درصد بوده است. با این حال به پیشنهاد
 دولت، این رقم در لایحه بودجه سال آینده ۱۰ درصد تعیین شده است.
 این موضوع موجب می‌شود تا احتمالاً از این منظر شاهد افزایش اندک
 کالاهای مشمول این مالیات در سال آینده باشیم.

تعریف خودروها و املاک لوکس برای مالیات
 *بند ۶ تبصره ۶ لایحه بودجه سال آینده خودروهایی گران قیمت را
 به این شرح مشمول مالیات کرده است: انواع خودروی سواری... دارای
 پلاک شخصی که قیمت روز آنها بیش از ۳ میلیارد تومان است، نسبت به
 مازاد این مبلغ مشمول مالیات سالانه خودرو به نرخ یک درصد می‌شوند.
 *از سوی دیگر طبق بند ۷ این لایحه نیز املاک گران قیمت به این
 شرح مشمول مالیات خواهند شد: زمین‌های فاقد اعیانی دارای کاربری
 مسکونی، اداری و تجاری، باغ و ویلاهای مجاز (با احتساب عرضه و اعیان)
 و واحدهای مسکونی که ارزش آنها بیش از ۲۵ میلیارد تومان باشد، مازاد
 بر این مبلغ مشمول مالیات به میزان دو در هزار می‌شوند. این مالیات
 برعهده شخصی است که در ابتدای سال مالک املاک فوق بوده است.



دستگاه‌هایی که به تدریج به بودجه کشور تحمیل شده است و رقابتی شدن
 فضای کسب و کار به بهبود شرایط کمک کند.

*رقم بودجه محیط زیست، ۱۲/۰ درصد کل بودجه سال آینده است که
 رقم بسیار ناچیزی است. از جمله دلایل کسری بودجه طی سال‌های اخیر
 را تداوم تحریم‌ها و دشواری‌های مربوط به فروش نفت از سوی کشور
 است و هزینه‌های ناکارآمد باید حذف شود.

*کسری در بودجه کشور و افزایش نقدینگی به افزایش تورم خواهد
 انجامید و ثبات قیمت‌ها عملاً معنی نخواهد داشت، سیاست قیمت‌گذاری
 دستوری که دولت‌ها در طول سال‌های گذشته در پیش گرفته‌اند، به
 سرکوب تولید در کشور دامن زده است.

*دولت در لایحه بودجه سال آینده، ردیفی برای پرداخت بدهی‌هایش
 به بخش خصوصی که رقم آن به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بالغ می‌شود،
 در نظر گرفته باشد که تعیین مالیات برای صادرات، ابتکار اشتباهی است
 که دولت در پیش گرفته است.

*بخش عمده‌ای از هزینه‌ها در بودجه کشور، به هزینه‌های جاری و حقوق
 و دستمزدها مربوط می‌شود. کوچک‌سازی دولت ممکن است به کاهش
 اشتغال نیز بینجامد که راهکارها برای این رویکرد نیز باید اندیشیده شود.

*بخش تراز منفی تجاری کشور پنهان این وضعیت، ناشی از کالاهای
 قاچاق و ارز مصرفی برای آن است که به تشدید ناترازی در تجار خارجی
 کشور دامن زده است.





منابع همسان‌سازی و متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و کسری بودجه را از جمله ایرادات مجلس به لایحه بودجه سال آینده بود.

* اما به هر حال در این مدت یکی از بخش‌های منقشه‌برانگیز بودجه سال آینده، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت بوده است. چراکه همانطور که اشاره شد، در لایحه بودجه ۱۴۰۳، از کل ۱۱۲۲ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی در نظر گرفته شده برای سال آینده، سهم مالیات اشخاص حقوقی بیش از ۴۵۰ هزار میلیارد تومان، مالیات بر درآمدها بیش از ۱۵۲ هزار میلیارد تومان، مالیات بر ثروت بیش از ۴۹ هزار میلیارد تومان و مالیات بر کالاها و خدمات بیش از ۴۶۹ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است.

* یکی از مواردی که در بخش درآمدهای مالیاتی دیده شده، افزایش مالیات بر ارزش افزوده است. بر این اساس در سال ۱۴۰۳، نرخ مالیات بر ارزش افزوده موضوع ماده (۷) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سوم اردیبهشت ۱۴۰۰ به میزان یک واحد درصد (یک درصد) افزایش می‌یابد و به ۱۰ درصد می‌رسد. درآمد حاصل از این بخش هم قرار است صرف متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان لشگری و کشوری و والدین شهدا شود.

* افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند منجر به افزایش تورم شود و بر قیمت همه اقلام مصرفی خانوار اثر بگذارد و یک عامل کاهنده رفاه خانوار است. دراصل وقتی صحبت از مالیات است، بحث معمولاً مالیات بر ثروت است که یعنی طبقاتی که ثروت‌های بسیار زیادی دارند باید بیشتر مالیات پرداخت کنند. اما این رویکرد مالیاتی مثل افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده، بیشتر دهک‌های میانی و پایین جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

توقیف و برداشت از حساب بدهکاران مالیاتی * بند دال تبصره ۶ لایحه بودجه سال آینده به یک دسترسی ویژه به سازمان مالیاتی برای برداشت از حساب بدهکاران اشاره دارد. در این بند آمده است: به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی و وصول به موقع درآمدهای مالیاتی، بانک مرکزی مکلف است ضمن ایجاد دسترسی برای سازمان امور مالیاتی کشور به سامانه‌های موجود از جمله سیاق و سرآمد و حسب درخواست سازمان امور مالیاتی کشور، نسبت به توقیف و برداشت از حساب یا حساب‌های بدهکاران مالیاتی به صورت سیستمی و برخط و بر اساس سامانه‌های موجود اقدام کرده و وجوه مربوط را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز کند.

حساب‌های غیر تجاری که به‌طور خودکار مشمول مالیات می‌شوند. * تفکیک حساب‌های تجاری و شخصی، موضوعی است که در سال‌های اخیر به انجام رسیده و طبق آن حساب‌های تجاری مشمول قوانین ویژه‌ای نظیر مدنظر قرار گرفتن آنها در بحث مالیات شده‌اند. به عنوان مثال روزنامه ایران در ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ به نقل از «بک نظر» رییس مرکز آموزش و برنامه‌ریزی سازمان مالیاتی آورده است که: طبق دستورالعمل بانک مرکزی، شاخص‌های شناسایی حساب تجاری دارا بودن ۱۰۰ تراکنش ماهانه به ارزش ۳۵ میلیون تومان است. با این اوصاف لایحه بودجه سال آینده در بند ۶ تبصره آورده است: در صورتی که جمع مبلغ و دفعات واریز به حساب‌های غیرتجاری هر شخص حقیقی در هر ماه، از جمع مبلغ و دفعات واریزی که تا پایان اردیبهشت سال ۱۴۰۳ توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود، بیشتر باشد، اثبات درآمدی نبودن تراکنش‌ها و ارایه اسناد و مدارک به عهده صاحب حساب است.

یک تخفیف مالیاتی ویژه در راستای قانون حمایت از خانواده و دهه شصتی‌ها

* لایحه بودجه سال آینده یک تسهیل مالیاتی ویژه در راستای قانون حمایت از خانواده هم دارد. بر این اساس طبق جزو ۹ بند ش تبصره ۶، اشخاص حقیقی موضوع ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم با رعایت شرط مذکور در قانون حمایت از خانواده علاوه بر اعمال معافیت مذکور به ازای فرزند سوم و بیشتر در سال ۱۴۰۳ مشمول ۱۵ درصد افزایش در تخفیف مالیاتی می‌شوند. در خصوص والدین دهه شصتی، این تخفیف مالیاتی ۳۰ درصد خواهد بود.

* در لایحه بودجه ۱۴۰۳، منابع عمومی دولت در بودجه با رشد ۱۸.۲ درصدی، ۲۴۶۲ هزار میلیارد تومان و درآمدهای پایدار نیز با رشد ۴۱.۹ درصدی به ۱۴۹۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. همچنین در بخش درآمدهای پایدار دولت، درآمدهای مالیاتی بیشترین سهم را دارد که با رشد ۴۹.۸ درصدی نسبت به سال جاری، ۱۱۲۲ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. درآمد حاصل از حقوق ورودی در رتبه بعدی قرار دارد که ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بوده که ۳.۸ درصد منفی بوده است. اما این لایحه توانست موافقت مجلس را دریافت کند و هفته گذشته نمایندگان در جلسه علنی با کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ مخالفت کردند.

* دیده نشدن برنامه هفتم به‌طور کامل در لایحه، افزایش نزدیک به ۵۰ درصدی مالیات و اثرات احتمالی آن بر تولید و معیشت مردم، افزایش حدود ۳۶ درصدی فروش اوراق به عنوان یک منابع ناپایدار، دیده نشدن

درصد درصد ظلم دیگری به حقوق بگیران است. افزایش ۳۰ درصدی مالیات از حقوق‌های بالای ۴۰ میلیونی نشان‌دهنده این است که به برخی از اقشار دوبرابر آن چیزی که می‌دهند، می‌گیرند. این در شرایطی است که باید انگیزه برای متخصصین وجود داشته باشد. وقتی متخصصان فاصله دستمزد خود را مشاهده کنند، مهاجرت نخبگان رخ می‌دهد.

آیا اجرای سیاست‌های انقباضی در این شرایط کارآمد است؟ درباره این سوال که آیا بودجه انقباضی است، پاسخ مثبت است. نرخ رشد آن نسبت به تورم پایین‌تر است و بنابراین بودجه انقباضی است. اما درباره اینکه آیا این سیاست انقباضی مثبت است یا خیر باید بگوییم وقتی سیاست‌های انقباضی را در شرایطی که کشور با تورم مواجه است اعمال می‌کنند، شرایط متفاوتی پدید می‌آید، چون ریشه تورم در این مساله نیست و تورم با این سیاست‌ها بهبود پیدا نمی‌کند و باعث رکود شدید می‌شود. بنابراین اعمال سیاست انقباضی در چنین شرایطی نه تنها باعث کاهش تورم نمی‌شود، بلکه رکود تورمی ایجاد می‌کند و این آن چیزی است که در بودجه سال ۱۴۰۳ وجود دارد.

میزان پیش‌بینی شده برای فروش اوراق مالی در حالی ۳۶.۱ درصد نسبت به سال جاری افزایش یافته که دولت سیزدهم در آغاز فعالیت خود، به‌شدت از دولت دوازدهم به دلیل فروش اوراق انتقاد می‌کرد. حال چرا خود دولت دست به فروش این اوراق زده است؟

فروختن اوراق یعنی استقراض از مردم به جای بانک مرکزی و بدهی خارجی است و یکی از بهترین روش‌ها برای تأمین بودجه دولت‌ها در چنین شرایطی است و اجرای این سیاست تورم‌زا هم نیست. اما در شرایطی که سود نرخ این اوراق ۲۰ درصد است و نرخ تورم بالای ۴۰ درصد است، مردم از آن استقبال نخواهند کرد. متأسفانه این اوراق را یا به بانک‌ها یا پیمان‌کاران طلب‌کار دولت می‌فروشند و از این نظر تأثیر چندانی ندارند.

برآوردها از کاهش ۴۳.۶ درصدی واگذاری شرکت‌های دولتی و افت ۱۶ درصدی فروش نفت در سال آینده حکایت دارند. نظر شما درباره این موارد چیست؟ آیا دولت در اجرای سیاست مولدسازی شکست خورده است؟

همانگونه که سال گذشته هم گفته بودم، برای من این مساله قابل پیش‌بینی بود و استقبال مردم برای خرید اینها بسیار کم بوده است یا در مزایده‌ها رقم‌ها بسیار بالا است و مشکلات دیگری وجود دارد که باعث شده این پیش‌بینی‌ها تحقق پیدا نکنند و عملاً این طرح‌ها شکست خورده‌اند.

کسری بودجه یکی از مسائلی است که طی سال‌های اخیر همواره با آن مواجه بوده‌ایم. شما با این اعدادی که در بودجه وجود دارد، کسری بودجه رو در چه حد پیش‌بینی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد کسری بودجه ادامه خواهد داشت و کم‌تر از ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان نخواهد بود. مگر اینکه مسائل بین‌المللی کشور حل شود و تحریم‌ها حذف شوند. در غیر این صورت اتفاق جدیدی رخ نخواهد داد و شاهد ادامه کسری بودجه خواهیم بود.



پاسخ به چند سوال محوری در خصوص لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ برای درک بهتر ساختار بودجه باید به چه عده‌هایی توجه کنیم این اعداد درباره بودجه سال ۱۴۰۳ چه چیزی به ما می‌گویند؟ بودجه یک برآوردی است که هم برای هزینه‌ها و هم درآمدها انجام می‌شود. چون ما عادت به نقد کردن داریم، ابتدا هزینه‌ها را مشخص می‌کنیم و پس از آن درآمدها را مشخص می‌شود و باقی آن به عنوان اوراق قرضه یا اسلامی می‌کنند. در واقع، هر هزینه‌ای که می‌شود درآمد آن را هم تأمین می‌کنند.

شاهد تغییر در درآمدهای نفتی در بودجه سال آینده هستیم. چرا درآمدهای مالیاتی دوبرابر درآمد نفتی است؟

سه‌م درآمد نفت و مالیات دو عدد مهم هستند و تا الان نفت سه‌م بالاتری در بودجه داشته است. حدود ۵۰ درصد و بالاتر از آن سه‌م نفت در بودجه‌های گذشته بوده است. الان دولت خصوصاً پس از تجربه ناموفق بودجه سال جاری که نتوانست برآورد درآمدهای نفتی را محقق کند، سه‌م مالیات را دوبرابر نفت افزایش داده است. اینها رقم‌های قابل توجهی در بودجه امسال است. البته باید بر این نکته تأکید کنم که کاهش درآمد نفتی واقع بینانه است. اما افزایش درآمدهای مالیاتی به یک‌باره آن هم ۵۰ درصد قابل تأمل است. از این منظر که قابل تحقق نیست، چون ظرفیت مالیاتی کشور بیشتر از این نیست و باعث رکود و فشار به مصرف‌کنندگان می‌شود. از سوی دیگر، این افزایش حقوق‌ها در حد ۱۸ و ۲۰





جمع‌بندی

*افزایش رشد اقتصاد کلان، کنترل تورم و بهبود توزیع درآمد از اهداف اصلی بودجه است، رشد اقتصادی توأم با عدالت ۷ درصد، افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، اجرای طرح‌های پیش‌ران ملی، کاهش نرخ تورم به کف کانال ۳۰ درصد، ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و تامین امنیت غذایی و همچنین تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی از جمله اهداف و رویکردهای مهم کلان بودجه است.

*در این لایحه قیمت هر بشکه نفت ۶۵ یورو در نظر گرفته شده و مقدار صادرات نفت خام و میعانات ۱۳۵۰ بشکه در روز، نرخ تسعیر هر یورو بر مبنای دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی نیز ۳۱ هزار تومان خواهد بود. همچنین نرخ رشد ضریب حقوق کارکنان دولت ۱۸ درصد و ارزش کل واردات معادل ۶۰ میلیارد دلار برآورد شده است. رقم پیش‌بینی شده در بخش درآمدها معادل ۱۴۹۸ هزار میلیارد تومان است که نسبت به درآمدهای پیش‌بینی شده در لایحه بودجه ۱۴۰۲ معادل ۴۲ درصد رشد داشته است. درآمد حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۶۴۵ هزار میلیارد تومان و درآمد حاصل از دارایی‌های مالی ۳۱۹ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. از کل منابع در نظر گرفته شده، حدود ۶۱ درصد عمدتاً از طریق درآمد پایدار (مالیات + سود حاصل از مالکیت دولت و سایر درآمدها) تامین شده و ۲۶ درصد آن از طریق فروش نفت و اموال منقول و غیرمنقول و حدود ۱۳ درصد از طریق فروش شرکت‌های دولتی و اوراق (استقراض) حاصل خواهد شد.

*تحقق تورم هدف‌گذاری شده بعید است هزینه‌ها در بودجه سال آینده یک هزار و ۸۰۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده که نسبت به رقم پیش‌بینی شده در سال گذشته ۱۹٫۵ درصد افزایش داشته است. به‌طور کلی بودجه کل کشور از سه طریق هزینه‌های جاری به میزان ۷۳ درصد کل، هزینه‌های عمرانی به میزان ۱۵ درصد کل و تملک دارایی‌های مالی به مقدار ۱۲ درصد کل مصرف می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه تورم در حال حاضر در کانال بین ۴۰ تا ۵۰ درصدی قرار دارد پیش‌بینی شده در آخر امسال نرخ تورم ۴۰ درصد و در سال آینده ۳۰ درصد شود که تحقق آن بعید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، رشد ۱۸ درصدی مصارف نشان‌دهنده انقباضی بودن بودجه پیشنهادی است و بودجه عمرانی کنونی رشد اقتصادی در پی ندارد.

*در لایحه اصلاحی بودجه سال ۱۴۰۳ نسبت به نسخه اولیه گام‌های مثبتی برداشته شده است. دولت در نسخه اصلاحی از لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ جدولی از فروض مصارف به لایحه افزوده است که ۱۲ فرض مهم هزینه‌ای لایحه بودجه در آن درج شده است. ارایه این جدول اگرچه هنوز با نسخه مطلوب فاصله دارد ولی گامی مهم در راستای ارتقای شفافیت مصارف محسوب می‌شود. علاوه بر این بازپرداخت حداقل ۲۰ هزار میلیارد تومان از بدهی دولت به پیمانکاران که از محورهای مهم مورد مطالبه مجلس در برنامه هفتم بود در لایحه اصلاحی منظور شده است. با توجه به تأکیدات نمایندگان مجلس در جلسه بررسی کلیات لایحه بودجه بر لزوم لحاظ متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان با شاغلین هم‌تراز و تامین منابع پایدار برای آن، در لایحه اصلاحی منابع حاصل از افزایش یک واحد درصد مالیات ارزش افزوده به این موضوع اختصاص یافته است. در نظر گرفتن یک درصد افزایش

مالیات بر ارزش افزوده برای موضوع متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان به دلیل ماهیت پایدار آنکه منجر به افزایش سقف استقراض دولت نمی‌شود، نکته مثبت نسخه اصلاحی لایحه بودجه اصلاحی دولت است.

*در زمینه وظایف اساسی دولت، از یک طرف چالش کنترل کسری بودجه و تورم، دولت را در مضیقه قرار می‌دهد و از طرف دیگر با توجه به شرایط اقتصاد کلان و نیازهای قابل توجه از حیث سرمایه‌گذاری و ارایه کالاها و خدمات عمومی در عرصه‌هایی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و درمان، دولت وظایف مهمی را برعهده دارد که رسیدگی به آنها نیازمند صرف حجم قابل توجهی از منابع است. در این شرایط تنها مسیر مناسب برای تحقق توأم هر دو دغدغه، تلاش برای افزایش منابع مناسب و بهبود وضعیت کالاها و خدمات عمومی است.

*به نظر می‌رسد با توجه تورم‌های بالای چند سال اخیر و نتایج اقتصاد کلان مرتبط با آن در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ دغدغه‌های مرتبط با کنترل کسری بودجه پررنگ‌تر از دغدغه‌های مرتبط با پوشش وظایف دولت نظیر ارایه کالاها و خدمات عمومی و سرمایه‌گذاری بوده است. یکی از نقاط قوت لایحه بودجه ۱۴۰۳ تلاش در جهت کنترل کسری بودجه و همچنین رویکرد دولت در برآورد دقیق‌تر منابع و جلوگیری از بیش برآوردی منابع است. در عین حال نقطه ضعف آن، عدم در نظر گرفتن تدابیر لازم برای بسط منابع است.

*یکی از مهم‌ترین مواردی از منابع و مصارف که از شفافیت لازم برخوردار نیست و ابتکارات درآمدی و هزینه‌ای دولت در رابطه با آن نامشخص است، منابع و مصارف هدفمندسازی یارانه‌ها است. در لایحه صرفاً سرجمع منابع و مصارف هدفمندی اعلام شده و جزئیات آن حداقل در مرحله اول ارایه لایحه بودجه مشخص نشده است که در جزئیات می‌تواند موجب بروز مشکل شود. با توجه به احتمال عدم تحقق جدی منابع هدفمندی و کم برآوردی مصارف، ارایه فروض و جزئیات این بخش بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

*از دیگر نقاط ضعف مهم لایحه بودجه که در نسخه اصلاحی نیز برطرف نشده، می‌توان به تداوم روند معیوب گذشته در رابطه با یارانه‌های انرژی علی‌رغم تشدید ناترازی انرژی و تصویب احکام مهم اصلاحی در مصوبه برنامه هفتم توسعه اشاره کرد؛ همچنین تثبیت نرخ ارز کالاهای اساسی که زمینه ساز سیاست‌های شوک درمانی در سال‌های آینده است از دیگر نقاط ضعف مهم لایحه بودجه در نسخه اولیه و اصلاحی است.

*ارتباط لایحه بودجه با مصوبه برنامه هفتم اگرچه در نسخه اصلاحی ارایه شده تقویت شده است (در حوزه‌هایی مانند متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان، تأدیه بدهی‌های پیمانکاران طرح‌های عمرانی، در اولویت قرار گرفتن تکمیل و نهایی‌سازی طرح‌های عمرانی نیمه تمام به عنوان تکلیف سیاست‌های کلی و...)، لیکن در رابطه با حوزه‌هایی مثل ناترازی بانک‌ها، سرمایه‌گذاری در پیش‌ران‌ها و موضوع بهینه‌سازی مصرف انرژی همچنان این ارتباط شفاف نبوده که لازم هست در مجلس تقویت گردد. با این حال با توجه به مشکلات احتمالی اجرای بودجه در سال آتی در مورد منابع و مصارف هدفمندی تصمیم‌گیری در مورد کلیات لایحه بودجه منوط به تعیین تکلیف و تفاهم در رابطه با منابع و مصارف این بخش است تا از مشکلات در اجرای بودجه جلوگیری شود.

نقد بودجه در اتاق تهران



لایحه بودجه ۱۴۰۳ با کمترین مشارکت بخش خصوصی و نیز اتاق بازرگانی به مثابه پرچمدار بخش خصوصی تهیه و تدوین و به مجلس ارسال شد. با این همه اتاق بازرگانی تهران در یکی از نشست‌های خود درباره لایحه بودجه نقد را در دستور کار قرار داد. البته این نقدها پس از اینکه دولت و سازمان برنامه حضور بخش خصوصی را در نشست‌های کمیسیون‌های گوناگون و نیز در کمیسیون تلفیق غیرضروری تشخیص داد در دستور کار قرار داشت. آنچه در ادامه می‌خوانید بخش‌هایی از نقد اتاق تهران بر لایحه بودجه است. ابراهیم بهادرانی مشاور عالی رییس اتاق تهران، تحلیلی از کلیات بودجه سال ۱۴۰۳ ارائه کرد. ابراهیم بهادرانی با بیان اینکه افزایش رشد اقتصاد کلان، کنترل تورم و بهبود توزیع درآمد از اهداف اصلی بودجه است، توضیح داد: رشد اقتصادی توأم با عدالت ۷ درصد، افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، اجرای طرح‌های پیشران ملی، کاهش نرخ تورم به کف کانال ۳۰ درصد، ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و تامین امنیت غذایی و همچنین تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی از جمله اهداف و رویکردهای مهم کلان بودجه است.

در این لایحه قیمت هر بشکه نفت ۶۵ یورو در نظر گرفته شده و مقدار صادرات نفت خام و میعانات ۱۳۵۰ بشکه در روز، نرخ تسعیر هر یورو بر مبنای دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی نیز ۳۱ هزار تومان خواهد بود. همچنین نرخ رشد ضریب حقوق کارکنان دولت ۱۸ درصد و ارزش کل واردات معادل ۶۰ میلیارد دلار برآورد شده است، رقم پیش‌بینی شده در بخش درآمدها معادل یک هزار و ۴۹۸ هزار میلیارد تومان است که نسبت به درآمدهای پیش‌بینی شده در لایحه بودجه ۱۴۰۲ معادل ۴۲ درصد رشد داشته است. درآمد حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۶۴۵ هزار میلیارد تومان و درآمد حاصل از دارایی‌های مالی ۳۱۹ هزار میلیارد تومان تعیین شده است.

از کل منابع در نظر گرفته شده، حدود ۶۱ درصد عمدتاً از طریق درآمد پایدار (مالیات) + سود حاصل از مالکیت دولت و سایر درآمدها) تامین شده و ۲۶ درصد آن از طریق فروش نفت و اموال منقول و غیرمنقول و حدود ۱۳ درصد از طریق فروش شرکت‌های دولتی و اوراق (استقراض) حاصل خواهد شد.

باعث تضعیف زیر بناها و عدم رشد سرمایه‌گذاری و نهایتاً عدم رشد اقتصادی ۷ درصدی پیش‌بینی شده در سال آینده خواهد شد. از ۱۴۹۸ همت درآمد پایدار پیشنهادی که حدود ۶۱ درصد کل منابع را تشکیل می‌دهد، ۱۱۲۲ همت و به میزان ۷۵ درصد از طریق مالیات‌ها حاصل خواهد شد. همچنین ۱۴۲ همت معادل ۹،۴ درصد نیز از محل مالیات بر واردات، ۶۰ همت معادل حدود ۴ درصد از طریق سود سهام شرکت‌های دولتی و در عین حال، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت، بهره مالکانه و حقوق دولتی، فروش کالا و خدمات سایر درآمدها در این پیش‌بینی لحاظ شده است. درآمد مالیاتی با حدود ۵۰ درصد، رشدی معادل ۱۱۲۲ همت را در لایحه بودجه ۱۴۰۳ تجربه کرده است و در صورتی که این افزایش‌ها از طریق

بودجه انقباضی

هزینه‌ها در بودجه سال آینده یک هزار و ۸۰۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده که نسبت به رقم پیش‌بینی شده در سال گذشته ۱۹،۵ درصد افزایش داشته است. به‌طور کلی بودجه کل کشور از سه طریق هزینه‌های جاری به میزان ۷۳ درصد کل، هزینه‌های عمرانی به میزان ۱۵ درصد کل و تملک دارایی‌های مالی به مقدار ۱۲ درصد کل مصرف می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه تورم در حال حاضر در کانال بین ۴۰ تا ۵۰ درصدی قرار دارد پیش‌بینی شده در آخر امسال نرخ تورم ۴۰ درصد و در سال آینده ۳۰ درصد شود که تحقق آن بعید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، رشد ۱۸ درصدی مصارف نشان‌دهنده انقباضی بودن بودجه پیشنهادی است. عدم رشد بودجه عمرانی



نیز به سرکوب قیمت‌ها اشاره کرد و با بیان اینکه کسری در بودجه کشور و افزایش نقدینگی به افزایش تورم خواهد انجامید و ثبات قیمت‌ها عملاً معنی نخواهد داشت، افزود: سیاست قیمت‌گذاری دستوری که دولت‌ها در طول سال‌های گذشته در پیش گرفته‌اند، به سرکوب تولید در کشور دامن زده است.

کاوه زرگران، رییس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت اتاق تهران، مساله میزان بودجه خرید گندم در این لایحه و زیان انباشته شرکت بازرگانی دولتی را جویا شد و با اشاره به قیمت گندم در بازارهای جهانی عنوان کرد که هم‌اکنون قیمت گندم باکیفیت روسیه رقمی حدود ۶۰۰ هزار و ۶۰۰ تومان است.

حمیدرضا صالحی، دیگر عضو هیات نمایندگان، نیز با اشاره به اینکه به نظر نمی‌رسد که دولت در لایحه بودجه سال آینده، ردیفی برای پرداخت بدهی‌هایش به بخش خصوصی که رقم آن به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بالغ می‌شود، در نظر گرفته باشد، تصریح کرد که تعیین مالیات برای صادرات، ابتکار اشتباهی است که دولت در پیش گرفته است. عباس آرگون، عضو هیات ریسه اتاق تهران نیز به وجود نابرابری و ناترازی‌ها در اقتصاد کشور اشاره کرد و یادآور شد که منابع و مصارف یارانه‌ها باید مشخص شود.

شهاب جوانمردی دیگر عضو هیات ریسه اتاق تهران نیز به ضرورت کوچک‌سازی دولت با واگذاری شرکت‌های دولتی، اشاره کرد و با بیان اینکه بخش عمده‌ای از هزینه‌ها در بودجه کشور، به هزینه‌های جاری و حقوق و دستمزدها مربوط می‌شود، افزود: کوچک‌سازی دولت ممکن است به کاهش اشتغال نیز بینجامد که راهکارها برای این رویکرد نیز باید اندیشیده شود.

علیرضا کیانی دیگر عضو هیات نمایندگان نیز به موضوع تراز منفی تجاری کشور اشاره کرد و یادآور شد که بخش پنهان این وضعیت، ناشی از کالاهای قاچاق و ارز مصرفی برای آن است که به تشدید ناترازی در تجار خارجی کشور دامن زده است.

امین مقدم دیگر عضو هیات نمایندگان نیز، به احتمال افزایش رقم مالیات ارزش افزوده در لایحه بودجه سال آینده اشاره کرد و یادآور شد که میزان کنونی، مشکلات عدیده‌ای را برای بخش اقتصادی کشور ایجاد کرده است و ضرورت دارد که اتاق بازرگانی عدم افزایش رقم مالیات ارزش افزوده را از دولت مطالبه کند.



انرژی و همچنین دخالت دادن بودجه در امر پولی و ایجاد تکلیف برای منابع بانکی از دیگر ضعف‌های این لایحه است که ابراهیم بهادری به آن اشاره کرد. با توجه به اینکه ادامه روند فعلی تنظیم بودجه، کشور را از مشکلات رهایی نمی‌بخشد، به نظر می‌رسد اقداماتی نظیر حرکت به سمت برنامه‌محوری، سبک شدن بدنه دولت و انجام وظیفه سیاست‌گذاری، کاهش هزینه‌ها و حذف بودجه دستگاه‌های موازی، بررسی و حذف بودجه دستگاه‌هایی که به تدریج به بودجه کشور تحمیل شده است و رقابتی شدن فضای کسب‌وکار به بهبود شرایط کمک کند. (فایل تحلیل کلیات لایحه بودجه)

نگرانی فعالان اقتصادی از بودجه سال ۱۴۰۳

پس از تحلیل لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کشور از سوی ابراهیم بهادری، اعضای هیات نمایندگان نیز نظرات خود پیرامون این سند را مطرح کردند. وی گفت: رقم بودجه محیط زیست، ۰/۱۲ درصد کل بودجه سال آینده است که رقم بسیار ناچیزی است. او از جمله دلایل کسری بودجه طی سال‌های اخیر را تداوم تحریم‌ها و دشواری‌های مربوط به فروش نفت از سوی کشور عنوان کرد و افزود: هزینه‌های ناکارآمد باید حذف شود.

محمدرضا نحفی‌منش، رییس کمیسیون بهبود محیط کسب‌وکار و رفع موانع تولید اتاق تهران،

مالیات‌دهندگان قانونمند اعمال شود، توجیه‌پذیر نیست. ابراهیم بهادری در ادامه با تشریح سایر اجزای بودجه به بیان نقاط ضعف و قوت این لایحه پرداخت و گفت: بخشودگی مالیاتی ۷ درصدی تولیدکنندگان، سهم ۴۰ درصدی صندوق توسعه ملی، کاهش کسری تراز عملیاتی نسبت به سال جاری و کاهش درآمد نفتی برای تامین بودجه از جمله نقاط قوت این لایحه است.

با توجه به اینکه سال ۱۴۰۳ اولین سال اجرای برنامه توسعه هفتم است و بودجه معمولاً یک برنامه یکساله از برنامه ۵ ساله محسوب می‌شود، باید چگونگی دستیابی به اهداف برنامه در بودجه پایه‌گذاری شود ولی در لایحه پیشنهادی بودجه به‌رغم ذکر هدف رشد ۷ درصدی و کاهش تورم به حدود ۳۰ درصد، چگونگی دستیابی به اهداف ذکر شده مشخص نیست. همچنین در لایحه بودجه پیشنهادی بیش‌برآوردی درآمدها و کم‌برآوردی هزینه‌ها از اشکالات عمده است؛ به نحوی که برابر جدول مورد محاسبه مرکز پژوهش‌های مجلس در جدول ارایه شده برای نحوه کسب درآمد و تقسیم یارانه‌ها حدود ۲۷۱ همت کسری مشاهده می‌شود.

بالاتکلیفی ۴۲۹ همت خالص بدهی دولت به بانک‌ها و ۱۱۹ همت خالص بدهی شرکت‌ها و موسسات دولتی به سیستم بانکی، عدم ارایه برنامه‌ای برای رفع ناترازی بانک‌ها، عدم ایفای تعهدات سالانه دولت به تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بازنشستگی، تداوم روند معیوب یارانه

زیر ذره بین نهاد پژوهشی



تاسیس نهاد پژوهشی در اتاق بازرگانی ایران در سال‌های تازه سپری شده یک راهبر کامیاب بوده است. این نهاد با استفاده از پژوهشگران ورزیده و شهامت کارشناسانه تا اینجا کار بسیار موفق بوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس با نقد کارشناسانه لایحه بودجه ۱۴۰۳ گام بزرگی در مسیر اصلاح ساختار بودجه برداشته است. آنچه در ادامه می‌خوانید نقد بودجه ۱۴۰۳ بر لایحه بودجه است.

قیمت نفت

طبق این گزارش، «بودجه کل کشور» در سال آینده به ۶ هزار و ۴۷۸ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به قانون بودجه سال جاری ۲۹،۷ درصد رشد کرده است. طبق ارقام درج شده در گزارش اتاق ایران و همچنین لایحه بودجه سال آینده، فرض دولت بر این است که در سال ۱۴۰۳ روزانه یک میلیون و ۳۵۰ هزار بشکه نفت را با قیمت هر بشکه ۶۵ یورو به فروش برساند. نرخ تسعیر یورو به ریال نیز در این سند ۳۱ هزار تومان در نظر گرفته شده است. بر این اساس، درآمد نفتی و گازی در سال آینده به ۵۸۲،۷ هزار میلیارد تومان خواهد رسید که ۳،۵ درصد نسبت به قانون بودجه سال جاری کاهش یافته است. به گفته مرکز پژوهش‌های اتاق ایران مازاد بر این درآمد نفتی، ۱۳۶،۸ هزار میلیارد تومان نیز در قالب حواله نفت خام یا میعانات گازی برای تقویت بنیه دفاعی پیش بینی شده است.

مالیات

همچنین درآمدهای مالیاتی نیز از ۷۴۸ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال جاری به یک هزار و ۱۲۲ هزار میلیارد تومان در لایحه بودجه ۱۴۰۳ افزایش یافته است. از این رقم، ۴۰،۲ درصد از طرف مالیات بر اشخاص حقوقی، ۱۳،۵ درصد از محل مالیات بر درآمدها، ۴،۴ درصد از طریق مالیات بر ثروت و ۴۱،۹ درصد از محل مالیات بر کالاها و خدمات به دست خواهد آمد. بنابراین به‌طور کلی درآمدهای مالیاتی دولت در سال آینده نزدیک به ۵۰ درصد نسبت به سال جاری افزایش یافته است.

بودجه ۱۴۰۳ مبهم است

طبق گزارش اتاق ایران، بودجه سال ۱۴۰۳ در دو بخش (مرحله) به مجلس تقدیم می‌شود؛ بخش اول شامل احکام، سقف منابع، سقف واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای، منابع هدفمندی یارانه‌ها و مفروضات است. بخش دوم، جدول تفصیلی را شامل می‌شود که پس از تصویب و ابلاغ بخش اول قابل ارایه است. در حال حاضر، فقط بخش اول با حداقلی از اطلاعات به مجلس تقدیم شده است. اطلاعات درج شده در این بخش، امکان ارزیابی سیاست‌های بودجه‌ای دولت و آثار آن بر اقتصاد ملی را برای عموم مردم و به ویژه فعالان اقتصادی فراهم نمی‌کند. برای مثال، جدول هدفمندسازی یارانه‌ها از این لایحه حذف شده است. بنابراین مرکز پژوهش‌های اتاق ایران بودجه سال آینده را «مبهم» توصیف کرده است. پیش‌تر رئیس اتاق ایران نیز در مورد لایحه بودجه ۱۴۰۳ گفته بود: «لایحه بودجه ۱۴۰۳ نه تنها بر اصول اقتصادی و برنامه هفتم منطبق نیست، بلکه مبهم‌ترین سند بودجه از مشروطه تا کنون محسوب می‌شود و هیچ چشم‌اندازی برای سال پیش رو ارایه نمی‌دهد.» از دیگر انتقادات این مرکز به سند مالی دولت در سال آینده این است که در لایحه بودجه ۱۴۰۳ فشار مضاعفی بر بخش مولد اقتصاد کشور تحمیل خواهد شد. طبق گزارش اتاق ایران، مالیات‌های بخش تولید و خانوارها افزایش پیدا کرده است که آثار رکودی دارد. همانند سال ۱۴۰۲ قابل پیش بینی است که دولت بخش مهمی از منابع بانکی را به خود اختصاص خواهد داد و به همین دلیل منابع کافی و به موقع برای تأمین سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری جدید بخش خصوصی در دسترس نخواهد بود. در نهایت، به نظر مرکز پژوهش‌های اتاق ایران ظرفیت‌های ایجاد رشد اقتصادی در کشور بر اثر محدودیت‌های خارجی و عدم وجود منابع لازم برای سرمایه‌گذاری جدید محدود است و اراده‌ای برای تغییر ساختار دولت و متناسب‌سازی آن در حد منابع در دسترس نیز وجود ندارد. در چنین شرایطی، بودجه کارکردهای اقتصادی مثبت نخواهد بود.

زنگ خطر تحریک سرمایه‌گذاری در کشور رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نیز در این باره گفته است: ۳۰۵،۴ تراز عملیاتی منفی است. بر اساس اطلاعات موجود برآورد می‌شود اعتبارات عمرانی نسبت به بودجه ۱۴۰۲ تغییر پیدا نکند. عدم تغییر بودجه عمرانی زنگ خطر بودجه ۱۴۰۳ برای تحریک سرمایه‌گذاری در کشور محسوب می‌شود. دولت در بودجه سال آینده درگیر تأمین هزینه‌های جاری خود است و توجهی به تولید ندارد و موتور رشد اقتصادی خاموش خواهد بود. چرا کشور به این حال و روز افتاده است؟ دولت در بودجه سیاست انقباضی شدیدی در پیش گرفته و موتور رشد اقتصادی خاموش است و عملاً قرار است فشار به دولت وارد شود. در شرایط تورمی اخذ مالیات بیشتر از بنگاه و خانوار، به معنای بدتر شدن شرایط آنهاست.

بودجه سال آینده ۴۵۰ هزار میلیارد تومان کسری خواهد داشت لایحه ۱۴۰۳ مبهم‌ترین لایحه بودجه بعد از انقلاب مشروطه است. فشار دولت برای ادامه سیاست مهار تورم باعث تشدید رکود خواهد بود. حدوداً ۴۵۰ هزار میلیارد تومان کسری وجود خواهد داشت که دولت احتمالاً از طریق افزایش فروش اوراق، برداشت از صندوق توسعه ملی، تحمیل کسری به شبکه بانکی خواهد شد و شاید بخشی هم از طریق افزایش فروش ارز به قیمت بالاتر برآورد شود در حالی که ممکن است منابع ارزی احتمالاً با محدودیت روبه رو باشد. لذا اعمال قواعد سخت برای بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد کشور ادامه خواهد یافت. با توجه به موانعی که در زمینه نقل و انتقال پول، احتمال تشدید تحریم‌ها و تشدید تنش در اقتصاد کشور وجود دارد، دسترسی به تسهیلات مالی خارجی پیش بینی شده بعید به نظر می‌رسد. او ادامه داد: کاهش ۲ واحد درصدی حقوق گمرکی واردات ماشین آلات و مواد اولیه خطوط تولید، نسبت به سال ۱۴۰۲ تا حدی هزینه تولید را کاهش می‌دهد و این نکته مثبتی است. قاسمی در ادامه گفت: جدول مربوط به منابع و مصارف هدفمندی یارانه‌ها در لایحه بودجه ۱۴۰۳ حذف شده است؛ از این رو نمی‌توان تبیین کرد که سیاست دولت در سال آینده در مورد افزایش قیمت انرژی مصرفی بخش تولید (قیمت بنزین، نفت گاز و نرخ خوراک پتروشیمی‌ها) چیست؟ تا وقتی دولت هزینه‌های خود را کنترل نکند، حتی با وجود افزایش درآمدهای مالیاتی، در پوشش هزینه‌های جاری از طریق درآمدها همچنان دچار مشکل بوده و ناچار به انتشار اوراق فروش شرکت‌ها خواهد شد. از طرفی ممکن است در حوزه انرژی تصمیم‌گیری‌هایی خواهد داشت ولی ردپای آن در لایحه بودجه دیده نمی‌شود.





چند نکته درباره لایحه بودجه

دومرحله‌ای شدن فرآیند بررسی بودجه در مجلس از امسال باعث شده لایحه امسال با سال‌های قبل تفاوت‌های زیادی داشته باشد و بسیاری از جزئیات درآمدها و مخصوصاً هزینه‌های دولت در مرحله اول منتشر نشود. با وجود این، همین بخش اول لایحه هم حاوی نکات مهمی است که روی زندگی و دخل و خرج اکثر مردم تأثیر می‌گذارد.

اگرچه پایان نیافتن بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه باعث شد رییس‌جمهوری ایران طبق برنامه قبلی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ را این هفته به مجلس نبرد، ولی دولت متن این لایحه ۴۷ صفحه‌ای را منتشر کرد؛ لایحه‌ای که شامل احکام بودجه و نیز بعضی از جداول عمده آن است.

آن‌چه در ادامه می‌آید، پنج مورد از مهم‌ترین نکات این لایحه است.

۱- صرفه‌جویی از جیب کارکنان دولت و بازنشستگان

مهم‌ترین نکته درباره بودجه سال ۱۴۰۳ اصطلاحاً «انقباضی» بودن آن است؛ به این معنا که پیش‌بینی شده سطح کلی درآمدها و هزینه‌های دولت کمتر از نرخ تورم بالا برود. یعنی اگر تورم نبود، انگار بودجه دولت کاهش پیدا کرده بود. طبق لایحه، درآمدهای عمومی دولت در سال آینده دو هزار و ۴۶۲ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده که ۱۸.۲ درصد از بودجه امسال بیشتر است. در مقایسه نرخ رسمی تورم در حال حاضر بیشتر از ۴۵ درصد و انتظار می‌رود تا پایان سال به حدود ۴۰ درصد برسد. با وجود این دولت قصد دارد حقوق کارکنانش را سال آینده تنها ۱۸ درصد و حقوق بازنشستگان را تنها ۲۰ درصد بالا ببرد. به این ترتیب عملاً قدرت خرید کارمندان و بازنشستگان در سال ۱۴۰۳ از سال ۱۴۰۲ هم کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر، بار صرفه‌جویی دولت در هزینه‌هایش به دوش کارمندان و بازنشستگان انداخته شده است. این در حالی است که بازنشستگان تأمین اجتماعی بیشتر از یک سال است که هر هفته در اعتراض به سطح پایین حقوقشان در شهرهای مختلف ایران تجمع می‌کنند.

۲- بودجه غیرنفتی تر می‌شود

در نگاه اول، دولت وابستگی دولت به نفت در بودجه سال آینده کمتر شده و سهم منابع پایدار درآمدی (از جمله مالیات) در تأمین هزینه‌های دولت بالا رفته است.

طبق جداول بودجه، سهم درآمدهای نفتی از ۲۹ درصد در بودجه سال ۱۴۰۲ به ۲۴ درصد کل درآمدهای عمومی کاهش یافته و سهم مالیات و سایر درآمدهای عمومی دولت از ۵۰ درصد در بودجه امسال به تقریباً ۶۱ درصد افزایش پیدا کرده است. ولی تجربه نشان داده که دولت‌ها چندان به این جداول پایبند نیستند و هر زمان درآمدی محقق نشود، از درآمدهای نفتی واریز شده به صندوق توسعه ملی برداشت می‌کنند یا به استقراض از بانک مرکزی و نظام بانکی روی می‌آورند.

ولی تجربه نشان داده که دولت‌ها چندان به این جداول پایبند نیستند و هر زمان درآمدی محقق نشود، از درآمدهای نفتی واریز شده به صندوق توسعه ملی برداشت می‌کنند یا که به استقراض از بانک مرکزی و نظام بانکی روی می‌آورند.

۳- مالیات‌ها بالا می‌رود

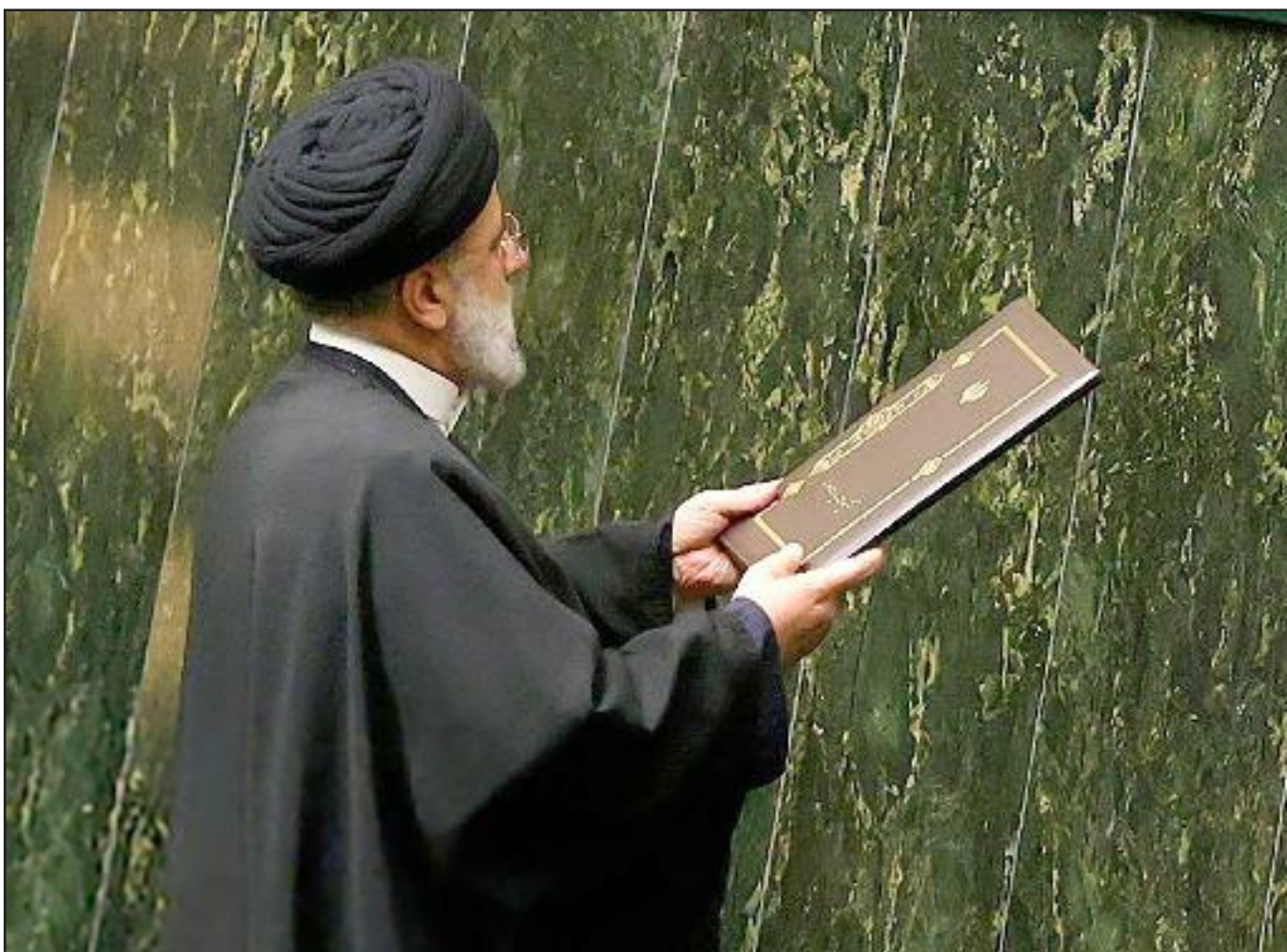
مقایسه منابع درآمدی دولت ایران در لایحه بودجه ۱۴۰۳ و قانون

بودجه ۱۴۰۲

یکی از چشمگیرترین نکات لایحه بودجه ۱۴۰۳، رشد تقریباً ۵۰ درصدی درآمدهای مالیاتی در مقایسه با بودجه قبلی است. برای رسیدن به این هدف، علاوه بر افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده از ۹ درصد به ۱۰ درصد، بر مالیات گرفتن از املاک و خودروهای گران‌قیمت تأکید کرده و علی‌رغم تورم، میزان دستمزد معاف از مالیات را در حد ماهانه ۱۰ میلیون تومان ثابت نگه داشته است. در مقابل، رقم ریالی درآمد پیش‌بینی شده از صادرات نفت، فروش اموال دولت و سهام شرکت‌های دولتی کاهش پیدا کرده‌اند. رییس سازمان برنامه و بودجه گفته بود که بیش از نیمی از درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه امسال از محل فروش اموال و سهام محقق نشده‌اند. کاهش این ارقام در بودجه سال آینده می‌تواند تلاشی برای واقع‌بینانه‌تر کردن پیش‌بینی‌ها باشد.

۴- یارانه‌ها کم‌ارزش‌تر می‌شوند

بیشتر لایحه‌ای که منتشر شده، به درآمدهای دولت اختصاص دارد و جزئیات زیادی از برنامه دولت برای چگونگی هزینه کردن این درآمدها منتشر نشده است. ولی طبق لایحه، بودجه پیش‌بینی شده برای پرداخت یارانه از ۶۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ به ۷۵۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ افزایش می‌یابد. این به معنی افزایش ۱۵ درصدی بودجه یارانه‌هاست که نه تنها از نرخ فعلی ۴۵ درصدی تورم کمتر است، بلکه از



پاسداران، شرکت‌های مرتبط با این نیروها هم احتمالاً چاره‌ای جز فروش نفت در بازار خاکستری و در نتیجه رقابت با شرکت ملی نفت ندارند؛ و احتمالاً نسبت به دولت، با مشکلات شدیدتری برای فروش و نیز دریافت پول مواجه شوند. همین در دسرهای خرید نفت از مرتبطان سپاه ممکن است باعث شود مشتریان تخفیف حتی بیشتری از آنها بخواهند.

با توجه به نرخ ارز در نظر گرفته شده در این لایحه، رقم پیش‌بینی شده برای صادرات نفت نیروهای مسلح معادل چهار میلیارد و سیصد میلیون یورو یا چهار میلیارد و هفتصد میلیون دلار است.

برای مقایسه، دولت پیش‌بینی کرده در طول سال آینده روزانه یک میلیون و ۳۵۰ هزار بشکه نفت به قیمت بشکه‌ای ۶۵ یورو (حدود ۷۱ دلار) صادر کند و پس از پرداخت سهم صندوق توسعه ملی، شرکت ملی نفت و مناطق نفت‌خیز، رقمی حدود ۱۵ میلیارد دلار برای تأمین هزینه‌های دولت به خزانه واریز می‌شود. با این حساب، درآمد نیروهای مسلح از محل صادرات نفتی تنها برای «تقویت بنیه دفاعی» در سال آینده معادل یک‌سوم درآمد پیش‌بینی شده دولت برای تمام هزینه‌های دیگر کشور نظیر پرداخت حقوق کارکنان و بازنشستگان است.

میزان افزایش کل بودجه هم پایین‌تر است. در نتیجه در سال آینده ارزش و قدرت خرید یارانه‌های مستقیم احتمالاً از امسال هم کمتر می‌شود. در کنار این، طبق لایحه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها موظف است یارانه «خانوارهای غیرمشمول حمایت دولت» را حذف کند؛ هر چند در لایحه معیارهای مشمول حمایت بودن مشخص نشده است.

۵- رقیب شرکت ملی نفت

طبق لایحه بودجه ۱۴۰۳ برای اولین بار به نیروهای مسلح ایران اجازه داده می‌شود مستقلاً نفت صادر کنند. طبق بند ب تبصره ۴ دولت موظف شده در سال آینده ۱۳۴ هزار میلیارد تومان برای «تقویت بنیه دفاعی» به ستاد کل نیروهای مسلح بپردازد. ولی در صورت عدم پرداخت ماهانه این مبلغ از خزانه، وزارت نفت باید نفت خام یا میعانات نفتی به «اشخاص حقوقی» (شرکت‌هایی) که نیروهای مسلح معرفی می‌کند، تحویل دهد تا آنها صادر کنند. به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، شرکت ملی نفت ایران مدت‌هاست که نفت را در «بازار خاکستری» به مشتریان عموماً چینی می‌فروشد. با توجه به تحریم‌های گسترده‌تر بخش‌هایی از نیروهای مسلح ایران، به ویژه سپاه





خطرهای بودجه ۱۴۰۳

شاید یکی از گروه‌هایی که حق دارند و نیز اهلیت داوری درباره لایحه بودجه ۱۴۰۳ را دارند همان مدیران سابق و اسبق بودجه‌ریزی بوده‌اند که حالا بازنشسته شده یا اینکه دیگر به هر دلیل در سازمان برنامه و بودجه کشور فعالیت ندارند. این گروه با سابقه برنامه‌ریزی برای بودجه‌های سالانه در سال‌های پیشین به ترفندهای بودجه‌نویسی و زیر و روی این کار آشنا نیستند و نیک می‌دانند هر عدد ارایه شده در بودجه نتیجه چه دعوایی است. حسن خوشبختی یکی از مدیران کل سازمان برنامه و بودجه نیز به همین دلیل در قد لایحه بودجه ارایه شده از سوی دولت نوشته است:

کیفیت فرآیند بودجه‌ریزی و اسناد بودجه، هم تصویری است از ویژگی‌ها و ابعاد مختلف نظام اداری و اقتصاد سیاسی و وقوف دولت‌ها و هم بیانگر درجه سلامت، صداقت، صراحت، شفافیت و آزادی در نظام‌های مذکور در جامعه است. زمانی رییس دولت‌های نهم و دهم معتقد بود سند بودجه باید آنقدر ساده، مختصر و شفاف باشد که هر ایرانی بتواند آن را بفهمد و حتی در جیب خود نگهداری کند و از تفصیل و تفضیل و پیچیدگی اسناد بودجه‌های سالانه شکایت داشت.

متن نوشته او که در سایت نورنیوز نزدیک به شورای امنیت ملی بازتاب داده شده است تشریح می‌کند: ادعای ایشان صحیح بود ولی او باید می‌دانست که نظام اداری و اقتصادی کشور شفاف و سالم نیست و بنابراین اجرای فرآیندی ساده در بودجه‌ریزی و تنظیم سندی ساده و مختصر بر پیچیدگی‌ها و سوءاستفاده‌ها خواهد افزود. در بسیاری از کشورها فرآیند تنظیم و پیشنهاد و تصویب بودجه بسیار وقت‌گیر، پیچیده و موشکافانه است؛ ولی خروجی و محصول آن فرآیند، اسنادی بسیار ساده، شفاف و

مختصر است که نشان می‌دهد در آن کشورها نظام اداری و اقتصادی سالم است، تخلفات اداری تقریباً وجود ندارد و از همه مهم‌تر وفاداری، صداقت و همکاری مورد نیاز برای تحقق اهداف بودجه بین عموم نهادها و اشخاص ذی‌ربط وجود دارد. تصویب قانون اصلاح مواد ۱۸۰ و ۱۸۲ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی را می‌توان اقدامی امیدوارکننده در اصلاح فرآیند بودجه‌ریزی سالانه دولت و خصوصاً مرحله تصویب تلقی کرد. طبق این قانون بودجه کل کشور در دو مرحله تقدیم قانون‌گذار می‌شود و مصوبه مرحله اول به گونه‌ای سند بالادست تنظیم و تصویب مرحله دوم است که بودجه تفصیلی و تفضیلی نامیده می‌شود (مرحله اول بودجه ۱۴۰۳ در مرحله بررسی است). بر اساس مفاد بخش اول لایحه:

۱- بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور ۶۴۷۸,۷ هزار میلیارد تومان است که ۲۷۳۷,۱ هزار میلیارد تومان از آن بودجه عمومی دولت است. نسبت رقم بودجه شرکت‌های دولتی (به میزان ۳۷۴۱,۵ هزار میلیارد تومان) به رقم بودجه کل کشور نزدیک به ۵۸ درصد است. افزایش نزدیک به ۳۰ درصدی بودجه کل سال ۱۴۰۳ نسبت به رقم مشابه سال قبل ناشی از رشد ۲۰ درصدی بودجه عمومی دولت و افزایش ۳۰ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی است.

۲- منابع بودجه در سال ۱۴۰۳ بیش از ۱۸ درصد رشد می‌کند که عامل اصلی این افزایش، رشد درآمدهای مالیاتی است و مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و بنگاه‌های اقتصادی (۵۴ درصد) و مالیات بر کالاها و خدمات (۵۵ درصد) بیشترین سهم را در این افزایش دارند. با توجه به کاهش منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، در ظاهر به نظر می‌رسد وابستگی

اول لایحه بودجه ۱۴۰۳ تنها به برخی مفروضات برآورد منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و میزان واردات و نرخ تسعیر ارز اشاره شده است که کامل نیست. در حالی که به طور طبیعی تغییرات بودجه ۱۴۰۳ نسبت به بودجه سال قبل ناشی از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) و مقادیر فعالیت است، مفروضات مربوط به این تغییرات هم باید مشخص و اعلام شود. طبق لایحه بودجه ۱۴۰۳ سهم هزینه‌های جاری در مجموع مصارف عمومی دولت بیش از ۷۳ درصد است. به عبارت ساده‌تر، هدف اجرای بودجه در سال ۱۴۰۳ هم همانند سال‌ها و دوره‌های قبل صرفاً تامین هزینه‌های جاری دولت بوده و در همه سال‌های گذشته بودجه‌های مصوب مربوط به سرمایه‌گذاری و توسعه ظرفیت‌ها برای تامین قسمتی از کسری بودجه جاری به مصرف رسیده، اما معیار یا فرضی برای برآورد هزینه‌های جاری ارایه نشده است. در پیش‌بینی مقادیر سرفصل‌های بودجه، نرخ مفروض تورم، کم‌وکیف معیارهای برآورد هزینه‌ها (که مازاد یا کسری تراز عملیاتی را شفاف می‌کند)، شاخص‌های برآورد یارانه‌ها و هزینه‌های مربوط به آنها و... از جمله مفروضاتی هستند که در تنظیم جداول کلان مورد استفاده قرار می‌گیرند و طبق قانون باید به‌طور شفاف ارایه می‌شدند.

۴- به‌رغم اینکه سال ۱۴۰۳ اولین سال اجرای برنامه هفتم توسعه است، لایحه بودجه ۱۴۰۳ جهت‌گیری توسعه‌ای ندارد. هزینه‌های جاری در لایحه با رشد حدود ۲۰ درصد نسبت به رقم مشابه سال قبل، نزدیک به ۵ برابر هزینه‌های سرمایه‌گذاری است. رقم پیش‌بینی شده برای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۴۰۳ (۳۷۵ هزار میلیارد تومان) برابر با رقم قانون سال ۱۴۰۲ است که نه‌تنها با توجه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، به‌طور واقعی کمتر از رقم مشابه سال قبل است، بی‌تردید با توجه به کسری بودجه، به‌طور کامل تحقق نخواهد یافت و اعتبار آن برای تامین هزینه‌های جاری مصرف خواهد شد. تکیه اصلی منابع بودجه در لایحه ۱۴۰۳ برآمدهای مالیاتی است (که نسبت به قانون بودجه سال جاری ۵۰ درصد افزایش یافته است) و تحقق کامل آن بعید به نظر می‌رسد.

۵- تنها نظام مالیاتی (متشکل از مبانی نظری، پایه‌ها، کوشش‌ها، ابزارها، ارکان و امکانات، مودیان و...) کارآمد می‌تواند منابع لازم را به صورتی قانونمند و مورد پذیرش مردم و نهادها و بنگاه‌های اقتصادی برای انجام مأموریت‌های دولت‌های شایسته فراهم کرده و اجرای سیاست‌های توسعه کشور و توزیع مجدد درآمدها و... را تسهیل کند. در صورت وجود هرگونه ناکارآمدی در مجموعه نظام مالیاتی، جامعه و بازارهای کسب‌وکار با گسترش فساد و سوءاستفاده‌های سازمان‌یافته مواجه خواهند شد. پیش‌بینی ارقام غیرقابل دسترس با هدف تراز کردن منابع و مصارف، آن هم صرفاً به روش‌های حسابداری (یا حساب‌سازی) نتایج نامطلوبی برای اقتصاد کلان و بازارهای کسب‌وکار خواهد داشت.

۶- منابع و مصارف جاری و سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی در لایحه بودجه ۱۴۰۳ هم به لحاظ اهمیت و آثار عمیقی که در اقتصاد جامعه ایجاد می‌کند، نیازمند تحلیل و بررسی مستقل است که در این یادداشت به آن پرداخته نشده و در یادداشت‌های بعد ارایه خواهد شد.



بودجه به منابع حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی جای خود را به درآمدهای مالیاتی داده است؛ در حالی که به‌واقع این‌طور نیست. در جدول ترازهای منابع و مصارف در بخش‌های اصلی بودجه نشان داده شده است. طبق ارقام لایحه ۱۴۰۳، حتی در صورت تحقق کامل درآمدهای مالیاتی (با رشد بلندپروازانه ۵۰ درصد) و تحقق منابع حاصل از فروش اموال دولت، وابستگی بودجه سال بعد به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی افزایش یافته است و سهم آن در تامین کسری بودجه جاری ۱۰ واحد درصد افزایش می‌یابد. در شش ماه ابتدایی سال ۱۴۰۲ بودجه با حداقل ۳۴۰ هزار میلیارد تومان کسری مواجه بوده و در بودجه همین سال منابع حاصل از فروش دارایی‌های دولت غیرواقعی‌بینانه و بیش‌برآورد بوده و عملکرد قابل توجهی نداشته است. از سوی دیگر با توجه به کاهش شدید منابع حاصل از فروش سهام شرکت‌های دولتی (نزدیک به ۴۴ درصد به دلیل اتمام سهام قابل واگذاری) و افزایش (بیش‌برآورد) فروش اوراق مالی و بهادار، بدون تردید کسری بودجه در سال بعد وجود داشته و سهم منابع حاصل از صادرات نفت در تامین کسری بودجه نسبت به پیش‌بینی‌های لایحه افزایش خواهد داشت.

۳- در قانون اصلاح مواد ۱۸۰ و ۱۸۲ آیین‌نامه داخلی مجلس، شفاف کردن فروض برآورد منابع و مصارف مورد تاکید قرار گرفته است. در بخش

در صحن مجلس

کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ یک بار پیش از این به دلیل ضعف‌هایی مثل نادیده گرفتن منابع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، افزایش بی‌ضابطه مالیات، افزایش مالیات بر ارزش افزوده از سوی دولت که برخی آن را دست کردن در جیب مردم تعبیر کرده بودند و... در صحن علنی مجلس رد شد. پس از آن رییس مجلس فرصتی هفت‌روزه برای دولت تعیین کرد تا به اصلاح کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ پرداخته و نظر نمایندگان ملت را تأمین کند؛ اما شاهدیم که دولت با تغییراتی حداقلی ۲۷ آذر دوباره لایحه بودجه فوق را به مجلس ارایه داد و نمایندگان به دلیل اینکه سال انتخابات است و شاید فرصت کافی برای بررسی کلیات بودجه را نداشته باشند و البته رییس مجلس هم موافق بودجه دوازدهم نبود، مجبور به موافقت با کلیات لایحه بودجه شدند؛ بودجه‌ای که بعد از تصویب کلیات آن در صحن مجلس، همچنان از سوی برخی نمایندگان با اما و اگر فراوانی مواجه است و به امید اینکه بتوانند در کمیسیون تلفیق و صحن علنی در بررسی جزئیات آن، نظرات‌شان را اعمال کنند، با کلیاتش موافقت کردند. هرچند دولت در اقدامی جالب توجه برای اولین بار یک درصد مالیات بر ارزش افزوده را به عنوان منبع افزایش حقوق بازنشستگان تعیین کرد تا به قول یکی از نمایندگان، بازنشستگان و مردم را در مقابل مجلس قرار دهد؛ یعنی توپ را به زمین مجلس انداخت تا اگر می‌خواهند همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را اجرا کنند، مجبور به پذیرش افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده شوند؛ همان تصمیمی که معتقدند باعث افزایش تورم در جامعه شده و به معنای دست بردن در جیب مردم و بازنشستگان است.

پس از اعلام دستور جلسه صحن علنی، رحیم زارع، سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس، در جریان بررسی کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ گفت: «با اصلاحاتی که دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ انجام داده است، منابع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان از محل افزایش مالیات بر ارزش افزوده به میزان یک واحد درصد در سال آیند اجرایی خواهد شد.» محمدمهدی مفتاح، سخنگوی کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس نیز بیان کرد: «با توجه به افزایش حقوق بازنشستگان تا سقف ۹۰ درصد شاغلان در مدت سه سال و در سال اول ۴۰ درصد منابع لازم برای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان در اصلاحیه پیش‌بینی شده است.» سپس نوبت موافقان و مخالفان کلیات لایحه بودجه رسید تا توضیحات‌شان را در این باره بیان کنند.

مهدی اسماعیلی، نایب‌رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، در مخالفت با کلیات لایحه اصلاحی بودجه سال ۱۴۰۳ تأکید کرد: «همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با افزایش مالیات بر ارزش افزوده صرفاً بار گرانی در جامعه به همراه داشته و هدف ما را برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان محقق نمی‌کند.» البرز حسینی هم در مخالفت با تصویب کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور با بیان اینکه «سیاست‌های ابلاغی مبتنی بر مهار تورم بود؛ اما مشخص نیست که کجای لایحه دولت این سیاست‌ها دیده شده است»، عنوان کرد: «دولت مردم و بازنشستگان را در مقابل مجلس قرار داده است.



اگر در مجلس به یک درصد افزایش مالیات بر ارزش افزوده رأی داده شود، تورم افزایش می‌یابد و اگر رأی داده نشود، جامعه بازنشستگان در مقابل مجلس قرار می‌گیرند.»

در ادامه سیدناصر موسوی لارگانی، نماینده مردم فلاورجان، نیز در مخالفت با کلیات لایحه اصلاحی بودجه سال ۱۴۰۳ تأکید کرد: «افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان یعنی ما دست در جیب مردم کرده و از یک جیب آنها پول برداشته و به جیب دیگر آنها پول بریزیم؛ اما احمد امیرآبادی در موافقت با کلیات لایحه بودجه گفت که میزان وابستگی بودجه به نفت به شکل درخور توجهی کاهش یافته است. نماینده مردم قم در مجلس «کاهش کسری تراز عملیاتی بودجه و وابستگی بودجه به نفت» را «دو مولفه مهم لایحه بودجه سال ۱۴۰۳» دانست.

موافقانی که مخالفاند

موافقان و مخالفان به بیان اظهارات خود در این باره پرداختند؛ اما آنچه اهمیت دارد، این است که برخی موافقان لایحه در صحن در گفت‌وگو با «شرق» اعلام کردند که مخالف کلیات این بودجه هستند و از سر ناچاری به دلیل کمبود وقت و اینکه توان و بضاعت دولت در همین حد است، به کلیات آن رأی داده‌اند تا در جزئیات در کمیسیون تلفیق بودجه و صحن علنی نظرات خود را در بودجه لحاظ کنند. حتی

حقوق کارمندان با نرخ تورم بالای ۵۰ درصد هیچ‌گونه همخوانی ندارد و مشکل ایجاد می‌کند». او اضافه کرد: «بحث ۵۰ هزار میلیارد تومانی که دولت برای افزایش حقوق بازنشستگان در نظر گرفت و یکی از دلایل رد کلیات لایحه در نوبت اول بود، به این دلیل است که دولت منابع پایداری برای تأمین مالی ۵۰ هزار میلیارد تومان همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را ندیده بود و در این نوبت این موضوع را در یک درصد مالیات ارزش افزوده گنجانده بود تا از این محل تأمین شود». عضو کمیسیون اقتصادی مجلس توضیح داد: «این امر هم خوب بود و هم بد. خوب از این نظر که منبع پایداری برای آن دیده شده است و بد از آن جنبه است که باعث افزایش رقم مالیات می‌شود و افزایش مالیات فشار بر مردم را تشدید می‌کند». نماینده مردم بهار و کبودرآهنگ در مجلس یازدهم بحث دیگر را مربوط به رشد اقتصادی دانست و افزود: «رشد اقتصادی کشور در برنامه ششم هشت درصد بوده است و پیش‌بینی و تکلیف قانونی برای ما در سند بالادستی و طبق فرمایشات رهبری، رشد هشت درصدی اقتصاد است اما قطعا این رشد هشت درصد محقق نمی‌شود.»

او تأکید کرد: «حتی اگر دولت در لایحه بودجه رشد هفت یا هشت درصدی را بیاورد، از آنجایی که این رقم محقق نمی‌شود، این تحقق نیافتن مشکل ایجاد می‌کند؛ بنابراین دولت در لایحه بودجه رشد اقتصادی را ۳٫۱ درصد پیش‌بینی کرده است. این ۳٫۱ درصد تا حدی تحقق‌پذیر است که دولت برای تحقق منابع درآمدی آن تلاش کند.»

توسلی با بیان اینکه یک نکته مثبت و منفی دیگر لایحه بودجه کاهش وابستگی به نفت است، توضیح داد: «طبق آنچه در لایحه بودجه آمده بود، اتکا به نفت در مقایسه با سال قبل کم شده بود. در این سال حدود شش درصد در مقایسه با سال قبل اتکا به درآمدهای نفتی کم شده است و با توجه به بحث تحریم و صادرات نفتی، این اتفاق خوبی است.»

او با بیان اینکه با توجه به جمیع جهات تصور می‌کنم در زمان تصویب بودجه در کمیسیون تلفیق، با توجه به پیشنهادها همکاری دیگر تغییرات زیادی ایجاد خواهد شد و همچنین در صحن هم تغییراتی دیگر اعمال می‌شود.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اضافه کرد: «نکته دیگر اینکه لایحه بودجه‌ای که دولت ارائه داده است، لایحه‌ای بسیار مختصر و خلاصه است. البته مختصر بودن لایحه یک حسن است و خیلی مختصر بودنش یک عیب و ایراد است؛ یعنی موضوعی دویعدی است. اینکه خیلی مختصر است، خیلی بد است و اینکه مختصر است، خوب است.»

او ادامه داد: «از این نظر که بودجه خیلی پیچیده نباشد، خوب است؛ اما در بودجه جداول را در اختیار نمایندگان قرار نمی‌دهد و بعدا در کمیسیون تلفیق جداول در اختیار ما قرار می‌گیرد که مفید نیست.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در پایان با انتقاد از افزایش بیش از حد تخصیص بودجه به شرکت‌های دولتی بیان کرد: «بودجه



توسلی که به عنوان موافق کلیات بودجه در صحن سخن گفته بود و عدالت‌محوری نسبی را در تخصیص و توزیع منابع در لایحه بودجه ۱۴۰۳، دلیل موافقت خود با این لایحه اعلام کرده بود، در گفت‌وگو با «شرق» به بیان ضعف‌های این لایحه پرداخت. در نهایت هم نمایندگان بعد از استماع نظرات موافقان و مخالفان کلیات لایحه بودجه با ۱۵۴ رأی موافق، ۶۰ رأی مخالف و پنج رأی ممتنع از مجموع ۲۲۲ نماینده حاضر در مجلس با کلیات لایحه اصلاحیه بودجه ۱۴۰۳ موافقت کردند. سپس محمدباقر قالیباف به بیان توضیحاتی درباره زمان‌بندی رسیدگی به جزییات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ در مجلس پرداخت.

تخصیص بیش از نیمی از بودجه کل کشور به شرکت‌های دولتی یک ضعف است

فتح‌الله توسلی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس که به عنوان موافق کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ در صحن علنی صحبت کرد، در گفت‌وگو با «شرق» به بیان اشکالات و ایرادات لایحه فوق پرداخت و گفت: «نقد جدی به متن لایحه بودجه ۱۴۰۳ دارم و معتقدم افزایش ۱۸ درصدی





شرکت‌های دولتی یکی از نقاط ضعف دولت است و یکی از چالش‌ها و نقاط ضعف بودجه امسال و سال گذشته و سال آینده افزایش بیش از اندازه بودجه شرکت‌های دولتی است. رقم بسیار بالا و حتی بیش از نیمی از بودجه کل کشور را به شرکت‌های دولتی اختصاص می‌دهند. اگر شرکت‌های دولتی شرکت است، نباید ایتقدر هزینه برای آن در نظر گرفت و اگر شرکت نیست، مثل نهادهای دیگر و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دیگر در نظر گرفته شود. این باعث شده که بودجه در حوزه عمرانی خیلی کم باشد.»

برداشت پول از جیب مردم به بهانه پرداخت حقوق به بازنشستگان و خانواده شهدا و جانبازان بدسلیقگی دولت است برخلاف او محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یازدهم، در گفت‌وگو با «شرق» صراحتاً اعلام کرد که از سر ناچاری به این کلیات رأی داده‌اند و خواستند تعامل با دولت حفظ شود.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه درباره تغییرات اعمال شده در کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ از سوی دولت که باعث تأیید کلیات آن در صحن علنی مجلس شد، به «شرق» گفت: «تنها دلیل تأیید کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ این بود که مجلس قصد تعامل با دولت را داشت؛ در غیر این صورت اصلاحیه خاصی روی لایحه بودجه ۱۴۰۳ انجام نشده است که ابهامات نمایندگان درباره این لایحه برطرف شده باشد و منجر به تأیید آن شود». سخنگوی کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه درباره گر خوردن یک‌درصدی مالیات به افزایش حقوق بازنشستگان در لایحه بودجه ۴۰۳ از طرف دولت نیز که انتقادهای جامعه را به همراه داشته است، بیان کرد: «این موضوع قطعاً در جامعه ایجاد مسأله می‌کند و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. خیلی بد است که ما به مردم بگوییم یک درصد مالیات بیشتر بپردازید تا حقوق بازنشستگان را افزایش دهیم. قطعاً بازنشستگان هم به این امر راضی نیستند که در ایجاد تورم دخیل باشند تا حقوق آنها افزایش یابد.»

سخنگوی کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی همچنین ادامه داد: «معتقدم کلاً سازمان برنامه و بودجه در ربط دادن افزایش حقوق بازنشستگان با یک درصد مالیات بدسلیقگی کرد و می‌توانست اصلاً این موضوع را به این شکل نبیند». نماینده مردم تربت حیدریه در مجلس یازدهم در پاسخ به اینکه آیا دولت قصد تحمیل کردن این یک درصد افزایش مالیات کالاها را به مجلس داشت که در قالب منبع افزایش حقوق بازنشستگان آن را لحاظ کرد؟ افزود: «اصلاً لزومی نداشت دولت افزایش حقوق بازنشستگان را به یک‌درصد مالیات ربط دهد. می‌توانست بگوید منابع من برای سال آینده این است و مصارف هم این است و اصلاً لزومی نداشت که تعیین کند این میزان مالیات را برای فلان امر در نظر گرفته‌ام». زنگنه یادآور شد: «به نظرم این کار بدسلیقگی است و بهتر بود دولت به آن ورود نمی‌کرد. تصور می‌کنم هم کمیسیون تلفیق و هم صحن علنی در این باره اصلاحاتی جدی اعمال خواهد کرد.»

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یازدهم در توضیح اینکه این اقدام دولت قرار دادن مردم و بازنشستگان در مقابل مجلس است، افزود: «اصلاً رسم نبوده که در کلیات بودجه بگوییم فلان منبع را برای فلان هزینه‌کرد در نظر گرفته‌ایم. ما یک‌سری منابع و مصارف در بودجه

داریم که دولت بر اساس منبع مشخص باید مصارفش را انجام دهد. ضمن اینکه تخصیص منابع هم در اختیار سازمان برنامه و بودجه است و می‌تواند تصمیم بگیرد چه میزان منابع برای کدام مصارف در نظر بگیرد. اینکه ما از مردم بگیریم و آن را به بازنشستگان و خانواده شهدا و جانبازان بدهیم بدسلیقگی است و بازتاب بسیار بدی در جامعه دارد و به اعتقاد من کار درستی نیست و امیدواریم در کمیسیون تلفیق و صحن علنی مجلس اصلاحات جدی در این باره اعمال شود.»

حق نداریم ۱۰ تومان از جیب بازنشستگان برداشت و ۵ تومان به حقوقشان اضافه کنیم

حسن آصفری، نایب‌رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس یازدهم نیز درباره معایب و اشکالات کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ که در ابتدا رد و سپس از سوی نمایندگان تصویب شد، به «شرق» گفت: «دلیل رد کلیات لایحه بودجه سال آینده در مجلس به این دلیل بود که این بودجه ناترازی در منابع و مصارف داشت و امسال نزدیک به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه و ناترازی داریم، همین امر باعث ایجاد تورم و عملیاتی نشدن تعهدات دولت می‌شود؛ بنابراین تصمیم گرفتیم کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ را رد کنیم تا با اصلاحاتی جدید به‌منظور رفع اشکالات دوباره تقدیم مجلس شود.»

نماینده چند دوره مردم اراک در مجلس ادامه داد: «یکی دیگر از

بیشترین حقوق را می‌گیرند، کمترین افزایش و کسالی که کمترین حقوق را دریافت می‌کنند، در جهت رفع تبعیض و بی‌عدالتی بیشترین افزایش حقوق را تجربه کنند.»

آصفری همچنین توضیح داد: «در بحث معافیت مالیاتی، برخی حوزه‌ها ۲۰ سال معافیت مالیاتی داشته‌اند اما تعهدی برای کشور نداشته‌اند. از طرفی مالیات برخی صنایع و شرکت‌ها باید حذف می‌شد و برای جلوگیری از افزایش پایه‌های مالیاتی و تعهد دولت به اینکه کالاهای اساسی مردم گران نشود و مطابق با همه احکام برنامه هفتم شود، از جمله موارد و دلایلی بود که مجلسی‌ها در نوبت دوم به کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ رأی دادند.»

نایب‌رییس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس در توضیح اینکه افزایش مالیات و گره‌زدنش با افزایش حقوق بازنشستگان از جمله مواردی است که مورد انتقاد جامعه است، گفت: «افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده نکته مهم و چالشی است که باید دولت را متعهد کنیم افزایش حقوق بازنشستگان را از منابع مولدسازی تأمین کند، نه از طریق مالیات بر ارزش افزوده و مشکل بازنشستگان را به جیب خود بازنشستگان گره بزنیم.»

او ادامه داد: «اینکه از جیب بازنشسته ۱۰ تومان برداریم و پنج تومان به حقوقشان اضافه کنیم، برای مجلس قابل قبول نیست. دولت باید در حوزه متناسب‌سازی از تأمین اعتباراتی مثل فروش نفت و منابعی که از فروش نفت به دست می‌آید و همچنین مولدسازی این هزینه را تأمین کند.»

عضو کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه تأکید کرد: «کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۳ باید روی همین موضوع متمرکز شود و بداند به هر میزانی که افزایش ارزش افزوده داشته باشیم، به همان میزان هم گرانی و تورم در جامعه خواهیم داشت. البته تاکنون چندین بار دولت پیشنهادهای مختلفی در این باره ارائه داده و حتی در برنامه هفتم توسعه هم پیشنهاد افزایش ۱۳ درصدی را ارائه داده بود که با مخالفت جدی اعضای کمیسیون تلفیق برنامه هفتم مواجه شد و اجازه نداد این افزایش محقق شود.»

آصفری همچنین تأکید کرد: «نباید به اسم افزایش حقوق بازنشستگان، از جیب خود آنها این پول را برداشت کنیم و به حقوقشان اضافه کنیم. مجلس و کمیسیون تلفیق باید جلوی این اقدام و خواست دولت را بگیرند و آن را اصلاح کنند و از منبعی غیر از منبع مالیات بر ارزش افزوده کالاها آن را تأمین کنند.»

بنابراین طبق توضیحات محمدباقر قالیباف در پایان جلسه روز گذشته، بر اساس ماده ۱۸۲، نمایندگان به مدت پنج روز فرصت دارند تا پیشنهادهای خود را در سیستم ثبت کنند و کمیسیون‌های تخصصی نیز پنج روز فرصت بررسی و ارجاع این پیشنهادها را به کمیسیون تلفیق دارند. کمیسیون تلفیق نیز ۱۰ روز فرصت بارگذاری گزارش خود را دارد و بعد از آن نیز نمایندگان سه روز فرصت دارند تا نظر خود را درباره این گزارش ثبت کنند.



دلایل رد کلیات بودجه عدم تطبیق لایحه بودجه با برنامه هفتم توسعه بود. متأسفانه احکامی که در برنامه هفتم توسعه دیده بودیم، خصوصاً در افزایش حقوق و مستمری بازنشستگان در لایحه بودجه ۱۴۰۳ لحاظ نشده بود. آصفری توضیح داد: «نکته سوم اینکه در این لایحه بودجه اقلام و کالاهای اساسی مردم تعیین تکلیف نشده بود، اما در اصلاحیه صورت‌گرفته تا حدی این اشکالات رفع شدند ولی نه به‌طور کامل. بنابراین از آنجایی که مجلس علاقه‌ای به تصویب بودجه دوازدهم نداشت، لاجرم به کلیات لایحه بودجه در نوبت دوم رأی داد.»

عضو هیات‌ریسه کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس تأکید کرد: «بنابراین برخی اصلاحات به‌خصوص در زمینه افزایش حقوق بازنشستگان اعمال شده و تکلیف دولت برای افزایش ۴۰ درصدی سقف ۹۰ درصد متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان روشن شده است.»

او در ادامه محاسن این کلیات بودجه بیان کرد: «بحث ۱۵ میلیارد دلار برای یارانه ۱۰ قلم کالای اساسی مردم لحاظ شده است. همچنین بحث معافیت مالیات حقوق‌بگیران افزایش داشته و بحث افزایش حقوق کارکنان دولت به‌صورت پلکانی تعیین تکلیف شده است تا کسانی که



سازمان برنامه: واقع‌گرایانه‌ترین بودجه سال‌های اخیر را نوشته‌ایم

کم‌برآوردی سقف منابع بودجه، نسبت به پیشنهاد منابع قابل حصول و واقع‌گرایانه اقدام نمود که متعاقباً در بخش دوم لایحه (بودجه تفصیلی)، مصارف در سقف منابع مصوب تقدیم خواهد شد به گونه‌ای که از هر گونه کسری بودجه پنهان در قانون بودجه سال آینده جلوگیری شود. از این جهت، لایحه بودجه ۱۴۰۳ را می‌توان همان‌گونه که اغلب کارشناسان اذعان داشته‌اند، واقع‌گرایانه‌ترین بودجه در سال‌های اخیر از منظر پیش‌بینی منابع دانست.

۲- ابهام در فروض و مبانی تدوین بودجه

در گزارش کمیسیون تلفیق بودجه ادعا شده است فروض کافی برای امکان تحلیل و اظهارنظر درباره ارقام کلان در لایحه دولت ارایه نشده است. در این ارتباط باید گفت مفروضات پایه موردنیاز برای محاسبه هر یک از اجزاء منابع بودجه شامل قیمت هر بشکه نفت صادراتی (یورو)، نرخ تسعیر ارز (یورو به ریال)، مقدار صادرات نفت خام و میعانات گازی، مقدار و قیمت صادرات گاز طبیعی، ارزش کل واردات به کشور و واردات کالای اساسی و دارو (در سمت منابع) و همچنین فروض مصارف شامل نرخ رشد ضریب حقوق کارکنان و بازنشستگان، مربوط به مصارف در جدول شماره (۶) بخش اول لایحه دولت ارایه شده. به‌علاوه، گزارش تکمیلی حاوی جزییات و نحوه محاسبات هر یک از اجزاء منابع پس از تسلیم لایحه در اختیار کلیه نمایندگان قرار گرفت و در جلسات کمیسیون تلفیق با حضور وزرای محترم ذی‌ربط تشریح و مورد پرسش و پاسخ قرار گرفت. از این رو، مفروضات لایحه بودجه به‌طور کامل تبیین شده و از این جهت کاستی و نقصی متوجه لایحه نمی‌باشد. شایان ذکر است تمرکز اصلی در این مرحله بر روی برآورد واقع‌گرایانه و دقیق از منابع بوده است.

۳- ابهام در جهت‌گیری لایحه در حوزه انرژی

در خصوص ناترازی تولید و مصرف انرژی در کشور به ویژه به بخش‌های برق، گاز طبیعی و سایر حامل‌های انرژی، احکام لازم در لایحه برنامه هفتم

سازمان برنامه و بودجه در واکنش به گزارش کمیسیون تلفیق بودجه، در اطلاعیه‌ای ضمن تأکید بر واقع‌گرایانه بودن ارقام درآمدی بودجه سال آینده، اعلام کرد اصلاح قیمت انرژی تصمیمی فراتر از ظرفیت لایحه بودجه و نیازمند اجماع لازم در سطح حاکمیت است.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از مرکز روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه کشور، در پی قرائت گزارش کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۳ و در پاسخ به اتهامات و ایرادات آن کمیسیون و به منظور تنویر افکار عمومی، سازمان برنامه و بودجه جوابیه‌ای منتشر کرد.

متن جوابیه تفصیلی سازمان برنامه و بودجه کشور به شرح زیر است:

۱- ادعای وجود کسری بودجه

مطابق قانون اصلاح مواد ۱۸۰ و ۱۸۲ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی - مصوب ۱۴۰۱- از سال جاری برای اولین بار، شیوه‌ارایه لایحه و رسیدگی آن در مجلس شورای اسلامی تغییر اساسی کرده است که می‌تواند آثار بسیار مثبتی بر اصلاح ساختار بودجه و کاهش ناترازی بودجه داشته باشد. بر این اساس، لازم است دولت در بخش اول لایحه بودجه، منابع قابل تحقق را بر اساس روند عملکرد گذشته و مفروضات واقع‌گرایانه برآورد کند و سپس در بخش دوم لایحه مصارف بودجه را در سقف منابع مصوب در مرحله اول تدوین نماید. این شیوه بر خلاف روش معمول در گذشته است که عمدتاً برای هزینه‌ها و مصارف از پیش تعیین شده، منابع غیرقابل تحقق و بعضاً موهوم پیش‌بینی می‌شد و در نتیجه با انتساب هزینه‌های قطعی و غیرقابل اجتناب به منابع موهوم، ناترازی مزمن بودجه تشدید می‌گردید.

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در بیانات مهم خود در خرداد ۱۴۰۱ با نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تأکید فرمودند: «کسری بودجه ام‌الخبائث است؛ بسیاری از مشکلات بزرگ اقتصادی ما ناشی از کسری بودجه است». بنابراین، دولت در بخش اول لایحه بودجه ضمن اجتناب از بیش‌برآوردی یا

تقدیمی دولت، بودجه شرکت‌های دولتی ۲۹,۷ درصد افزایش یافته است که حاکی از افزایش گردش مالی این شرکت‌ها می‌باشد.

در خصوص سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های دولتی باید گفت سازوکار سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی از اختیارات مجامع عمومی شرکت‌ها به عنوان بالاترین رکن شرکت می‌باشد و سازمان برنامه و بودجه صرفاً نسبت به جمع‌بندی مصوبات مجامع عمومی شرکت‌ها جهت درج در لایحه بودجه اقدام می‌کند. با توجه به اهمیت استقرار حاکمیت شرکتی و اجرای سایر قوانین مربوطه در شرکت‌های دولتی، سازمان برنامه و بودجه کشور به عنوان یکی از اعضای مجامع عمومی شرکت‌های نسل اول، از طریق وضع سازوکارهای مختلف در مجامع عمومی در زمینه انتظام بخشی شرکت‌های دولتی نسبت به نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها و بودجه شرکت‌ها از جمله تحقق کامل سرمایه‌گذاری‌ها اهتمام جدی دارد.

۸- عدم توجه به تقویت منابع سرمایه‌گذاری در کشور در دو سال اخیر روند نزولی تشکیل سرمایه در دهه ۱۳۹۰ بهبود یافته است. رویکرد دولت به خصوص توجه به دو مولفه مهم شامل ثبات اقتصاد و ایجاد انگیزش لازم به صورت اهرمی برای توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در قالب تبصره ۱۸ قانون بودجه گذشته و تبصره ۲ لایحه حاضر (حداقل ۳۱۰ هزار میلیارد ریال که با تلفیق منابع بانکی به بیش از ۶۵۰ هزار میلیارد ریال خواهد رسید)، و موارد مرتبط با توسعه مشارکت عمومی و خصوصی در لایحه بوده است. دولت تلاش کرده از ایجاد انتظارات تورمی در لایحه تقدیمی اجتناب نموده و همچنان بر ثبات اقتصادی بعد از تکان‌های چند سال اخیر تاکید نماید.

ذکر این نکته ضروریست که در اقتصاد ایران بالغ بر ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر نهادها انجام می‌شود و منابع بودجه جنبه اهرمی برای سایر منابع دارد. تداوم سقف اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با لحاظ تحقق‌پذیری بیشتر در تخصیص مورد توجه دولت قرار دارد که در بخش دوم لایحه، جزئیات آن ارایه می‌شود.

۹- پیش‌بینی منابع کافی برای یارانه دارو و پرداخت بدهی‌های دولت منابع پیش‌بینی شده برای مصارف بودجه از جمله یارانه دارو و نان در سقف منابع هدفمندی در نظر گرفته شده و در بخش دوم لایحه بودجه به آن پرداخته خواهد شد. در خصوص پرداخت سایر بدهی‌های دولت از جمله سازمان تأمین اجتماعی، نیز در بخش دوم لایحه و در سقف منابع قابل تحقق لحاظ شده و با در نظر گرفتن اولویت‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی دولت، پیش‌بینی‌های لازم انجام خواهد شد. ضمناً سازوکارهای لازم به منظور تأدیه بخشی از بدهی‌های دولت به صندوق توسعه ملی در مفاد بند (ب) ماده (۳) برنامه هفتم پیشرفت به صورت فرابودجه‌ای پیش‌بینی شده است و نیازی به درج آنها در احکام لایحه بودجه نمی‌باشد.

۱۰- رشد حقوق کارکنان و بازنشستگان رشد حقوق کارکنان و بازنشستگان همواره مورد توجه دولت بوده است، اما همان گونه که در اعلام نظر کمیسیون تلفیق آمده مقوله‌ای چالشی است. یقیناً این اقدام باید در حدود منابع قابل تحقق و به گونه‌ای صورت گیرد که با اتخاذ شیوه‌های تأمین تورمی منابع، تأثیر آن خنثی نشود و چه بسا قدرت خرید این قشر کاهش بیشتری نیابد. در خصوص متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان عزیز، دولت اعتبارات لازم را در سقف منابع پیشنهادی لحاظ کرده که در بخش دوم لایحه بودجه (مربوط به مصارف بودجه)، ارایه خواهد شد.

پیشرفت ارایه و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مهم‌ترین موضوع بودجه‌ای در طرف منابع بودجه در حوزه انرژی، تغییر در نحوه رابطه بین دولت و نفت و صندوق توسعه ملی در برنامه هفتم است که این امر به تفصیل در تبصره ۴ لایحه بودجه پیش‌بینی شده است. مصارف انرژی اعم از بودجه عمومی و هدفمندسازی یارانه‌های انرژی در بخش دوم لایحه منعکس خواهد شد. لازم به ذکر است هرگونه تصمیمات قیمتی در حوزه انرژی، به دلیل ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن مستلزم بررسی‌های دقیق و اجماع لازم در سطح حاکمیت است و فراتر از ظرفیت لایحه بودجه می‌باشد.

۴- درج اقلام فرا بودجه‌ای

با توجه به اینکه در سال‌های گذشته همواره بودجه تقویت بنیه دفاعی و هدفمندسازی یارانه‌ها به صورت فرا بودجه‌ای دیده شده و در سقف منابع و مصارف بودجه عمومی منعکس نمی‌شده است، برای ایجاد قابلیت مقایسه بین بودجه سال‌های مختلف، در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نیز به‌طور مشابه عمل شده است.

۵- ارتباط لایحه بودجه با برنامه هفتم پیشرفت

در خصوص نسبت لایحه بودجه با برنامه هفتم پیشرفت، باید گفت قانون برنامه هفتم هنوز مراحل نهایی تصویب و ابلاغ را طی نکرده است و توسط شورای محترم نگهبان و هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال رسیدگی است. از این‌رو، در تدوین لایحه بودجه قدر متیقن احکام که مورد توافق دولت و مجلس بوده، مدنظر قرار گرفته است.

۶- درخواست مجوز جابه‌جایی ردیف‌ها

با توجه به اینکه تصویب اصلاحیه بودجه و اخذ مجوزهای لازم برای ایفای تعهدات اجتناب‌ناپذیر در طول سال بسیار دشوار است و برخی مصارف اجتناب‌ناپذیر باید به‌طور منظم پرداخت شود، اجرای بودجه مستلزم اختیارات لازم برای تأمین و پرداخت هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر مانند حقوق و دستمزد و یارانه نقدی خانوارها از هر محل ممکن است که این امر در بند الف تبصره ۳ لایحه بودجه پیش‌بینی شده است. طبعاً، در صورت مخالفت مجلس شورای اسلامی، این تمهیدات در زمان رسیدگی به بودجه قابل حذف است.

۷- ابهامات بودجه شرکت‌های دولتی

سازمان برنامه و بودجه طبق تبصره (۵) ماده (۱۸۲) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، گزارش تفصیلی بودجه شرکت‌های دولتی را برای رسیدگی و اعلام نظر لازم توسط کمیسیون برنامه و بودجه و دیوان محاسبات کشور قبل از ارسال لایحه بودجه، برای مجلس شورای اسلامی ارسال کرد. طبعاً ارزیابی بودجه شرکت‌های دولتی بر مبنای گزارش عملکرد آنها در شش ماهه اول سال جاری آن گونه که در گزارش کمیسیون تلفیق آمده است چندان موجه نیست، چراکه گزارش‌های عملکرد شش ماهه متکی بر صورت‌های مالی حسابرسی شده نیست و به علاوه بخش عمده‌ای از منابع شرکت‌ها در نیمه دوم سال محقق خواهد شد. به علاوه، تنظیم بودجه شرکت‌های دولتی بر اساس پیش‌فرض زبان ده بودن آنها و هدفگذاری زبان برای این شرکت‌ها در لایحه بودجه وفق پیشنهاد کمیسیون تلفیق موجه به نظر نمی‌رسد و در سال‌های قبل نیز معمول نبوده است، چراکه رویکرد مهم در تنظیم بودجه شرکت‌های دولتی تاکید بر افزایش بهره‌وری شرکت‌ها و تلاش برای سودآوری بیشتر آنها است. لازم به ذکر است در لایحه

از تور مجلس عبور نکرد

همچنین توضیح داد: «۷۵۰ هزار میلیارد تومان برای هدفمندی یارانه تعیین شده است که مشخص نیست که این موضوع در کدام سرفصل‌ها و فصول دیده شده است. در این باره منابع و مصارف هدفمندی یارانه به صورت شفاف ارایه نشده است که از کجا قرار است تامین شود و قرار است در چه محل هزینه شوند.»

حسینعلی حاجی‌دلیگانی، عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس نیز در انتقاد از لایحه بودجه ۱۴۰۳ تأکید کرد که آثاری از برنامه هفتم توسعه در لایحه بودجه دیده نمی‌شود و از طرف دیگر در این لایحه به حقوق‌های نجومی و اسراف‌ها دامن زده شده است. وی در ادامه گفت: «با این بودجه رشد اقتصادی هشت درصد محقق نخواهد شد بلکه باعث ایجاد فاصله بین اغنیا و فقرا می‌شود. در این بودجه پیش‌بینی شده است که ۳۲۰ همت اوراق فروخته شده است که این اوراق کشور را بدهکار می‌کند.»

مجتبی رضاخواه، نماینده مردم تهران در مجلس نیز معتقد بود که بودجه پیشنهادی دولت برای سال آینده تولیدکننده داخلی را تحت فشار قرار می‌دهد و در مقابل، واردکننده و تولیدکننده خارجی را تحت رانت ویژه‌ای قرار خواهد داد. وی همچنین اضافه کرد: «منابع و مصارف هدفمندی در این بودجه دیده نشده است و این امر می‌تواند منجر به کسری بودجه در این قسمت شود.»

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس نیز نقاط ضعف لایحه بودجه ۱۴۰۳ را از نقاط قوت آن بیشتر دانست و تأکید کرد که افزایش درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال آینده به معنای فشار بر مردم است. ولی اسماعیلی همچنین پیشنهاد داد که با توجه به فقدان شفاف‌سازی درباره منابع و مصارف در لایحه پیشنهادی، این لایحه به دولت باز گردد تا اصلاح شود. حسین رجایی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در اظهارنظرلات خود عنوان کرد که به نظر می‌رسد سال آینده با این بودجه کسری قابل توجهی در منابع هدفمندی داشته باشیم و دولت نمی‌تواند پاسخگوی پرداخت یارانه باشد. وی در ادامه گفت: «در بحث مولدسازی، سال قبل دولت ۱۲۶ همت پیش‌بینی کرد که در بودجه این میزان ۶۰ همت آمده است. یعنی نه تنها گام رو به جلویی برداشته نشده بلکه دولت به مولدسازی کمتر توجه کرده است.»

نظر موافقان درباره لایحه بودجه ۱۴۰۳

لایحه بودجه ۱۴۰۳ موافقانی هم داشت که در صحن علنی مجلس به دفاع از لایحه پیشنهادی دولت پرداختند.

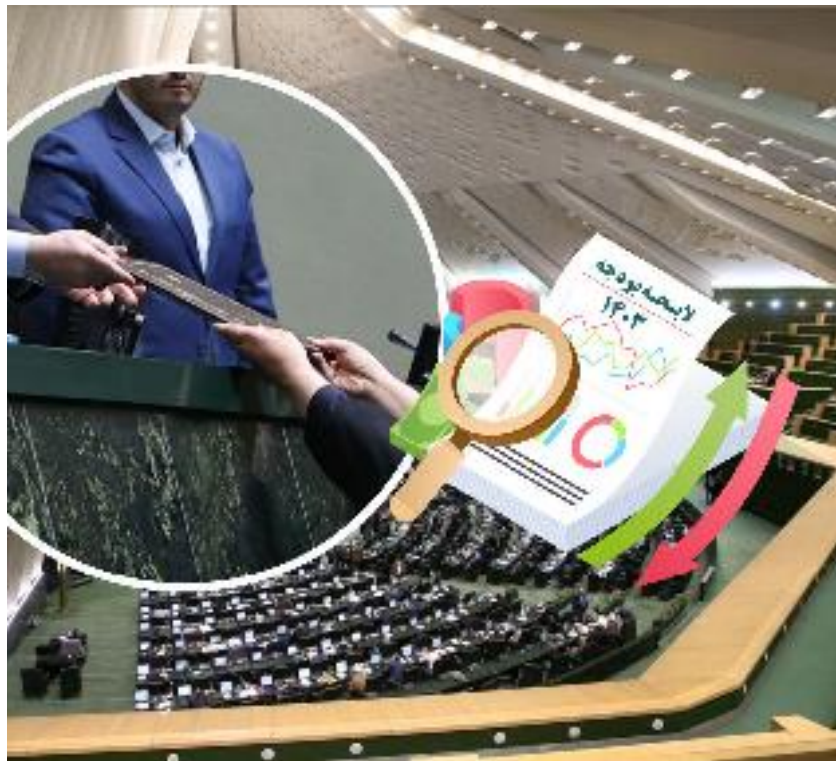
مجتبی یوسفی، عضو هیات رئیسه مجلس، با تأکید بر این نکته که در لایحه بودجه احکام دایمی تغییر نکرده و احکام ماهیت بودجه‌ای دارد، تصریح کرد: «مقرر شده بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در سال آینده پیش‌بینی شود که این اتفاق برای بار اول رخ می‌دهد که آن هم با همراهی دولت و مجلس است.»

جعفر قادری، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس نیز تأکید کرد که تلاش دولت برای کاهش کسری تراز عملیات، سرمایه‌ای و مالی و بهبود این ترازا کمک می‌کند که مسیری منطقی را در بودجه داشته باشیم.

احمد راستینه، سخنگوی کمیسیون فرهنگی قیمت ۷۱ دلاری پیش‌بینی شده در لایحه بودجه برای فروش نفت را واقع‌بینانه دانست و افزود: «دولت به درستی به حوزه مالیاتی نگاه کرده است، هم افزایش درآمدهای مالیاتی با جلوگیری از فرار مالیاتی دیده شده و هم افزایش سقف معافیت‌های مالیاتی برای حقوق‌بگیران، کارمندان و اصناف لحاظ شده است.»

روح‌الله عباسپور، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس نیز معتقد بود که دولت منابع و مصارف بودجه سال ۱۴۰۳ را واقعی دیده است به ما در سال آینده با کسری بودجه و به دنبال آن افزایش تورم مواجه نخواهیم شد.

فتح‌الله توسلی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز از کاهش ۴۲ درصدی شکاف درآمدها و هزینه‌ها به عنوان نقطه قوت لایحه بودجه ۱۴۰۳ یاد کرد.



۱۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی از مجموع ۲۳۶ نماینده حاضر با کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ مخالفت کرده و آن را رد کردند. لایحه تنها ۹۱ رای موافق داشت. نمایندگان مجلس سه شنبه ۲۱ آذر بعد از شنیدن نظرات موافقان و مخالفان کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ دولت ریسی، با ۹۱ رای موافق، ۱۲۷ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع از مجموع ۲۳۶ نماینده حاضر در مجلس با کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ مخالفت کرده و مهم‌ترین لایحه دولت را رد کردند. بدین ترتیب و طبق گفته رئیس مجلس، حالا دولت باید ظرف ۷ روز اصلاحاتی را در بخش اول لایحه بودجه اعمال کند و مجدداً لایحه را به مجلس ارایه دهد تا به رای گذاشته شود.

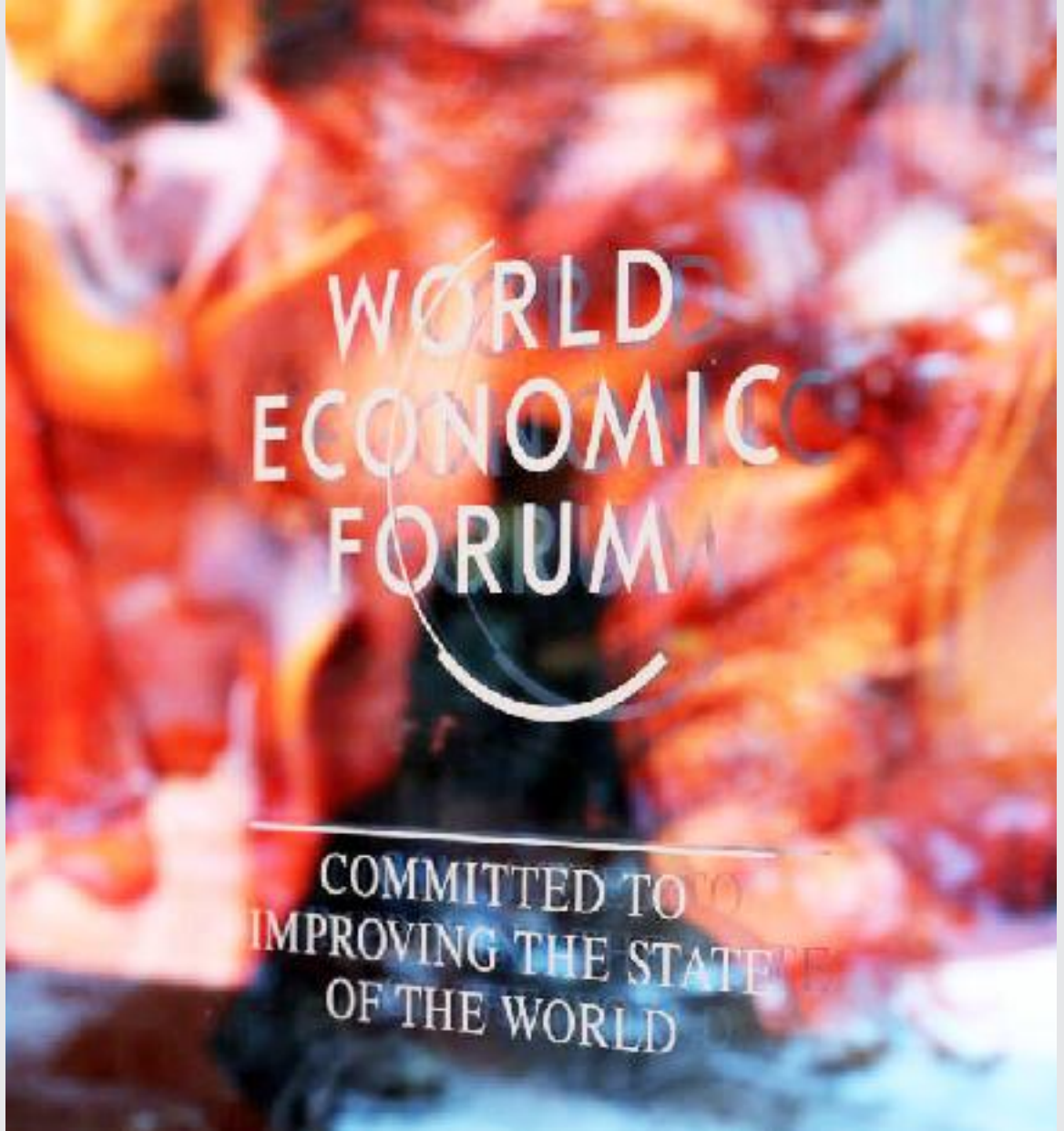
موافقان و مخالفان لایحه بودجه سالانه کل کشور چه گفتند؟

در جلسه امروز مجلس، پس از قرائت گزارش کمیسیون برنامه و بودجه در صحن علنی، مخالفان و موافقان این لایحه نظرات خود را بیان کردند و سپس رای‌گیری انجام شد. محمدمهدی مفتاح، سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه در ابتدا با قرائت گزارش این کمیسیون درباره کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ به بررسی نکات و مثبت و منفی آن پرداخت.

وی رویکرد بودجه‌ای احکام پیش‌بینی‌شده و پرهیز از اصلاح قوانین را از نکات مثبت لایحه بودجه عنوان کرد و از مطابقت نبودن لایحه بودجه با مصوبات مجلس در برنامه هفتم و همچنین کمتر بودن میزان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان از تورم موجود، به عنوان نقاط ضعف این لایحه یاد کرد. در ادامه جلسه علنی مجلس، نمایندگان موافق و مخالف لایحه بودجه ۱۴۰۳ به بیان نقطه نظرات خود پیرامون این لایحه پرداختند.

مخالفان لایحه بودجه چه گفتند

محمد باقری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، از مخالفان لایحه بودجه پیشنهادی دولت، از افزایش ۴۰ درصدی درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور انتقاد کرد و آن را فشاری مضاعف بر تولیدکنندگان دانست. وی



پنج چالش اصلی جهان در نشست داووس

پیش در هم تنیده شده‌اند، متقابلاً آسیب‌رسان‌تر از همیشه هستند و در نهایت حل آن سخت‌تر است.

اکثر اقتصاددانان ارشد WEF یک رکود جهانی ناشی از جنگ در اوکراین همراه با تورم فلج‌کننده را در سال جاری پیش‌بینی کرده‌اند. حال برای جلوگیری از این بحران احتمالی روسای دولت و روسای بانک‌های مرکزی که بسیاری از آنها امسال در داووس حضور دارند با یک دوراهی مواجه هستند. آنها یا باید پول بیشتری را برای شهروندان خود خرج کنند تا شهروندانشان را در برابر هزینه‌های گزنده زندگی محافظت کنند یا نرخ بهره را برای مبارزه با تورم افزایش دهند که این کار نیز به نوبه خود خطر ایجاد رکود جهانی را در پی دارد.

ادامه جنگ در اوکراین

ادامه درگیری‌های روسیه و اوکراین به دلیل پیامدهای آن بر امنیت جهانی، سیاست‌های دفاعی، انرژی و تولید غذا یکی از مهم‌ترین موضوعات این مجمع است. اما امسال نیز برای دومین سال متوالی روسیه در این نشست شرکت نخواهد کرد و ولودیمیر زلنسکی، رییس‌جمهوری اوکراین از طریق تماس ویدیویی در این

جمع جهانی اقتصاد (WEF) در نشست سالانه خود در داووس سوئیس با موضوع همکاری در یک جهان از هم پاشیده، ۵ بحران کلیدی جهان را بررسی می‌کنند. این موضوعات چه هستند؟ جمع جهانی اقتصاد (WEF) در نشست سالانه خود در داووس سوئیس با موضوع همکاری در یک جهان از هم پاشیده، ۵ بحران کلیدی جهان را بررسی می‌کنند.

بیش از ۵۰ سال است که هر ژانویه، رهبران سیاسی، روسای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و تعداد زیادی از افراد سرشناس برای شرکت در مجمع جهانی اقتصاد که بیشتر آن را به نام نشست داووس می‌شناسند دور هم جمع می‌شوند تا درباره مسائل مهم جهان صحبت کنند. امسال در حالی این نشست با حضور سران کشورها و نخبگان تجاری جهان برگزار می‌شود که پیامدهای اقتصادی ناشی از جنگ در اوکراین و خطر قحطی بر این گردهمایی سایه افکنده است.

بحران هزینه زندگی

کارشناسان WEF سال ۲۰۲۳ را به عنوان «سال چند بحرانی» توصیف می‌کنند، سالی که در آن همه مشکلات بشریت بیشتر از



چین به زمین سفت رسیده است

همه علاقه‌مندان به اقتصاد سیاسی می‌دانند یکی از دلایل اصلی رشدهای شتابان چین از دهه ۱۹۸۰ به بعد بخشندگی بازارهای اروپا و آمریکا برای خرید کالاهای چینی بود. اگر چه شهروندان و مصرف‌کنندگان این دو قطب اقتصادی نیز از خرید کالای ارزان تولید شده در چین استفاده می‌کردند و اگرچه سرمایه‌گذاران غربی در چین نیز از نیروی کار ارزان چین بهره‌مند شدند اما بیشترین منفعت نصیب چین شد. حزب کمونیست چین با چرخاندن فرمان اقتصاد به سوی بازار و رها کردن آموزه‌های نائو تسه تونگ خود را با غرب سازگار نشان داد و اقتصادش با شتاب به دومین اقتصاد بزرگ جهان از نظر حجم تولید ناخالص داخلی تبدیل شد. در چند سال تازه سپری شده اما رهبر تازه چین کوشش کرده است غرب را به چالش بکشد و نظم تازه‌ای برای جهان در نظر دارد که بیشترین منافع به این کشور برسد. به این ترتیب بود که با غرب به چالش رسیده است. رشد کاهنده اقتصاد چین در سال‌های اخیر یکی از پیامدهای این رویارویی با غرب است. آمریکایی‌ها سرمایه‌های خود را از چین به ویتنام و اندونزی می‌برند و اقتصاد چین با دشواری روبه‌رو شده است.

چین و ۲۰۲۴

همه ساله در آستانه سال جدید میلادی، شی جین‌پینگ رییس‌جمهوری چین به صورتی متفاوت جلوی دوربین‌های تلویزیونی با مردم این کشور صحبت می‌کند که تحلیل محتوای این صحبت‌ها از سوی کارشناسان، روند کلی یک سال آینده دومین اقتصاد بزرگ جهان را مشخص می‌کند. امسال نیز شی روز یکشنبه در تلویزیون دولتی چین سخنرانی سال نوی میلادی را انجام داد و در بخشی از مهم‌ترین صحبت‌های خود به صراحت گفت که تایوان به عنوان بخشی از چین حتماً به سرزمین اصلی ملحق می‌شود و همه چینی‌ها در دو سوی تنگه تایوان باید با هدفی مشترک به یکدیگر متصل شوند و شکوه احیای ملت چین را با یکدیگر تجربه کنند. صحبت‌های رییس‌جمهوری چین در خصوص الحاق تایوان به چین در حالی است که نزدیک به دو سال است چین و آمریکا بر سر جزیره تایوان دچار اختلافات و تنش‌های جدی شده‌اند و از سوی دیگر قرار است در حدود یک هفته آینده انتخابات ریاست‌جمهوری نیز در تایوان برگزار شود.

چالش‌های گذشته و آینده

دقیقاً یک‌سال پیش، شی تدابیر سختگیرانه خود برای مقابله با همه‌گیری کرونا را که به سیاست کووید صفر معروف شده بود کنار گذاشت و شخص رییس‌جمهوری نیز اذعان کرده بود که کشورش با گذاری آرام از همه‌گیری گذشته است. بعد برخی از کارشناسان مدعی شدند گذر چین از کرونا چندان هم آرام و بی‌دردسر نبوده، زیرا برآورد شده که حدود یک میلیون نفر به واسطه کرونا در این کشور جان خود را از دست داده‌اند.

علاوه بر این در فرآیندی کم‌سابقه در طول سال‌های گذشته، نه تنها در سال ۲۰۲۳ روند رشد اقتصادی چین کند شد، بلکه همزمان با افزایش و رکوردشکنی نرخ بیکاری میان جوانان، بازار املاک و مستغلات وارد رکود شده و سرمایه‌گذاران خارجی نیز با وضعیتی مبهم و نگران‌کننده مواجه شدند.

مجله اکونومیست در گزارشی که به تازگی منتشر کرده، سال ۲۰۲۴ را برای چینی‌ها، سالی دشوار مانند پارسال دانسته و آورده است: همزمان با اینکه «شی» تلاش می‌کند باز هم چهره‌ای مقتدر از خود در صحنه جهانی به نمایش بگذارد، او قرار است در واسط ماه جاری میلادی یک هیات بزرگ سیاسی و اقتصادی را روانه اجلاس مجمع جهانی اقتصاد (داووس) کند. هیاتی که ریاست آن برعهده لی چیانگ نخست‌وزیر چین است که برای نخستین بار از سال ۲۰۱۷ به بعد یک مقام بلندپایه دولتی چین در آن شرکت می‌کند.

با این حال کارشناسان معتقدند داووس امسال برای چین و شخص «شی» متفاوت‌تر از

نشست حضور دارد. علاوه بر این انتظار می‌رود که یک هیات بزرگ اوکراینی از جمله وزرای دولت این کشور برای دریافت حمایت‌های بیشتر بین‌المللی در این مراسم حضور داشته باشد.

بحران آب و هوا

به گفته کارشناسان WEF در گزارش ریسک‌های جهانی «تغییرات آب و هوایی یکی از تهدیدهای مهم در کوتاه‌مدت برای جهان است که کمترین آمادگی را برای آن داریم.» یکی از موضوعات مهم در مورد تغییرات آب و هوایی، فرآیند کربن زدایی صنایع و انتقال انرژی است. هرچند تغییرات آب و هوایی در یک دهه گذشته در دستور کار داووس قرار داشته است اما همیشه تحت‌الشعاع مسائل دیگر در نشست قرار گرفته است و انتظار می‌رود امسال نیز دوباره تحت تاثیر بحران هزینه‌های زندگی قرار بگیرد و چندان مورد توجه قرار نگیرد.

بحران فزاینده غذایی

نامنی غذایی، مانند بسیاری از چالش‌های ذکر شده تا حد زیادی با سایر مشکلات جهانی از جمله بحران آب و هوایی مرتبط است. در این مدت از دست دادن تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی و افزایش تعداد بلایای طبیعی بیشترین نقش را در افزایش کمبود مواد غذایی ایفا کرده است. کارشناسان هشدار داده‌اند که در سال ۲۰۲۳ مردم بیشتری نسبت به سال‌های قبل با گرسنگی مواجه خواهند شد، زیرا مواد غذایی در حال کاهش و قیمت آن همچنان در حال افزایش است.

انقلاب صنعتی چهارم

فناوری و نوآوری همیشه یکی از موضوعات مورد بحث نشست داووس بوده است. اما در سال‌های گذشته به قدری رشد فناوری‌ها سرعت گرفته است که بسیاری آن را انقلاب صنعتی چهارم می‌نامند. افزایش ارتباط متقابل و پیشرفت در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی و محاسبات کوانتومی دولت‌ها را با مسائل پیچیده‌ای روبرو کرده است. همواره با نگاهی به گذشته شاهد آن هستیم که مقررات به کندی با افزایش پیشرفت‌های تکنولوژی همگام شده است. دولت‌ها با توجه به نگرانی‌هایی که در مورد امنیت ملی کشورشان داشته‌اند، به‌طور فزاینده‌ای رویکردی محلی‌تر برای همگام شدن با پیشرفت‌های تکنولوژی انتخاب کرده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه بسیاری از بحران‌ها به یک‌باره خود را نشان می‌دهند بشر باید رویکرد جهانی‌تر برای کمک به حل بزرگ‌ترین چالش‌های پیشرو در زمینه تکنولوژی در نظر بگیرد.



پیش‌بینی می‌شود رشد تولید ناخالص داخلی چین ممکن است در سال جدید، کندتر از سال ۲۰۲۳ رقم بخورد؛ رقمی که برآوردهای دولتی آن را ۵ درصد یعنی کمترین رقم در طول سه دهه گذشته اعلام کرده، اما بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند تولید ناخالص داخلی دومین اقتصاد بزرگ جهان در سال ۲۰۲۴ حدود ۴/۵ درصد و در سال ۲۰۲۵ رقمی برابر با ۴/۳ درصد تولید ناخالص داخلی را ثبت کند.

علاوه بر این گفته می‌شود سرمایه‌گذاران نیز در سال ۲۰۲۴ به واسطه شرایط به وجودآمده احتمالاً احتیاط بیشتری به خرج خواهند داد. در واقع و در شرایطی که دولت چین انتشار برخی از آمارهای اقتصادی نظیر نرخ بیکاری جوانان را متوقف کرده است، همزمان به مقامات دولتی دستور داده شده تا تبلیغات مثبت اقتصادی در کشور را تقویت و از چشم‌انداز روشن تجاری چین ستایش کنند. حتی شاهد هستیم در این خصوص وزیر امنیت داخلی چین پا را فراتر گذاشته و اعلام کرده ارایه دورنمای منفی از اقتصاد کشور یک جرم سیاسی جدی محسوب شده و هدف افرادی که چنین اقداماتی را انجام می‌دهند، انکار سوسیالیسم به سبک چینی و تلاش برای ایجاد مخاطرات استراتژیک برای کشور است. در همین راستا و در حالی که یک هفته قبل مجله‌ای در پکن که خود را حامی اصلاحات اقتصادی نشان می‌دهد در سرمقاله خود وضعیت کنونی را با دوره انقلاب فرهنگی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مقایسه کرده و آورده بود که در آن زمان هم اقتصاد ملی در حال فروپاشی بود، اما مقامات اصرار داشتند وضعیت بسیار خوب و مطلوب است، به سرعت این مقاله از خروجی سایت مجله **Caixin** حذف شد.

سال‌های قبل رقم خواهد خورد، چراکه اوضاع اکنون در صحنه جهانی برای پکن فرق کرده است. تا پیش از این مقامات و روسای شرکت‌های غربی از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و تأثیری که جنگ تجاری چین و آمریکا بر رشد جهانی داشت، بسیار نگران بودند و به همین دلیل مجذوب تلاش‌های رییس‌جمهوری چین به عنوان قهرمان تجارت آزاد شده بودند. در طول سه سال اخیر، بسیاری از مقامات و شرکت‌های غربی چین را منبع تهدید می‌دانند؛ تهدیدی که چه از منظر کندی اقتصاد چین و نیز رقابت استراتژیک این کشور با آمریکا روزبه‌روز در حال افزایش است. از سوی دیگر گفته می‌شود در صورتی که ویلیام لای به عنوان رهبر حزب حاکم دموکراتیک تایوان در انتخابات پیش‌رو پیروز شود، به احتمال زیاد به تنش‌ها در تنگه تایوان دامن خواهد زد، چراکه پکن لای را یک جدایی‌طلب و رهبری نامطلوب برای جزیره تایوان تلقی می‌کند.

واگرایی اقتصادی میان نخبگان

طبق تقویم سیاسی چین، کمیته مرکزی حزب کمونیست این کشور متشکل از ۳۷۰ نفر از نخبگان سیاسی، نظامی و تجاری چین باید سومین پلنوم خود را در اواخر سال گذشته میلادی تشکیل می‌دادند. رویدادی که در یک چرخه ۵ساله تمرکز زیادی بر موضوعات اقتصادی کشور دارد. با این حال تحلیلگران معتقدند عدم تشکیل این پلنوم باعث گمانه‌زنی‌هایی در خصوص ناهماهنگی میان نخبگان چینی در خصوص چالش‌هایی نظیر مشکلات اقتصادی، پیری جمعیت، کاهش نیروی کار و افزایش بدهی دولتی شده است.





شود که در راستای ماده ۲۳ قانون اساسی چین برای هنگ کنگ است. با این حال تلاش‌ها برای تصویب چنین قانونی با مخالفت‌های شدید در هنگ کنگ مواجه شده و از زمان بروز ناآرامی‌ها و اعتراضات گسترده در این شهر از سال ۲۰۱۹ تاکنون، به نظر می‌رسد سال جدید میلادی پکن خود را برای مقابله با چنین مواردی در هنگ کنگ کاملاً آماده کرده است.

مساله مهم بعدی در نظام سیاسی و سلسله‌مراتب قدرت چین، بحث برکناری مقامات این کشور است. هر چند که برکناری مقامات دولتی و نظامی همزمان با روی کار آمدن «شی» در سال ۲۰۱۲ در قالب کمپین مبارزه با فساد دنبال شده، اما در سال گذشته میلادی شاهد بودیم که جین کانگ وزیر خارجه و لی شانگفو وزیر دفاع که اتفاقاً هر دو از نزدیکان «شی» محسوب شده و به تازگی به این مناصب رسیده بودند به همراه ۹ مقام ارشد نظامی به ناگهان و بدون توضیح خاصی ابتدا از انظار عمومی ناپدید و سپس از مقام خود عزل شدند. البته در مورد جین کانگ گفته می‌شود علت برکناری او روابط خارج از ادواج در زمان سفارت او در آمریکا بوده و برای علت عزل وزیر دفاع نیز گمانه‌زنی‌ها از فساد مالی مطرح شده است. برخی کارشناسان معتقدند تشخیص علت و انگیزه اصلی چنین برخوردهایی به واسطه نوع نظام سیاسی چین دشوار است، اما آنچه مشخص است، «شی» به عنوان رهبر مادام‌العمر چین جنگ بی‌امانی را با فساد راه انداخته و در سایه این جنگ از حذف رقبا و مخالفان مهم خود نیز استفاده می‌کند. همچنین لازم به ذکر است دستگیری، بازجویی و غزل نفرت تنها به ساختار دولتی و سیاسی چین محدود نشده و فعالان اقتصادی هم هدف چنین کمپینی قرار گرفته‌اند. در این راستا طبق گزارش رسانه‌های دولتی چین بیش از ۱۰۰ نفر از مقامات و فعالان اقتصادی در چین که اکثر آنها در حوزه مالی و بانکداری مشغول به کار بوده‌اند به جرم اختلاس دستگیر و محاکمه شده‌اند. به عنوان مثال در ماه گذشته میلادی یک مدیر بانکی به دلیل اختلاس ۳۲۵ میلیون دلاری به حبس ابد محکوم شده و برخی رسانه‌های چین نیز اعلام کرده‌اند که چنین روندی در سال ۲۰۲۴ میلادی تشدید هم می‌شود.

از «شی» تبعیت کنید

گفته می‌شود دولت چین دستور کار ویژه‌ای را برای امور اقتصادی و مالی دنبال می‌کند؛ به طوری که شاهد بودیم در اسفند ماه سال گذشته شی جین‌پینگ یک کمیته جدید تحت رهبری حزب به نام کمیسیون مالی مرکزی تأسیس کرده تا مسوولیت تمامی امور مالی و اقتصادی کشور را برعهده بگیرد. وظایف این کمیسیون جدیدالتاسیس نظارت بر نهادهای ناظر بر بانک خلق چین، بانک مرکزی و اداره مقررات مالی است. «شی» همچنین دوباره یک نهاد متحل شده به نام کمیسیون مرکزی مالی را احیا کرده تا در راستای آن نظم و انضباط حزبی را در امور اقتصادی اعمال کند.

در این میان تحلیلگران معتقدند هر چند شی امیدوار است در سایه مسائل و چالش‌هایی نظیر جنگ غزه، جنگ اوکراین و انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، برخی اختلافاتش با غرب کم‌رنگ شود، اما شواهد نشان می‌دهد در مورد رفع نگرانی‌ها و مسائل غربی‌ها با چین چندان خوش‌بینی خاصی وجود ندارد.

زیرا به احتمال زیاد همچنان ایالات متحده آمریکا به تلاش‌های خود به منظور ایجاد محدودیت در فناوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری در چین ادامه می‌دهد. علاوه بر این گفته می‌شود کمیسیون اروپا در حال بررسی این موضوع است که آیا شرکت‌های چینی قوانین این اتحادیه را نقض می‌کنند یا خیر؟ به همین دلیل به نظر می‌رسد سال جدید میلادی چه از منظر داخلی و چه از لحاظ بین‌المللی برای چین و شخص شی جین‌پینگ، سالی سخت و پرچالش باشد.



سال تشدید مراقبت‌های امنیتی

به گفته ناظران در سال ۲۰۲۴، تدابیر امنیتی از سوی «شی» در داخل چین تشدید خواهد شد. سال گذشته و تنها چند روز قبل از لغو سیاست کووید صفر از سوی دولت، رییس‌جمهوری چین شاهد مهم‌ترین نارضایتی‌های داخلی از زمان ناآرامی‌های میدان تیان‌آن‌من در سال ۱۹۸۹ بود. این اعتراضات در سال گذشته هر چند که کوتاه و کوچک بود، اما به‌طور همزمان در چندین شهر بزرگ شد و علی‌رغم اینکه ظاهراً به واسطه اعتراض به قرنطینه‌های مرتبط با همه‌گیری کرونا بود، اما رفته‌رفته رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت؛ به طوری که شاهد بودیم مردمی در برخی شهرها پلاکاردهایی مبنی بر مخالفت با سانسور به نمایش گذاشتند و حتی شعارهایی در شانگهای علیه حزب کمونیست و لزوم کناره‌گیری «شی» از قدرت نیز مطرح کردند.

طبق گزارش‌های منتشر شده در طول سال گذشته میلادی، پلیس مشغول ردیابی معترضان بود؛ به گونه‌ای که به برخی از آنها هشدار جدی داده شد و برخی دیگر نیز از سوی نیروهای امنیتی دستگیر شدند. در این رابطه یکی از شهروندان چینی به مجله اکونومیست گفته جوانان زیادی را می‌شناسد که دیگر نمی‌توانند در پکن زندگی کنند. آنها از جاهای دیگر به پکن می‌آمدند و مکان‌هایی را برای زندگی اجاره می‌کردند، اما بعد از اینکه درگیر موضوع اعتراضات شدند، دولت به آنها دستور داد که دیگر وارد پکن نشوند، لذا اکنون تنها کاری که می‌توانند انجام دهند این است که به زادگاه خود بازگردند و به دنبال شغل جدیدی پیدا باشند.

اخبار منتشر شده حاکی از آن است که در نشست‌هایی که حدود ۲ هفته قبل برگزار شده، به روسای پلیس سراسر چین دستور داده شده که در سال جدید اقدامات امنیتی را تشدید و تلاش وافر به منظور حفاظت از نظام سیاسی چین و قداست ایدئولوژیک آن انجام دهند. علاوه بر این برخی تحلیلگران معتقدند در هنگ کنگ هم در سال ۲۰۲۴، بحث امنیت از جمله اولویت‌های اساسی سیاسی برای پکن است. در این منطقه قرار است یکسری قوانین جدید به منظور جرایمی نظیر خیانت، فتنه‌انگیزی، جدایی‌طلبی و براندازی تصویب

اندیشکده شورای آتلانتیک پیش‌بینی کرد

جهان اندوهگین در سال ۲۰۳۴



جای مهمی دارند انتشار خلاصه‌ای از گزارش یادشده را به انتخاب فرارو می‌خوانیم.

اگر چشم‌انداز ترسیم شده توسط کارشناسان اندیشکده «شورای آتلانتیک» برای جهان تا سال ۲۰۳۴ شما را غمگین می‌کند فردی واقع‌بین هستید. ۶۰ درصد از کارشناسانی که در نظرسنجی سالانه آینده‌نگری جهان آن اندیشکده شرکت کردند نیز بر این باور هستند که جهان در یک دهه آینده وضعیت بدتری خواهد داشت. ۲۸۸ کارشناس شرکت‌کننده در آن بررسی اکثراً شهروندان ایالات متحده، ۱۷ درصد شهروندان اروپا و ۱۱ درصد از آمریکای لاتین و کاراییب بودند. در مجموع، ملیت پاسخ‌دهندگان در چهل و هشت کشور پراکنده شده بود. به نقل از اندیشکده شورای آتلانتیک، در ادامه به خلاصه‌ای از پیش‌بینی‌های مفصل کارشناسان اندیشکده «شورای آتلانتیک» برای جهان تا سال ۲۰۳۴ میلادی خواهیم پرداخت:

نظام سیاسی ایالات متحده گونه‌ای است که بخش خصوصی در آن نقش اول را دارد. دولت در این کشور جز در سیاست خارجی - که البته ادامه سیاست داخلی است در حقیقت آسان‌کننده کارها برای شهروندان شامل خانواده‌ها و بنگاه‌هاست. در دهه‌های تازه سپری شده در آمریکا موجی راه افتاد که بازوی اندیشه‌ای برای مشورت دادن به دولت و فعالان لازم است. اندیشکده‌های گوناگونی راه‌اندازی شد. هر کدام از اندیشکده‌ها دارای مدیران درجه یک از سیاست‌ورزان و اندیشمندان است. این اندیشکده‌ها کارشان ارزیابی آینده است و در این مسیر هر رخدادی در آینده را به لحاظ راهبردی رصد می‌کنند. اندیشکده «شورای آتلانتیک» یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌های آمریکایی در تهیه راهبردهای جهانی به حساب می‌آید. در شروع سال ۲۰۲۴ این اندیشکده ده سال آینده را در کانون توجه قرار داده است. با توجه به اینکه ایران و روسیه و چین همواره در مطالعات راهبردی اندیشکده‌ها





نظر بودند. به طور مشابه ۳۳ درصد باور داشتند که چین و روسیه تا سال ۲۰۳۴ به متحدان رسمی تبدیل خواهند شد و شراکت کمتر رسمی «بدون محدودیت» دو کشور در حال حاضر را تقویت می کند، اما ۳۷ درصد نظری عکس این را داشتند. آیا ما به سمت یک جنگ سرد جدید می رویم؟ پاسخ دهندگان چندان مطمئن نبودند.

آماده شدن برای تحولات در روسیه از جمله درگیری احتمالی روسیه و ناتو تقویم های خود را علامت گذاری کنید: به گفته بسیاری از پاسخ دهندگان در یک دهه آینده احتمالاً یک رهبر جدید کنترل روسیه را در شرایط نامعلوم و در میان آشفتگی های احتمالی به دست خواهد گرفت. بیش از ۷۱ درصد کارشناسان معتقد بودند که پوتین تا سال ۲۰۳۴ میلادی رئیس جمهور روسیه نخواهد بود و ۲۲ درصد دیگر در این باره مطمئن نبودند. تعداد زیادی از پاسخ دهندگان نظرسنجی انتظار آشفتنگی قابل توجهی در روسیه در دهه آینده دارند.

در نتیجه ای مشابه با یکی از بزرگ ترین یافته های نظرسنجی سال گذشته ۳۵ درصد از پاسخ دهندگان بر این باورند که روسیه در ده سال آینده به دلیل تحولاتی مانند انقلاب، جنگ داخلی یا فروپاشی سیاسی در داخل کشور تجزیه خواهد شد. برای کسانی که فکر می کنند پوتین دیگر در سال ۲۰۳۴ رئیس جمهور نخواهد بود این رقم به ۴۰ درصد می رسد. حتی در میان کسانی که فکر می کنند پوتین هم چنان در سال ۲۰۳۴ بر روسیه حکمرانی خواهد کرد تقریباً یک چهارم انتظار دارند که این کشور تجزیه شود. ۶ درصد از

کارشناسان فارغ از سن، ملیت یا جنسیت شان به طور قطع نسبت به یک دهه آینده جهان بدبین هستند
امسال برای اولین بار پرسشی از سوی شورای اتلانتیک مطرح شد: «به طور کلی، آیا فکر می کنید جهان یک دهه آینده در قیاس با امروز بهتر خواهد بود یا بدتر؟» ۶۰ درصد پاسخ دهندگان باور داشتند که وضعیت جهان در یک دهه آینده بدتر خواهد شد در حالی که ۴۰ درصد انتظار وضعیت بهتری را داشتند.

عصر هوش مصنوعی در حال ظهور است
در اینجا تصویر بزرگ در مورد فناوری وجود دارد: پاسخ دهندگان به طور کلی دیدگاه بسیار منفی نسبت به رسانه های اجتماعی و دیدگاهی تا حدودی مثبت نسبت به هوش مصنوعی دارند. امسال از هر ده پاسخ دهنده هشت نفر (۸۱ درصد) می گویند که رسانه های اجتماعی به طور متعادل تاثیر منفی بر امور جهانی طی ده سال آینده خواهند داشت. در مورد هوش مصنوعی و چت بات ها اکثر پاسخ دهندگان احساس مثبتی داشتند. ۵۱ درصد بر این باورند که هوش مصنوعی در دهه آینده تاثیر بسیار مثبتی بر امور جهانی خواهد داشت.

عصر هسته ای بعدی عصری بدون حکمرانی جهانی خواهد بود عصری با تسلیحات هسته ای بیشتر، نرده های محافظ کم تر به نظر می رسد که ما وارد سومین عصر هسته ای پس از دورانی که در دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد رخ داد خواهیم شد.

فقدان حکمرانی بین المللی یکی از ویژگی های تعیین کننده آن عصر است، زیرا رقابت های ژئوپولیتیکی افزایش خواهد یافت و معاهدات کنترل تسلیحات هسته ای از بین می روند. دست کم ۸۴ درصد از پاسخ دهندگان باور داشتند حداقل یک کشور غیر هسته ای در حال حاضر تا سال ۲۰۳۴ به این سلاح ها دست خواهد یافت. اما محتمل ترین کشور که ۷۳ درصد کارشناسان به آن اشاره کرده اند ایران است، اما تعداد قابل توجهی (۴۰ درصد) نیز معتقد بودند آن کشور عربستان سعودی خواهد بود. در مورد کره جنوبی (۲۵ درصد) و در مورد ژاپن (۱۹ درصد) باور داشتند آن کشورها به باشگاه کشورهای دارنده سلاح هسته ای خواهند پیوست. حدود ۱۴ درصد از پاسخ دهندگان انتظار دارند روسیه تا سال ۲۰۲۴ از سلاح هسته ای استفاده کند در حالی که تقریباً ۱۵ درصد پیش بینی کردند که کره شمالی این کار را انجام خواهد داد، اما نکته مثبت تر آن است که بیش از ۶۰ درصد از پاسخ دهندگان باور داشتند در یک دهه آینده از سلاح هسته ای استفاده نخواهد شد.

تردیدهای فزاینده ای در مورد تلاش چین برای تصرف اجباری تایوان وجود دارد
۸۴ درصد از پاسخ دهندگان باور داشتند تا ۲۰۳۴ میلادی حزب کمونیست چین کماکان در قدرت باقی خواهد ماند. تنها یک پاسخ دهنده باور داشت که چین در یک دهه آینده به یک کشور با دولتی شکست خورده و وضعیتی شکننده تبدیل شود. در مورد یکی از مبرم ترین مسائل موجود در چشم انداز اینکه آیا چین در سال های آینده تلاش خواهد کرد کنترل تایوان را با زور بازپس بگیرد یا خیر پاسخ دهندگان شک و تردید قابل توجهی را ابراز داشتند.

اکثر کارشناسان اشاره کردند که تحولات دیگر می تواند بر تصمیم پکن تاثیرگذار باشد. برای مثال، مشکلاتی که روسیه در جنگ خود علیه اوکراین با آن مواجه می شود یا مشکلات اقتصادی که چین خود با آن مواجه شده ممکن است پکن را نسبت به پذیرش خطرات عملیات نظامی بزرگ بی میل کنند. همچنین، ۴۴ درصد فکر می کردند که جهان تا حد زیادی در آن دوره به دو بلوک همسو با چین و ایالات متحده تقسیم می شود و دنیای دوقطبی را آغاز می کند، اما ۳۹ درصد مخالف این

کارشناسانی که انتظار دارند سلطه نظامی جهانی ایالات متحده پایدار بماند فکر نمی‌کنند که این میزان قدرت برای حفظ موقعیت یک ابرقدرت کافی باشد. تقریباً ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به‌طور کلی انتظار دارند که ایالات متحده تا سال ۲۰۳۴ تجزیه شود که حاکی از وجود آسیب‌پذیری‌های بالقوه برای آمریکا در دهه آینده به خصوص در زمینه چالش‌های سیاسی داخلی آن کشور است.

پاسخ‌دهندگان به سازمان ملل اعتماد پایینی دارند تنها ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌گویند که تا سال ۲۰۳۴ سازمان به عنوان یک کلیت به‌طور کامل قادر به حل چالش‌های اصلی مأموریت خود خواهد بود و ۲۳ درصد دیگر اظهار داشتند که تا حدودی قادر به انجام این کار خواهد بود. در مورد شورای امنیت سازمان ملل هیچ کس به معنای واقعی کلمه باور نداشت که آن شورا کاملاً قادر به انجام وظایفش خواهد بود و تنها ۱۷ درصد باور داشتند که «تا حدودی» وظایفش را انجام خواهد داد.

در مقابل، ۶۸ درصد معتقد بودند شورای امنیت درجات مختلفی از ناتوانی را نشان خواهد داد. در این میان بیش از ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان باور داشتند احتمالاً هند کشوری خواهد بود که صاحب کرسی در شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد شد.

نه روسیه و نه اوکراین به احتمال زیاد به تمام اهداف جنگی خود نخواهند رسید، اما بسیاری آینده اوکراین را در اتحادیه اروپا و ناتو می‌بینند از جمله اهداف اولیه اوکراین در جنگ با روسیه بازپس‌گیری قلمرو در بخش شرقی این کشور و شبه‌جزیره کریمه است که روسیه در اولین حمله خود به این کشور در سال ۲۰۱۴ و در دومین حمله خود در سال ۲۰۲۲ تصرف کرد. در حالی که تنها ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان در نظرسنجی انتظار داشتند که اوکراین تا سال ۲۰۳۴ کنترل قلمروی قبل از ۲۰۱۴ خود را دوباره به دست بیاورد کمتر از نیمی از آنان (۴۸ درصد) پیش‌بینی کردند که دولت اوکراین بر سرزمین اوکراینی که قبل از حمله روسیه در سال ۲۰۲۲ در اختیار داشت دوباره قدرت خود را اعمال کند.

در مورد تلاش پوتین برای انقیاد اوکراین چشم‌انداز بلندمدت مسکو خوب به نظر نمی‌رسد: تنها ۶ درصد از پاسخ‌دهندگان فکر می‌کنند که اوکراین تا سال ۲۰۳۴ به روسیه وابسته خواهد شد یا در مدار مسکو قرار خواهد گرفت. ۵۴ درصد پاسخ‌دهندگان باور داشتند اوکراین تا ده سال آینده عضوی از اتحادیه اروپا خواهد بود. ۴۴ درصد نیز پیش‌بینی می‌کنند که اوکراین در این دوره به ناتو ملحق خواهد شد و این چشم‌انداز احتمالاً در اجلاس آتی آن پیمان در واشنگتن در تابستان سال جاری میلادی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تغییرات آب و هوایی بزرگ‌ترین تهدید برای رفاه جهانی است و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هنوز می‌تواند هدفی بسیار بعید و دست نیافتنی باشد به گفته تعداد زیادی از پاسخ‌دهندگان بزرگ‌ترین تهدید برای رفاه جهانی در دهه آینده تغییرات آب و هوایی است که ۳۷ درصد آن را به عنوان نگرانی اصلی خود انتخاب کرده‌اند. کسانی که تغییرات اقلیمی را تهدیدی جدی‌تر می‌دانند انتظار رشد بیشتری در همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با آن را دارند به‌طوری که ۶۳ درصد از آنان این موضوع را به عنوان عاملی که بیشترین افزایش را در همکاری‌های جهانی ایجاد می‌کند شناسایی می‌کنند. با این وجود، ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باور نیستند که انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان تا سال ۲۰۳۴ کاهش یابد.



پاسخ‌دهندگان بر این باورند که پوتین قادر خواهد بود به هدف جنگی خود یعنی تبدیل اوکراین به کشوری تابع روسیه دست یابد. ۳۸ درصد از پاسخ‌دهندگان باور داشتند روسیه و ناتو در یک دهه آینده وارد جنگ با یکدیگر خواهند شد.

جهان در سال ۲۰۳۴ چند قطبی و دارای چندین مرکز قدرت خواهد بود ۷۳ درصد پاسخ‌دهندگان باور داشتند که جهان در سال ۲۰۳۴ چند قطبی و دارای چندین مرکز قدرت خواهد بود، اما در عین حال اکثر آنان انتظار دارند که ایالات متحده برتری قدرت خود را در چندین بعد کلیدی حفظ کند. ۸۱ درصد از پاسخ‌دهندگان انتظار دارند که ایالات متحده در سال ۲۰۳۴ قدرت نظامی مسلط جهان باقی بماند. ۶۳ درصد پاسخ‌دهندگان باور داشتند ایالات متحده تا سال ۲۰۳۴ منبع اصلی نوآوری‌های فناوری خواهد بود و کمی بیش از نیمی (۵۲ درصد) می‌گویند که این کشور قدرت اقتصادی غالب خواهد بود.

این سطح از اطمینان در طول عمر قدرت ایالات متحده در واقع بیشتر از سطحی است که پاسخ‌دهندگان در آخرین نظرسنجی خود در پایان سال ۲۰۲۲ بیان کردند. استثناً در حوزه دیپلماتیک است جایی که بار دیگر تنها یک سوم پاسخ‌دهندگان انتظار داشتند آمریکا تا ده سال دیگر قدرت دیپلماتیک برتر جهان باقی بماند. حتی



چشم‌انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴ از نگاه ولز فارگو

اقتصاد ۲۰۲۴: توفان در راه است

2024

نویسنده: امیر موسوی

همه‌گیری کووید ضربه‌ای مهلک به اقتصاد جهانی وارد کرد. ترکیب محدودیت‌های عرضه و محرک‌های قابل توجه پولی و مالی باعث افزایش نرخ تورم در بسیاری از اقتصادها به سطوحی شد که طی دهه‌ها تجربه نشده بود. پس از همه‌گیری، حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ که منجر به افزایش قیمت نفت شد، وضعیت اقتصاد جهانی را بدتر کرد. در نتیجه، بانک‌های مرکزی بزرگ جهان در تلاش برای بازگرداندن نرخ تورم به سطوح قابل قبول‌تر، مواضع پولی خود را به‌شدت منقبض کردند. در حال حاضر موضع پولی در اکثر اقتصادها در سطوح محدودکننده قرار گرفته و حمایت مالی نیز تا حد زیادی از بین رفته است.

اقتصاد آمریکا

علی‌رغم افزایش ۵,۲۵ درصدی نرخ بهره توسط فدرال رزرو از مارس ۲۰۲۲، اقتصاد ایالات متحده تا حد زیادی به دلیل قدرت مستمر هزینه‌کرد مصرف‌کننده، تاب‌آور باقی مانده و در همین حال، تورم نیز کاهش یافته است. شاخص سالانه مخارج مصرف شخصی هسته (Core PCE YoY) که مقامات فدرال رزرو معتقدند بهترین معیار برای نرخ پایه تورم قیمت مصرف‌کننده است، از ۵,۵ درصد در سپتامبر سال گذشته به ۳,۷ درصد در سپتامبر سال ۲۰۲۳ کاهش یافت. علاوه بر این، قیمت‌ها با نرخ سالانه تنها ۲,۵ درصد بین ژوئن و سپتامبر افزایش یافت که نشان می‌دهد نرخ تورم سالانه در ماه‌های آینده بیشتر تعدیل خواهد شد.

با این اوصاف، ما معتقدیم که نبرد با تورم هنوز به پایان نرسیده و توفان‌های اقتصادی زیادی در راه است. در واقع، ما بر این باوریم که چرخه افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو به پایان رسیده و این بانک مرکزی می‌خواهد مطمئن باشد که تورم به‌طور پایدار به هدف ۲ درصدی باز می‌گردد. در نتیجه، فدرال رزرو احتمالاً موضع پولی محدودکننده خود را تا ماه‌های اولیه سال ۲۰۲۴ بدون تغییر حفظ خواهد کرد. در صورت محدودکننده باقی ماندن

موضع پولی در آمریکا، تورم بیشتر کاهش خواهد یافت و نرخ بهره واقعی بالاتر خواهد رفت. افزایش نرخ بهره واقعی فدرال رزرو منجر به تشدید منفعلانه سیاست پولی می‌شود که بادهای مخالف فزاینده‌ای را بر اقتصاد آمریکا وارد می‌کند و نتیجه آن یک چشم‌انداز اقتصادی تیره خواهد بود.

در حال حاضر برخی از مشکلات در اقتصاد ایالات متحده شروع به ظهور کرده‌اند. افزایش نرخ وام مسکن بر بازار املاک مسکونی تاثیر گذاشته و انتظار می‌رود تعداد موارد شروع به ساخت خانه در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال گذشته تقریباً ۱۰ درصد کاهش یابد. معوقات خانوار در وام‌های خودرو و کارت‌های اعتباری در حال افزایش است و به دلیل ماندن نرخ بهره در سطوح بالا، رشد مخارج سرمایه‌گذاری ثابت کسب‌وکارها کاهش یافته است. با پابرجا ماندن موضع محدودکننده پولی به قوت خود، این فشارها احتمالاً در ماه‌های آینده تشدید خواهند شد. پیش‌بینی اصلی ما این است که تولید ناخالص داخلی واقعی از اواسط سال ۲۰۲۴ به میزان متوسطی کاهش می‌یابد. از آنجایی که تاب‌آوری اقتصادی جای خود را به ضعف می‌دهد، ما انتظار داریم که فدرال رزرو نرخ بهره خود را به میزان ۲,۲۵ درصد، بیشتر از آن چیزی که سیاست‌گذاران و فعالان بازار در حال حاضر پیش‌بینی می‌کنند، تا اوایل سال ۲۰۲۵ کاهش دهد.

ما تصدیق می‌کنیم که اگر اقتصاد آمریکا منقبض نشود، فدرال رزرو احتمالاً به اندازه پیش‌بینی ما نرخ بهره خود را کاهش نخواهد داد. حتی اگر فدرال رزرو بتواند یک فرود نرم اقتصادی را مهندسی کند، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۲۰۲۴ احتمالاً در بهترین حالت به دلیل نرخ بهره بالا واقعی که برای بیرون راندن تورم از اقتصاد مورد نیاز است، کمتر از حد معمول خواهد بود. به عبارتی ساده، شاید یک رکود اقتصادی تمام‌عیار بعید باشد، اما اقتصاد ایالات متحده احتمالاً در یک سال آینده با چالش‌ها و عدم اطمینان مداوم مواجه خواهد شد.

اقتصاد جهانی با چالش‌های متعددی مواجه است

حفظ کرده است و انتظار می‌رود که نرخ بهره بالا در ایالات متحده و فضای نامطمئن اقتصاد جهانی در نیمه اول سال ۲۰۲۴، قدرت این ارز را حفظ کند. با این حال، ما پیش‌بینی می‌کنیم که در اواخر سال ۲۰۲۴ به دلیل تسهیل سیاست‌های پولی توسط فدرال رزرو، دلار آمریکا ضعیف خواهد شد.

چشم‌انداز رشد ۲۰۲۴ مبهم به نظر می‌رسد

با ورود به سال ۲۰۲۴، چشم‌انداز اقتصاد مبهم به نظر می‌رسد و در میان آسیب‌پذیری‌های کلان رو به افزایش و شرایط مالی سخت‌تر فزاینده، احتمال رشد پایین‌تر از روند زیاد است. اگرچه ما معتقدیم که چرخه انقباض پولی فدرال رزرو به پایان رسیده است، اما بازگشت آهسته تورم به هدف ۲ درصدی نشان می‌دهد که بانک مرکزی آمریکا تا آغاز کاهش نرخ بهره فاصله زیادی دارد. اما حتی اگر فدرال رزرو صرفاً نرخ بهره خود را در سطح فعلی حفظ کند، موضع پولی در آمریکا به خودی خود سخت‌تر می‌شود. به عبارتی ساده‌تر، با ثابت ماندن نرخ بهره در سطوح فعلی و با کاهش تدریجی معیار ترجیحی تورم فدرال رزرو، Core PCE، نرخ بهره واقعی به مرور افزایش خواهد یافت.

اگر تورم به کاهش خود ادامه دهد، نرخ بهره واقعی فدرال رزرو می‌تواند تا پایان سال جاری به ۲ برسد و تا اواسط سال ۲۰۲۴ به ۳ درصد برسد. این نرخ بالاترین نرخ بهره واقعی فدرال رزرو از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ خواهد بود، اما اقتصاد به اندازه آن زمان قوی نیست. برآوردها حاکی از آن است که مقایسه با بیش از ۲ درصد در گذشته، نرخ رشد در حال حاضر حدود ۱٫۸ درصد است. این بدان معناست که اقتصاد آمریکا امروز کمتر توانایی تحمل نرخ بهره بالا را دارد.

نرخ بهره واقعی بالاتر هزینه‌های خانوار و سرمایه‌گذاری‌های تجاری را کاهش می‌دهد که منجر به تقاضای ضعیف‌تر برای نیروی کار می‌شود. این امر به نوبه خود می‌تواند چرخه‌ای خودتقویت‌کننده از هزینه‌های کندتر و رشد درآمد آهسته‌تر را ایجاد کند. ما انتظار داریم که رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۲۰۲۴ به میزان قابل توجهی کاهش یابد و رکود خفیفی در سه‌ماهه دوم رخ دهد. این ضعف اقتصادی باید فدرال رزرو را تشویق نماید تا سیاست پولی خود را منبسط کند. ما پیش‌بینی می‌کنیم که تا اوایل سال ۲۰۲۵، نرخ بهره فدرال رزرو به میزان ۲٫۲۵ درصد کاهش یابد، که بیشتر

ایالات متحده تنها اقتصاد بزرگی نیست که در سال ۲۰۲۴ با شرایط توفانی مواجه است. بانک‌های مرکزی بزرگ دیگر نرخ بهره خود را به شدت افزایش داده‌اند و موضع پولی در اکثر اقتصادها محدودکننده است. اگرچه ما معتقدیم که اکثر بانک‌های مرکزی خارجی در حال حاضر به پایان چرخه‌های انقباض پولی خود رسیده‌اند، اما احتمالاً مدتی طول می‌کشد تا کاهش نرخ‌های بهره را آغاز کنند. بنابراین، موضع پولی در بسیاری از اقتصادهای خارجی محدودکننده باقی خواهد ماند که آن اقتصادها را با توفان‌های اقتصادی قوی مواجه خواهد کرد.

ما پیش‌بینی می‌کنیم که این توفان‌های اقتصادی، تأثیر متفاوتی در بین اقتصادهای خارجی خواهند داشت و برخی از آنها کاهش رشد شدیدتری را نسبت به سایرین تجربه خواهند کرد. پیش‌بینی می‌شود که بریتانیا و ناحیه یورو از جمله اقتصادهایی باشند که به شدت آسیب می‌بینند. انتظار داریم که بریتانیا دچار یک انقباض اقتصادی خفیف شود، اما ناحیه یورو از رکود اقتصادی جلوگیری کند؛ هرچند نرخ رشد کند پیش‌بینی شده برای سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ چندان دلگرم‌کننده نیست. اقتصاد کانادا سال ۲۰۲۳ را با حرکت مناسبی آغاز کرد، اما اخیراً کند شده است. روابط تجاری قابل توجه با اقتصاد ضعیف شده ایالات متحده، اقتصاد کانادا را در سه‌ماهه آینده با چالش مواجه خواهد کرد.

انفجار رشد که چین از بازگشایی اقتصاد پس از کووید در اوایل سال ۲۰۲۳ تجربه کرد، کوتاه‌مدت بود. ما انتظار داریم که در میان بادهای مخالف ساختاری، از جمله مشکلات بخش املاک، چالش‌های جمعیتی، روند مصرف کند و تنش‌های ژئوپلیتیکی، تولید ناخالص داخلی واقعی در چین در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ کمتر از ۵ درصد باشد. در سوی دیگر ماجرا، هند قرار دارد. ما پیش‌بینی می‌کنیم که اقتصاد هند در دو سال آینده از سایر اقتصادهای در حال توسعه بهتر عمل کند، اما باید توجه داشت که اقتصاد این کشور به اندازه کافی بزرگ نیست که تأثیر معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی جهانی داشته باشد. در این راستا، ما پیش‌بینی می‌کنیم که تولید ناخالص داخلی جهانی در سال ۲۰۲۴ تنها ۲٫۴ درصد رشد کند که تقریباً ۱ درصد کامل کمتر از میانگین سالانه در ۴ دهه اخیر است.

دلار آمریکا در طول سال ۲۰۲۳ قدرت خود را در برابر اکثر ارزهای خارجی

Figure 1

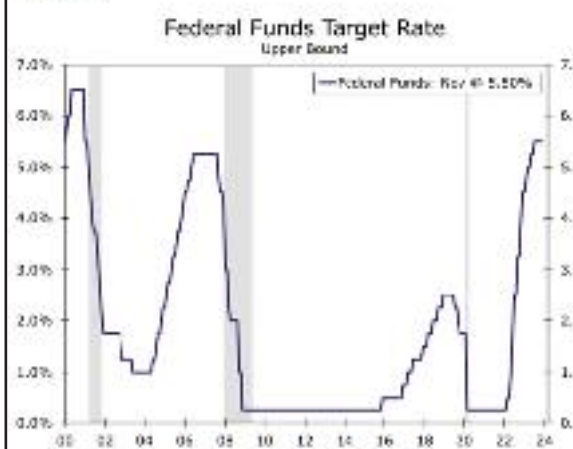


Figure 2





تولید باتری خودروهای الکتریکی هدف گرفته‌اند و منطقه جدیدی را که کمربند باتری نامیده می‌شود، پدیدار کرده‌اند.

جغرافیای صنعت ممکن است بر نحوه واکنش مناطق مختلف به جذب هوش مصنوعی (AI) نیز تأثیر بگذارد. تغییرات صنعت مدت‌هاست که ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داده و ضربه‌های نابرابر بازار کار را در ازای رونق بهره‌وری ایجاد کرده است. به عنوان مثال، آزادسازی تجارت چین در اوایل دهه ۲۰۰۰ باعث کاهش گسترده اشتغال تولیدی ایالات متحده شد. با این حال، حجم تولیدات تولیدی ایالات متحده در این مدت دو برابر شد که نشان‌دهنده رشد قوی بهره‌وری در بخش تولید است.

در مورد هوش مصنوعی، ایالت‌هایی که در معرض بیشترین ریسک قرار دارند، ایالت‌هایی هستند که نسبت بیشتری از مشاغل آموزش، خدمات بهداشتی و کارمندان اداری را دارند. شمال شرقی با بیش از ۲۰ درصد از نیروی کار در نیویورک، ماساچوست و رودآیلند در بخش آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، غالب است. در همین حال، مشاغل تجاری و قانونی که تمایل بیشتری به کار اداری دارند، بیش از ۲۵ درصد از کل اشتغال را در ویرجینیا، ماساچوست، کلرادو، فلوریدا و دلاور تشکیل می‌دهند. در حالی که نیروی کار در این ایالت‌ها ممکن است در معرض ریسک بیشتری باشند، میزان افزایش درآمدهای واقعی ناشی از بهره‌وری دشوارتر است و به احتمال زیاد به نفع افراد در بخش وسیع‌تری از کشور خواهد بود.

ما معتقدیم که اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴ با فزاینده نامطمئن و پرنوسان مواجه خواهد شد. پس از یک دوره قوی در سال ۲۰۲۲، چشم‌انداز رشد جهانی ضعیف شده است. ما اکنون پیش‌بینی می‌کنیم که اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ به میزان ۲٫۸ درصد و در سال ۲۰۲۴ به میزان ۲٫۴ درصد رشد کند و از رکود اقتصادی جلوگیری شود. این کندی در درجه اول ناشی از چرخه‌های انقباض پولی تهاجمی است که توسط اکثر بانک‌های مرکزی در سراسر جهان در چند وقت اخیر اجرا شده است. بانک‌های مرکزی نرخ‌های بهره را به میزان قابل توجهی از پایین‌ترین سطح خود در دوران همه‌گیری افزایش داده‌اند و در برخی موارد برای مثال بانک مرکزی سوئیس، حتی نرخ بهره را از قلمرو منفی خارج کرده است.

علاوه بر این، چندین بانک مرکزی درگیر انقباضات کمی شده‌اند و ترازنامه مربوطه خود را با اجازه دادن به دارایی‌های اوراق قرضه در حال سررسید یا در برخی موارد فروش اوراق قرضه، کوچک کرده‌اند. در نتیجه این انقباض پولی، متوسط نرخ بهره اسمی کوتاه‌مدت در اقتصادهای G20 از

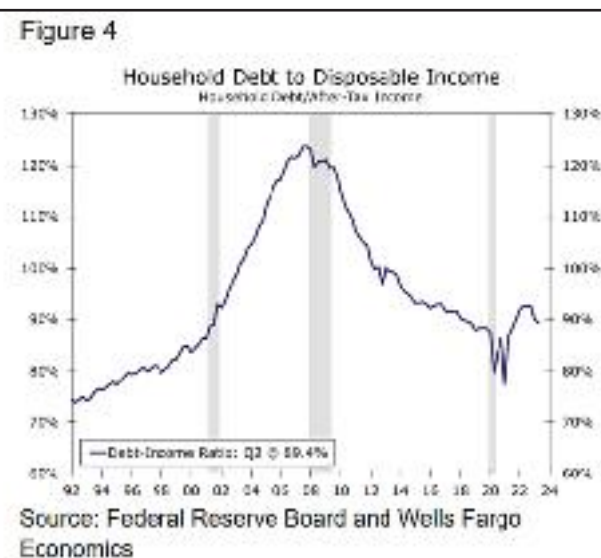
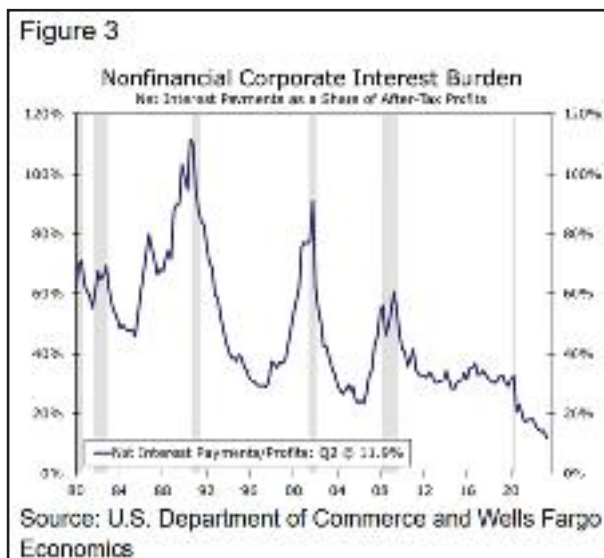
از انتظار سیاست‌گذاران و فعالان بازار است. سرعت انقباض کمی نیز به وضعیت اقتصاد بستگی خواهد داشت و رکود در سال آینده می‌تواند منجر به توقف این روند در اواسط سال ۲۰۲۴ شود.

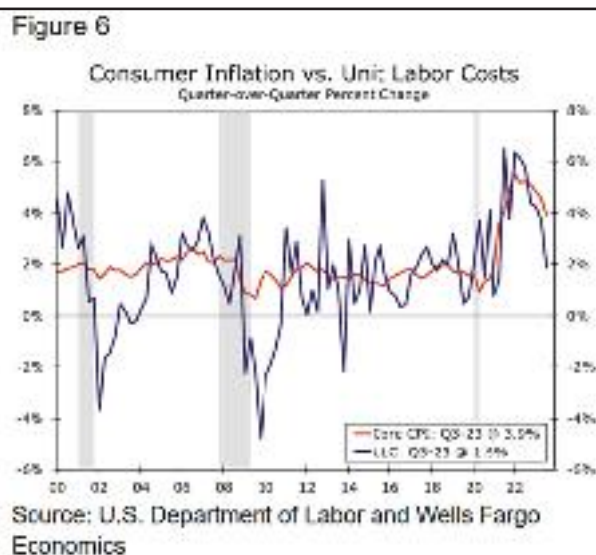
احتمال یک فرود نرم اقتصادی که در آن رشد کند می‌شود، اما از انقباض کامل اجتناب می‌گردد، ناچیز نیست. کسب‌وکارها ممکن است برای مدتی طولانی‌تر با وارد شدن به این نوع محیط اقتصادی، نیروی کار خود را حفظ کنند یا ادامه هزینه‌ها در میان خانوار ثروتمندتر می‌تواند آسیب‌پذیری‌های فزاینده نسبت به طیف افراد کم‌درآمد را جبران کند. اگر فدرال رزرو واقعاً بتواند یک فرود نرم را به اقتصاد هدیه دهد، پیش‌بینی ما برای کاهش نرخ بهره و تاریخ پایان انقباض کمی خیلی زود خواهد بود. البته شایان ذکر است حتی در صورتی که اقتصاد از رکود اجتناب کند، رشد در سال ۲۰۲۴ احتمالاً در بهترین حالت به دلیل سطح بالای نرخ بهره واقعی کمتر از حد معمول خواهد بود. چشم‌انداز بازار کار و شتاب هزینه‌های مصرف‌کننده در حال کاهش است. به‌طور کلی، ما معتقدیم که اگر تورم چسبیده نشود، نرخ بهره توسط فدرال رزرو در سال بعد کاهش خواهد یافت. در غیر اینصورت، سیاست پولی در ایالات متحده سخت‌تر خواهد بود.

جغرافیای صنعت

ترکیب صنایع همچنین می‌تواند تاب‌آوری منطقه‌ای در برابر آشفتگی اقتصادی ملی را تعریف کند. ما انتظار داریم که افزایش نرخ بهره واقعی مقصر اصلی رکود احتمالی آتی اقتصاد آمریکا باشد که فشار بیشتری را بر بخش‌های حساس‌تر به موضع پولی وارد می‌کند. در حال حاضر، مراکز فناوری در امتداد ساحل غربی تحت فشار نامتناسبی به دلیل سرعت سریع چرخه انقباض پولی توسط فدرال رزرو قرار گرفته‌اند. این امر قیمت مسکن در بازارهای غربی را تحت فشار قرار داده و باعث انقباض آشکار در حقوق و دستمزد حوزه فناوری در کالیفرنیا و واشنگتن شده که بر رشد کلی مشاغل در این ایالت‌ها تأثیر گذاشته است.

در مقابل، سیل سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی برای تجهیز وسایل نقلیه الکتریکی و تاسیسات تولید نیمه‌هادی، چشم‌انداز رشد برخی از ایالت‌ها را تقویت کرده است. علی‌رغم افزایش فشار بر بخش تولید، ایالت‌هایی مانند کارولینای جنوبی، جورجیا و تگزاس افزایش قابل توجهی در سرمایه‌گذاری در تولید به ثبت رسانده‌اند و شرکت‌ها به کمربند خورشید برای توسعه ظرفیت تولید داخلی نگاه می‌کنند. از سوی دیگر، سایر سرمایه‌گذاری‌ها در غرب میانه متمرکز شده است. شایان ذکر است، میشیگان، ایندیانا و اوهایو برای





به شدت کاهش یافته و نظرسنجی‌های شاخص مدیران خرید (PMI) حاکی از یک اقتصاد در حال انقباض است. روند درآمد واقعی خانوار نسبتاً خوب بوده و افزایش نرخ بهره به اندازه افزایش در بریتانیا چشمگیر نبوده است. در حالی که رشد سودآوری شرکت‌های ناحیه یورو کند شده، اما هنوز کاهش قابل توجهی را تجربه نکرده است. این عوامل می‌تواند به اقتصاد ناحیه یورو کمک کند تا از رکود به‌طور کلی اجتناب کند، اما حتی در آن زمان، پیش‌بینی می‌شود که رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۳ به میزان ۰٫۵ درصد و برای سال جاری به میزان ۰٫۸ درصد باشد.

چین و کانادا دو اقتصادی هستند که احتمالاً گهگاه کاهش رشد اقتصادی را تجربه می‌کنند. پس از بیرون آمدن از همه‌گیری کووید، چین در اوایل سال ۲۰۲۳ رشد اقتصادی کوتاهی را تجربه کرد. با این حال، این رشد، به ویژه در بخش‌های مصرف‌کننده، خدمات و املاک و مستغلات کاهش یافته است. برای مقابله با این کندی، دولت چین اقداماتی مانند کاهش نرخ بهره، تشویق وام‌دهندگان به ارائه شرایط مطلوب‌تر وام مسکن و تزریق نقدینگی به اقتصاد را اجرا کرده است. این اقدامات منجر به بهبود متوسطی در فعالیت‌های اقتصادی شده که می‌تواند بازنگری رو به بالا پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی چین به ۵٫۲ درصد برای سال ۲۰۲۳ را تصدیق کند. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود که رشد تولید ناخالص داخلی چین به ۴٫۵ درصد در سال ۲۰۲۴ و ۴٫۳ درصد در سال ۲۰۲۵ کاهش یابد.

اقتصاد کانادا نیز دوره‌ای از رشد متوسط را در نیمه اول سال ۲۰۲۳ تجربه کرد. با این حال، با افزایش نرخ بهره، کاهش سودآوری شرکت‌ها و بدتر شدن احساسات تجاری که بر مخارج مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاری تأثیر گذاشته، رشد اقتصادی این کشور نیز شروع به کاهش کرده است. علاوه بر این، روابط تجاری گسترده کانادا با کندی اقتصاد ایالات متحده، باد مخالفی را برای این کشور ایجاد می‌کند. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود که رشد تولید ناخالص داخلی کانادا متوسط باقی بماند و در سال ۲۰۲۳ به میزان ۱٫۱ درصد و در سال جاری به میزان ۰٫۷ درصد باشد.

اکنون باید به هند بپردازیم. انتظار می‌رود اقتصاد هند در سال ۲۰۲۴ به رشد قوی خود ادامه دهد. تولید ناخالص داخلی این کشور در سه‌ماهه دوم تا

کمتر از ۲ درصد در سال ۲۰۲۰ به حدود ۵٫۷۵ درصد در حال حاضر افزایش یافته است. در حالی که برخی از بانک‌های مرکزی چرخه کاهش نرخ بهره را آغاز کرده‌اند، تأثیر تغییرات سیاست پولی بر رشد اقتصادی و تورم معمولاً به زمان نیاز دارد تا تحقق یابد. این بدان معنی است که اثرات سیاست پولی محدودکننده احتمالاً برای چندین فصل آینده ادامه خواهد داشت. با این حال، تأثیر این سیاست‌ها در اقتصادهای مختلف متفاوت خواهد بود.

در حالی که کاهش مداوم تورم جهانی ممکن است برای مصرف‌کنندگان تسکین‌آور باشد، بعید است که به‌طور کامل اثرات محدودکننده تشدید موضع پولی را متعادل کند. رویکرد محتاطانه بانک‌های مرکزی نسبت به تعدیل نرخ بهره، با هدف بازگرداندن تورم به سطوح هدف، می‌تواند منجر به تشدید منفعلانه سیاست‌های پولی و مانع رشد اقتصادی شود. علاوه بر این، تکمیل مورد انتظار یکپارچگی مالی پس از همه‌گیری نشان می‌دهد که توسعه مالی قابل توجهی برای جبران تأثیر محدودکننده سیاست پولی وجود نخواهد داشت. با حداقل محرک‌های مالی از سوی اقتصادهای بزرگ مانند چین، ایالات متحده و ناحیه یورو، ما سیاست مالی حمایت قابل توجهی از رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۴ را پیش‌بینی نمی‌کنیم.

توفان اقتصادی در جهان

انتظار می‌رود چندین اقتصاد بزرگ، از جمله اقتصادهای ناحیه یورو و بریتانیا، در ماه‌های آتی و در سال ۲۰۲۴ با کاهش شدید رشد مواجه شوند. بریتانیا به‌ویژه در برابر این رکود آسیب‌پذیر است و رکود خفیفی احتمالاً در اواخر سال ۲۰۲۳ آغاز خواهد شد. در واقع، تورم در بریتانیا شروع به کاهش کرده و روند درآمد واقعی خانوار به تازگی به محدوده مثبت بازگشته است. با این حال، افزایش قابل توجه نرخ بهره، به ویژه برای وام‌های مسکن با نرخ متغیر، فشار قابل توجهی را بر امور مالی خانوار وارد کرده است. با توجه به کاهش احساسات مصرف‌کننده و رشد تولید ناخالص داخلی در حال حاضر را کم، پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد بریتانیا در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۳ و سه‌ماهه اول ۲۰۲۴ منقبض گردد.

از سوی دیگر، ناحیه یورو به شدت تحت تأثیر قرار نگرفته، اما رشد اقتصادی





در همین حال، بانک مرکزی ژاپن در بین بانک‌های مرکزی **G10** با حفظ موضع پولی تطبیقی، یک نقطه داده پرت به حساب می‌آید و این امر باعث شده که بازده اوراق قرضه دولتی ژاپن به تدریج افزایش یابد. ما معتقدیم که بانک مرکزی ژاپن به تدریج برای تغییر اساسی تر موضع پولی خود آماده می‌شود که احتمالاً شامل افزایش ۰٫۱ درصدی نرخ بهره در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۴ است.

حتی در بازارهای نوظهور که کاهش نرخ بهره از قبل آغاز شده، به نظر می‌رسد بانک‌های مرکزی تمایل به اتخاذ رویکردی تدریجی و محتاطانه برای تسهیل پولی دارند. بانک مرکزی شیلی چرخه تسهیل پولی خود را با کاهش ۱ درصدی نرخ بهره آغاز کرد، اما سپس در جلسات بعدی به ۰٫۷۵ و کاهش ۰٫۵ درصدی روی آورد. انتظار می‌رود بانک مرکزی برزیل به جای تسریع روند کاهش نرخ بهره، به کاهش ۰٫۵ درصدی نرخ بهره ادامه دهد. بانک مرکزی مکزیک معتقد است که نرخ بهره باید برای مدت طولانی بالا بماند و ما پیش‌بینی می‌کنیم که تا سه‌ماهه اول تا ۲۰۲۴ کاهش نرخ بهره را آغاز نکند. به نظر می‌رسد که چندین بانک مرکزی آسیایی نیز کاهش نرخ بهره را تا سال ۲۰۲۴ به تعویق می‌اندازند. تمایل بانک مرکزی اندونزی برای ثبات ارز منجر به افزایش غیرمنتظره نرخ بهره در آخرین نشست پولی خود شد که تغییر به سمت کاهش نرخ بهره را تا سال آینده بعید می‌سازد. سیاست‌گذاران بانک مرکزی هند نیز یک موضع پولی انقباضی را حفظ کرده‌اند و بعید است که تا نیمه اول سال ۲۰۲۴ به‌طور صریح به سمت تسهیل پولی حرکت کنند. در نهایت، بانک مرکزی فیلیپین نیز در نشست‌های اخیر خود موضعی آشکارا انقباضی کرده و نرخ بهره را ۰٫۲۵ درصد افزایش داده است. همچنین تغییر به سمت تسهیل پولی در فیلیپین تا سال ۲۰۲۴ بعید است.

دلار باید در زمان توفان اقتصادی ارز ایمن باشد پس از قدرت‌نمایی در سال ۲۰۲۲، دلار آمریکا در سال ۲۰۲۳ نوسانات زیادی را تجربه کرد. با این حال، در ماه‌های اخیر شاهد رشد دلار آمریکا نزدیک به ۲٫۵ درصد بوده‌ایم. در میان چشم‌انداز نامطمئن اقتصاد جهانی، ما معتقدیم که دلار آمریکا احتمالاً در کوتاه‌مدت به عنوان پناهگاه ایمن برای سرمایه‌گذاران باقی خواهد ماند. ما پیش‌بینی می‌کنیم دلار تا سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۴ افزایش یابد که احتمالاً تا پایان سال ادامه‌دار باشد. این چشم‌انداز مثبت با انعطاف‌پذیری اقتصاد ایالات متحده و انتظار برای فرود اقتصادی ملایم‌تر که می‌تواند منجر به افزایش بیشتر نرخ بهره توسط فدرال رزرو شود، حمایت می‌گردد.

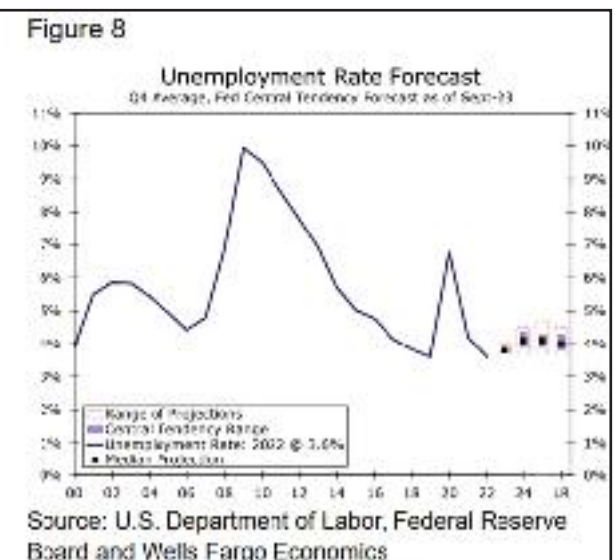
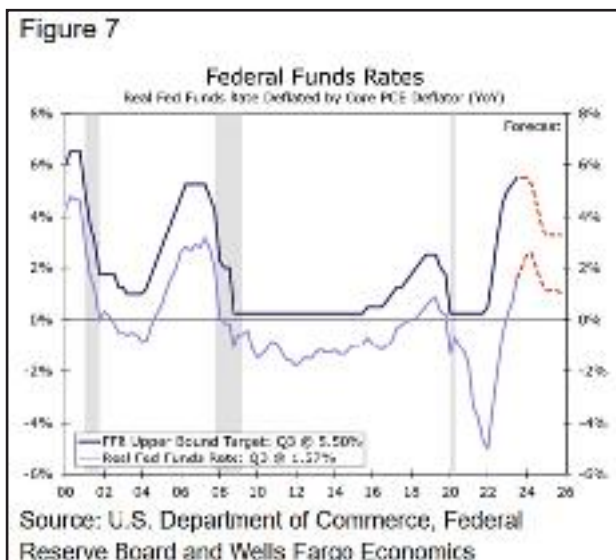
۲۰۲۳ به میزان ۷٫۸ درصد رشد کرد که از ۶٫۱ درصد در سه‌ماهه اول افزایش یافت. این رشد توسط مخارج سرمایه‌گذاری قوی و افزایش مجدد هزینه‌های مصرف‌کننده حمایت شده است. ارتباطات تجاری متوسط هندی، با صادرات کالاها و خدمات تنها ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، همچنین به در امان ماندن این کشور از رکود جهانی کمک کرده است. علاوه بر این، نرخ بهره در هند به اندازه بسیاری از اقتصادهای بازارهای نوظهور دیگر افزایش نیافته و نرخ بهره واقعی فقط نسبتاً مثبت است. ما انتظار داریم که رشد تولید ناخالص داخلی هند در سال ۲۰۲۴ به ۶٫۳ درصد برسد که اندکی بیشتر از پیش‌بینی ۶٫۱ درصدی ما برای سال ۲۰۲۳ است.

بانک‌های مرکزی عجله ندارند

علی‌رغم عدم اطمینان اقتصادی فزاینده، ما پیش‌بینی می‌کنیم که بانک‌های مرکزی ممکن است برای مدتی از کاهش قابل توجه نرخ بهره خودداری کنند. تورم، اگرچه در برخی مناطق کند می‌شود، اما همچنان بالاتر از اهداف بانک‌های مرکزی است. بد نیست بدانید رشد دستمزدها و تورم خدمات، به ویژه در اقتصادهای مختلف، پایدار مانده است.

با توجه به این چالش‌ها، ما معتقدیم که بسیاری از بانک‌های مرکزی **G10** تا سال ۲۰۲۴ چرخه کاهش نرخ بهره را آغاز نخواهند کرد و همچنین بر اهمیت حفظ نرخ بهره بالا برای مدت طولانی برای اطمینان از بازگشت تورم به هدف در طول زمان تاکید کرده‌اند. در نتیجه، حتی با وجود رکود پیش‌بینی‌شده در بریتانیا، ما انتظار نداریم که بانک مرکزی این کشور یا بانک مرکزی اروپا تا مقطعی در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۴ شروع به کاهش نرخ بهره کنند. به همین ترتیب، با توجه به اینکه تورم هنوز بالاتر از هدف است، پیش‌بینی می‌کنیم که بانک مرکزی کانادا و بانک مرکزی نیوزیلند قبل از شروع کاهش نرخ بهره در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۴، منتظر شواهد و داده‌های اقتصادی بیشتر بمانند.

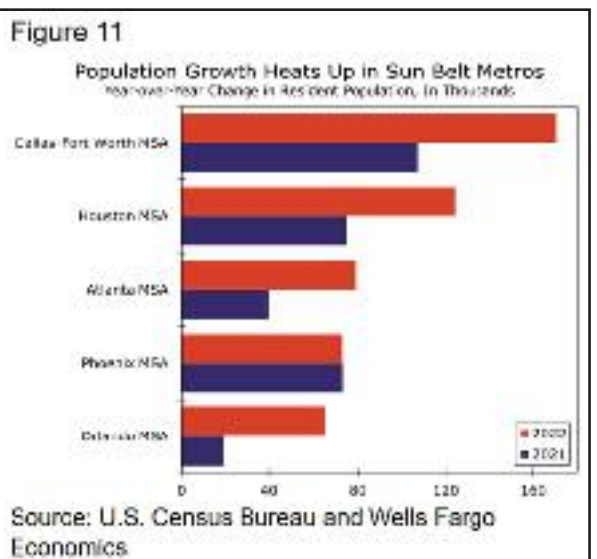
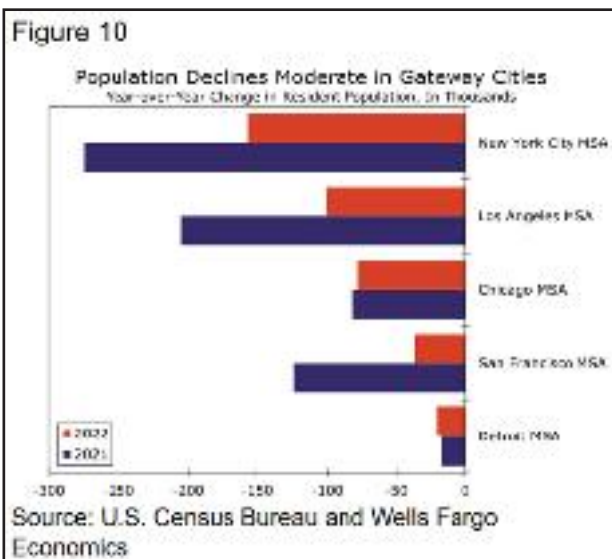
برخی از بانک‌های مرکزی **G10** حتی ممکن است برای حفظ تلاش‌های خود برای مهار فشارهای تورمی، نرخ‌های بهره خود را بیشتر افزایش دهند. بانک مرکزی استرالیا، نمونه بارز این رویکرد است. علی‌رغم اینکه اقتصاد استرالیا علائمی از کندی را نشان می‌دهد، تورم همچنان بالاست و بانک مرکزی این کشور ممکن است به موضع پولی سخت‌تر ادامه دهد. با این حال، با توجه به انعطاف‌پذیری اقتصاد در برابر فشارهای رکودی، انتظار داریم بانک مرکزی استرالیا کاهش نرخ بهره را تا سه‌ماهه سوم ۲۰۲۴ آغاز نکند.





شود. در حالی که روند کلی به سمت قدرت کمتر دلار تغییر می‌کند، ما معتقدیم این ژاپن که در مرحله انقباض پولی جهانی عملکرد ضعیفی داشته است، می‌تواند در سال ۲۰۲۴ در میان ارزهای گروه ۱۰ عملکرد بهتری داشته باشد. در واقع، ارزهای حساس به کالا مانند دلارهای استرالیا، کانادا و نیوزیلند نیز می‌توانند افزایش متوسطی داشته باشند، اما پوند انگلیس و یورو احتمالاً عملکرد ضعیف‌تری خواهند داشت.

انتظار می‌رود بازدهی بالاتر آمریکا، چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم، قدرت دلار را تقویت کند. در برابر ارزهایی مانند یورو و پوند انگلیس، که با رشد اقتصادی کندتر مواجه هستند و بانک‌های مرکزی که احتمالاً به اوج چرخه انقباض پولی خود رسیده‌اند، دلار آمریکا آماده رشد است. با این حال، ما انتظار داریم که با افزایش احتمال رکود خفیف ایالات متحده و کاهش مهاجمی تر نرخ بهره توسط فدرال رزرو، سیر صعودی دلار در نهایت معکوس



نوع فعالیت: طراحی ، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی جهت استفاده در صنایع نفت ، گاز و پتروشیمی ، فولاد ، دارویی ، شیشه سازی و خودرو
نشانی: تهران، میدان ونک ، خیابان ونک غربی ، پلاک ۶۱
تلفن: ۸۸۶۰۴۷۳۵-۸۸۶۰۴۷۳۶
فاکس: ۸۸۶۰۴۷۳۹
پست الکترونیک: office@otce-co.com



تجهیزات توربو کمپرسور نفت
مدیرعامل: مرتضی کاظمی

نوع تولید: ظروف آشپزخانه
نشانی: مشهد، شهرک صنعتی توس، فاز ۱، کوشش شمالی ۵،
گروه کارخانجات مقصود
تلفن: ۰۵۱۳۵۱۵۲۰۰۰
فاکس: ۰۵۱۳۵۴۱۰۴۵۱
پست الکترونیک: info@grandmaghsoud.com
وب سایت: www.grandmaghsoud.com



گروه کارخانجات مقصود
مدیرعامل: مهدی ایمانی



نوع تولید: تولید محصولات شیمیایی
نشانی: تهران، خیابان انقلاب، زیر پل کالج، نرسیده به چهارراه کالج، پلاک ۸۹۶، طبقه سوم
کد پستی: ۱۱۳۳۹۳۵۹۱۸
تلفن: ۶۶۷۰۱۷۴۱
فاکس: ۶۶۷۰۲۴۳۷
پست الکترونیک: info@chemico.ir
وب سایت: www.Chemico.ir



کیمیا پالایش شکوهیه
مدیرعامل: فرامرز ترابی

نوع تولید: لوازم خانگی
نشانی: تهران، خیابان فیاضی (فرشته)، روبه روی خیابان آقا بزرگی، پلاک ۷۰، ساختمان نسل،
طبقه ۴، واحد ۷
کد پستی: ۱۹۶۴۹۳۳۹۶۰
تلفن: ۲۳۶۵۵۰۰
فاکس: ۲۲۰۳۷۸۰۴
پست الکترونیک: Info@neico.net
وب سایت: www.neico-electric.com



صنایع الکتریکی ناسیونال ایران
رئیس هیئت مدیره: شاهین علیمحمدی



نوع تولید: تولید انواع چسب خانگی و صنعتی
نشانی: تهران خیابان خالد اسلامبولی نیش خیابان احمدیان جنب بانک
آینده پلاک ۱۲۷ طبقه ۵، کد پستی: ۱۵۱۳۸۳۳۱۱۷
تلفا کس: ۸۸۵۵۰۵۲۳
وب سایت: www.RaziChemical.com



شیمیایی رازی
مدیرعامل: امیررضا نقی گنجی





لیزینگ اقتصاد نوین

EGHTESAD NOVIN LEASING CO.

لیزینگ اقتصاد نوین
مدیرعامل: ایمان فرجام نیا

نوع خدمت: تأمین منابع مالی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در صنایع مختلف جهت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، خودروهای کار و سنگین، خودروهای سواری، ماشین‌آلات راهسازی، دفاتر اداری و تجهیزات پزشکی
نشانی: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب تهران کلینیک، کوچه آزادگان، پلاک ۱۵۲
تلفاکس: ۸۸۷۰۰۷۷۶
پست الکترونیک: info@enleasing.com
وب سایت: www.enleasing.com



شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی رازی (سهامی عامه)
Razi Industrial Group Investment

گروه صنعتی رازی
مدیر هماهنگی: محمدرضا تقی گنجی

نشانی: تهران، خیابان گاندی جنوبی، کوچه یکم، ساختمان گروه صنعتی رازی
تلفن: ۸۸۸۸۰۰۷۲
فاکس: ۸۸۸۸۰۰۷۱
وب سایت: razi-group.com



سبزی ایران
مدیرعامل: احمد فتح الهی

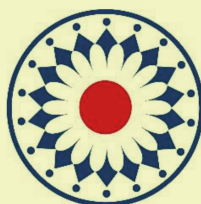
نوع تولید: تولید مواد غذایی (سبزیجات خشک، ادویه جات، غذاهای نیمه آماده و چاشنی‌ها)
نشانی دفتر مرکزی: تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان برازنده، پلاک ۶۲، واحد ۵
تلفن: ۸۸۷۳۰۰۰۸
فاکس: ۷۷۵۲۷۷۹۷
وب سایت: www.sabziranco.com
پست الکترونیک: sabziranco@yahoo.com



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

بانک کارآفرین
مدیرعامل: احمد بهاروندی

نوع فعالیت: بانکداری
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر روبروی پارک ملت خیابان ناهید غربی پلاک ۹۷
تلفن: ۲۶۲۱۵۰۰۰
فاکس: ۲۶۲۱۵۱۵۸
پست الکترونیک: Info@karafarinbank.ir
وب سایت: Www.karafarinbank.ir



بیمه تعاون

بیمه تعاون
مدیر عامل: یونس مظلومی

نوع فعالیت: ارائه دهنده خدمات بیمه‌ای
نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان قائم مقام فراهانی، کوچه ششم، پلاک ۲۲، ساختمان بیمه تعاون
کد پستی: ۱۵۸۶۸۴۳۹۱۱
تلفن: ۱۶۰۲
فاکس: ۸۸۵۴۷۸۰۴
پست الکترونیک: info@taavon-ins.ir
وب سایت: www.taavon-ins.ir



گروه کارخانجات مقصود

Grand Maghsoud Group



آیروپال

تولید شده در گروه کارخانجات مقصود



چینی استخوانی سارگل

تولید شده در گروه کارخانجات مقصود



گروه کارخانجات مقصود

Grand Maghsoud Group



WWW.GRANDMAGHSOUD.COM



۹۹۹۹۹۰۰۰۷۸

RAZI
Chemical Co.

چسب قطره ای **MINI**

رازی



Razichemicals



021 88 550 523



Razichemical.com



بانکداری برای شرکت شما



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

بانک خاورمیانه از طریق تعامل نزدیک با شرکت‌ها و درک ساختار مالی و نیازهای منحصر به فرد آنها، مجموعه‌ای از راهکارهای مناسب مالی و خدمات بانکی را با حفظ محرمانگی و اریختگی ارائه می‌دهد.

مهمترین مزایای کلیدی خدمات بانکداری شرکتی ما عبارتند از:

- ابزارهای متنوع تامین مالی کوتاه‌مدت، بلندمدت و کمک به ایفای تعهدات
- راهکارهای متنوع بانکداری آنلاین مانند اینترنت بانک شرکتی و بانکداری بلا
- ارائه زیرساخت برای کسب‌وکارهای نوآور و منظور ترکیب خدمات بانکداری با محصولات و خدمات آنها

کارکنان مجرب بانک خاورمیانه با تعاملی پویا و سازنده، برای پشتیبانی از نیازهای شما همواره در دسترس هستند.